

ترکیب کابینه

تجلی شکست خط سازش و پیروزی مهم نیروهای خط امام

چند نفر از نمایندگان که با هر اقدام مثبت، مترقی و مردمی جمهوری اسلامی و با اجرای قانون اساسی مخالفاند، نومیدانه به وزیر کشور، وزیر خارجه و برخی از وزرای دیگر به سختی حمله کردند. اما سخنان آنها با بی‌اعتنایی کامل نمایندگان مجلس روبرو شد و حتی یک نماینده هم به جمع ۳ تا ۴ درصدی مخالفان جلب نشد. پس از غلبه بر بنی‌صدر این مهمترین پیروزی نیروهای خط امام بود.

در صفحه ۱۸

امپریالیسم و متحدان آن نمی‌خواهند قانون اساسی اجرا شود.

• بگوئیم تا با حمایت کامل از اجرای همه‌جانبه قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، امپریالیسم آمریکا و متحدان داخلی آن را نومید و صفوف انقلاب را هرچه نیرومندتر کنیم.

در صفحه ۱۱

تولید بمب نو ترونی، جنایت تازه امپریالیسم آمریکا

• تولید بمب نو ترونی فصل جدیدی در ایجاد گان‌های تشنج بین‌المللی، در تحمیل پایه‌های یک جنگ سرد وسیع، در تشنج‌فزایی در مناسبات بین‌المللی و خطر مستقیم و عظیم برای صلح و امنیت همگانی است.

در صفحه ۱۰

«مصونیت نمایندگان و مؤسسين شوراها از اخراج» گام مثبتی در جهت قانونی کردن شوراها

• تا زمانی که مضمون وظایف، حدود اختیارات و حقوق شوراها در زمینه مشارکت دمکراتیک کارگران در اداره امور واحدهای تولیدی از یک سو و تضمین حداقل منافع صنفی - رفاهی از سوی دیگر بطور روشن تصریح نشود، راه‌همچنان بر توطئه‌های اخلاص‌گرانه و اقدامات کارشکنانه ضدانقلابیون و لیبرال‌ها باز خواهد ماند.

• می‌توان و باید با اتخاذ تدابیر قاطع و انقلابی، بیش از هر چیز به همت و هوشیاری کارگران و نمایندگان واقعی‌شان، راه نفوذ عناصر ضدانقلابی و لیبرال را به درون شوراها سد نمود.

در صفحه ۶

ردیابی تائیکت امپریالیسم

چگونه انقلاب

تروریسم را در هم می‌شکنند

امپریالیسم به سرکردگی آمریکا، که از سد کردن و بازگردانیدن سیر تحول و پیشرفت جهان مایوس می‌شود، هر زمان هارتر می‌گردد. امپریالیسم می‌کوشد بر تشنجات بین‌المللی بیافزاید، مسابقه تسلیحاتی را دامن زده و به شیوه‌هایی وحشیانه‌تر مداخله در امور داخلی خلق‌ها را تشدید نماید. ضربات جانانه‌ای که انقلاب ایران بر امپریالیسم وارد آورده است کینه و دشمنی امپریالیسم را با انقلاب و آرمان‌های انقلابی خلق ما تشدید کرده است. امپریالیسم که امروز در مقیاس جهانی نیروی اصلی ترور و وحشت است بیش از گذشته تلاش می‌ورزد که به طرق قهرآمیز با انقلاب ما به مقابله برخیزد. شکست‌هایی که ارتجاعی‌ترین طبقات اجتماعی ایران از انقلاب ما خورده‌اند آنها را به پایه اجتماعی اصلی تروریسم بدل کرده است. اقشار اجتماعی که هنوز در حال تعلیق اجتماعی به سر می‌برند و عناصر بی‌طبقه و واخورده نیز عملاً به حمایت از تروریسم کشانیده شده‌اند.

اکنون ببینیم در پیکار علیه تروریسم و نقشه امپریالیسم به‌خاطر گسترش بی‌ثباتی و تشنج در سطح کشور و در منطقه چه وظایفی در پیش داریم و چگونه می‌توان این نقشه امپریالیسم را نیز در هم شکست؟ تفکر سطحی و ...

بهبه در صفحه ۲

از ۲۸ مرداد بیاموزیم

تحریف حقایق ۲۸ مرداد، حلقه‌ای از جنگ روانی

امپریالیسم علیه انقلاب ایران و به منظور دامن

زدن به تفرقه در صفوف مردم.

از این دام پرهیز کنید!

• اقدامات خرابکارانه امپریالیسم آمریکا و ضدانقلاب داخلی در مقابل انقلاب کنونی مردم میهنمان در درجه معینی، شباهت به اعمال توطئه‌گرانه آنها در جریان نهضت ملی مردم ایران در سالهای ۳۰ تا ۳۲ دارد. هرچند به علت قدرتمندی انقلاب (چه به لحاظ عوامل خارجی و چه داخلی) امکانات جبهه براندازی بسرکردگی امپریالیسم آمریکا در توطئه‌گری علیه مردم میهنمان با گذشته قابل قیاس نیست، اما این اقدامات با تمام حدت و شدت خود جاری است. صفحه ۱۸

متحد شوید!

تجاوزات امپریالیسم آمریکا و رژیم صدام را در هم گوئیم

ردیابی تاکتیک امپریالیسم

چگونه انقلاب

تروریسم را...

بقیه از صفحه ۱

مبارزه علیه تروریسم امپریالیستی را به مبارزه علیه گروه‌های منحرف محدود و منحصر کند. این طرز فکر دارای دو خطا است: اولاً میلیتاریسم لجام گسیخته امپریالیسم و نقشه‌های جنون آمیز آن را در گسترش جو ترور و وحشت از نظر دور می‌دارد. ثانیاً رابطه تنگاتنگ میان انجام هرچه کامل‌تر وظایف انقلاب و ایجاد تغییرات بنیادین در مناسبات اجتماعی را با ریشه کتی باندهای توطئه و دسیسه علیه انقلاب و قطع نفوذ امپریالیسم درک نمی‌کند. حال آنکه در مبارزه به خاطر خنثی کردن نقشه‌های امپریالیسم، علاوه بر اقدامات سیاسی انجام دگرگونی‌های اجتماعی و اقتصادی، مطلقاً ضروری است. بزرگ‌ترین خطای نیروهای مدافع انقلاب آن است که تروریسم را به یک "بلیه" صرفاً سیاسی و محدود به عملکرد گروهک‌ها تنزل دهند و راه مقابله با آن را هم به "اعدام" منحصر سازند.

پیوند مصالح انقلاب با مبارزه در راه صلح و تشنج‌زدایی

در سرمقاله کار شماره ۱۲۲ گفتیم یکی از دونقشه‌های که امپریالیسم آمریکا در آن واحد تعقیب می‌کند عبارت است از گسترش حضور و فعالیت نظامی و پشتیبانی آشکار نظامی و تسلیحاتی از رژیم‌های ارتجاعی مجاور ایران و منطقه. هرگاه انقلاب ما خطر جدی ماجراجویی نظام امپریالیسم را که در مقیاس جهانی به طور روز افزون در حال تشدید است، کم اهمیت تلقی کند، که متأسفانه تاکنون چنین بوده است، آنگاه یکی از جدی‌ترین خطراتی که انقلاب را تهدید می‌کند نادیده گرفته شده است. تنها دو نمونه اخیر: تصویب گسترش و ادامه ساختن بمب نوترونی (به مثابه مؤثرترین وسیله کشتار جمعی) و تلاش به منظور مسلح کردن ناتو به این اسلحه بسیار خطرناک و سرکوب ضدانسانی و فاشیستی کارکنان دولتی ترافیک هوایی آمریکا کفایت برای این که اثبات کند امپریالیسم تا چه میزان هر روز هارتر و لجام گسیخته‌تر می‌شود.

در مبارزه خلق‌های جهان، به ویژه اردوی سوسیالیسم و کشورهای رها شده، علیه میلیتاریسم آمریکائی و تأمین تضمین صلح جهانی و لجام زدن به مسابقه تسلیحاتی و خوی تجاوزگرانه امپریالیسم، خلق ما به راستی که تا امروز هنوز جای راستین خود را اشغال نکرده است. سیاست خارجی کج و کوله، و در اکثر موارد به کلی زیان بار و منحرف جمهوری اسلامی که طی دو سال و نیمه اول انقلاب تمام وزارت خارجه را تسخیر کرده بود در پیکار به خاطر مهار زدن به تجاوزات و توسعه طلبی‌ها و جنگ‌افروزی‌های وحشیانه امپریالیستی نه تنها دست ایران را در دست سایر نیروهای صلح‌دوست جهان قرار نمی‌داد، بلکه عملاً انقلاب ایران را به گونه‌ای تصویر می‌کرد که گوئی تشدید حضور نظامی امپریالیسم و سلطه تروریستی این نیروی اهریمنی در منطقه به سود ما است!

سیاست خارجی جمهوری اسلامی (که به ترتیب از انقلاب به بعد سنجایی، یزدی، بنی‌صدر و قطب‌زاده گرداننده آن بوده‌اند) تا همین اواخر این‌طور وانمود کرده است که گویا ایران در مبارزه علیه جنگ‌افروزی‌های امپریالیسم در راه حفظ صلح میان ملت‌های جهان ذی‌نفع نیست و نباید شرکت داشته باشد. متأسفانه این نفع از سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران هنوز هم به‌طور جدی تغییر نکرده است.

این نکته امروز به تجربه ثابت شده است که یگانه راه مقابله با آتش‌افروزی‌های امپریالیسم جهانی و مهار ساختن مداخلات مسلحانه آن در امور خلق‌ها همانا تحکیم پیوند با تمام نیروهای صلح‌دوست جهان و تشدید مبارزه در راه محدود کردن مسابقه تسلیحاتی و جلوگیری از استقرار پایگاه‌های نظامی خارجی در کشورها

است. جمهوری اسلامی ایران هم‌اکنون به میزان وسیعی از درک اهمیت شرکت فعال در این مبارزه غافل مانده است. جای جمهوری نو بنیاد ما هنوز به راستی در عرصه پیکار در راه حفظ صلح و امنیت خلیج فارس، در مبارزه متحد خلق‌ها به خاطر تشنج‌زدایی و مهار کردن میلیتاریسم آمریکائی در منطقه خلیج فارس، دریای عمان و اقیانوس هند بسیار خالی است.

سال‌ها حکومت اختناق و دیکتاتوری مانع از آن شده است که آگاهی توده مردم تاحدی ارتقاء یابد که اهمیت عظیم مبارزه در راه خنثی کردن نظامی‌گری جنگ‌افروزانه و جنایتکارانه آمریکائی را دریابند. اکثریت قریب به اتفاق مردم ما هنوز حتی با واژه "تشنج‌زدایی" بیگانه‌اند. وظیفه همه نیروهای انقلابی است که با آگاه کردن توده‌ها نسبت به تحریکات و تشنج‌آفرینی‌های امپریالیسم در منطقه خلیج فارس و دریای عمان و کشورهای مجاور ایران، پاکستان و ترکیه و عراق و عربستان سعودی و به طور کلی در سراسر جهان، با آگاه کردن توده‌ها نسبت به اهمیت شرکت فعال در مبارزه به خاطر صلح و تشنج‌زدایی و مهار کردن مسابقه تسلیحاتی، این نقشه ددمنشانه امپریالیسم را نقش بر آب سازند. وظیفه نیروهای انقلابی است که روی کوتاهی‌های وزارت خارجه در شرکت در مبارزه در راه صلح و امنیت خلیج فارس و بی‌توجهی خطرناک نسبت به پیشرفت پنهانی نقشه‌های امپریالیسم مدام انگشت بگذارند و آن را به طور جدی مورد نکوش قرار دهند. تمام کشورهای که در راه رهائی خود از زیر یوغ جابرانه امپریالیسم مبارزه می‌کنند بلا استثنا در برابر تهاجمات و تجاوزات امپریالیستی باید به یاری هم بشتابند و می‌شایند. کشورهای سوسیالیستی امروز قدرتمندترین نیروهای مدافع صلح در مقیاس جهانی هستند. اتحاد کشورهای که در راه استقلال و آزادی ملی و در راه پیشرفت اجتماعی مبارزه می‌کنند با کشورهای که کار نو سازی سوسیالیستی جامعه را به انجام رسانیده و می‌رسانند مسلماً مهم‌ترین حلقه دفاع تمام خلق‌های زحمتکش در برابر جنگ‌افروزی‌ها و توسعه‌طلبی‌ها و مداخلات وحشیانه امپریالیستی در مقیاس جهانی است.

امروز که پیمان تجاوز کارانه ستو و پیمان نظامی اسارت بار دوجانبه با امپریالیسم آمریکا را با قدرت درهم شکستیم. امروز که ما ۵۰ هزار مستشار نظامی امپریالیسم آمریکا را از میهن خود بیرون کرده‌ایم، برای این که فردا اجازه ندهیم در خاک میهنمان باز هم پایگاه نظامی ساخته شود، برای آن که بتوانیم سیاست "عدم تعهد" را با موفقیت کامل به اجرا درآوریم، برای این که خوی درمان ناپذیر تجاوزگرانه امپریالیسم را مهار و استقلال واقعی خود را که به نیروی اتحاد خلق، آن را به دست می‌آوریم حفظ نمائیم، برای این که اجازه ندهیم امپریالیست‌ها بار دیگر لقب ننگین "زاندانم خلیج" را به کشور ما نهند، باید با تمام خلق‌های پیروزمند و جنبش‌های مترقی و انقلابی جهان نیز متحد شویم. این است تنها خط مشی درست و واقع بینانه‌ای که ضامن مقابله با موج فزاینده توطئه‌ها و تشنجات امپریالیسم در منطقه به ویژه در خلیج فارس است.

با بزرگ‌مالکان و کلان سرمایه‌داران چه باید کرد؟

چرخ انقلاب چون به حرکت افتد لاجرم طبقات غارت‌گر جامعه را رو در روی خود می‌یابد. این قانون انقلاب است که زمانی که یورش خود را متوجه امتیازات طبقات اعیان و اشراف، بزرگ مالکان و کلان سرمایه‌داران می‌سازد، وقتی نوک حمله خود را به سوی این انگل‌هایی که یک عمر خون کارگران و دهقانان را مکیده‌اند برمی‌گرداند، دشمنی کین‌توزانه اینان را برمی‌انگیزد. تجربه تمام انقلابات نشان داده است که طبقات سرمایه‌دار و فئودال به محض این که از متوقف ساختن چرخ انقلاب نومید می‌شوند خود را به آب و آتش می‌زنند، خرمن می‌سوزانند، بمب منفجر می‌کنند، آدم می‌کشند، دستجات دزدی و راهزنی راه می‌اندازند، سرگردنه می‌گیرند که نگذارند کار از کار بگذرد و هر آن چه را که دزدیده‌اند برای همیشه خلق از چنگشان به درآورد. تجربه انقلاب اکتبر در سال‌های جنگ داخلی، و هم چنین انقلاب چین در سال‌های کسب پیروزی کامل وسیع‌ترین و آشکارترین نمونه‌های واکنش مذبحخانه ارتجاعی‌ترین لایه‌های جامعه در رویارویی با سیر رو به گسترش انقلاب بوده

است. همین روندها را هم‌اکنون در افغانستان مشاهده می‌کنیم و یکی دو سال پیش در اتیوپی شاهد آن بوده‌ایم.

ترور ضدانقلابی حربه اصلی مرتجعینی است که از مقابله با انقلاب و متوقف ساختن و به شکست کشاندن آن نومید شده‌اند. ترور ضدانقلابی واپسین دم سرمایه‌داران و به ویژه ملاکین است که از سر یاس می‌خواهند در دم مرگ محتوم خود هرچه زهر اندوخته‌اند به جان انقلاب بریزند. آنها مزدور اجیر می‌کنند تا به ذخائر مادی و معنوی انقلاب به هر طریق که شده آسیب رسانند. در برابر این جنایتکاری مذبحخانه مرتجعین چه باید کرد؟ چگونه می‌توان این دسیسه نفرت‌انگیز را در هم شکست؟ جواب گام‌لا روشن است: با بسیج زحمتکشان، کارگران و دهقانان و به قاطع‌ترین و بی‌گذشت‌ترین شکل ممکن باید آنچه که سرمایه‌داران بزرگ و ملاکین از خلق زحمتکش دزدیده‌اند و می‌دزدند را پس‌گرفت و به خلق باز گرداند و باید هر دسیسه و توطئه تروریستی را به قاطع‌ترین و جدی‌ترین شکل معقول و منطقی در نطفه خنثی ساخت.

اکنون برخی از روحانیون ما توصیه کرده‌اند که "به علت جنگ و مشکلاتی که کشور با آن مواجه است بند "ج" و "د" اجرا نشوند چون زمین‌ها بدون کشت می‌ماند!"

همچنین است نغمه‌های ناسازی که می‌گویند که گویا "اگر بازرگانی خارجی ملی شود قحطی پیش می‌آید و چنین و چنان خواهد شد" همچنین است "حرف کسانی که می‌گویند "از ملاکین اراضی و اماکن وسیع شهری خلع‌ید نکنید زیرا اگر چنین کنید هرج و مرج می‌شود!" و قس علی هذا.

یعنی چه؟ اجرای بند "ج" و "د" چه ارتباطی با بدون کشت ماندن زمین‌ها دارد؟ ملی شدن بازرگانی خارجی و خلع‌ید از ملاکین شهری با قحطی و آشوب و ناامنی چه ارتباطی می‌تواند داشته باشد؟ می‌دانید معنای این حرف‌ها چیست؟ معنای گوش کردن به این حرف‌ها چیزی نیست جز تسلیم شدن به تروریسم بزرگ مالکی و کلان سرمایه‌داری هار شده. کسانی که شعار توقف انقلاب را راه چاره مقابله با "جان‌گدن"ها و دست و پا زدن‌های سرمایه‌داران بزرگ و فئودال‌ها معرفی می‌کنند دوست انقلاب نیستند. اینها می‌گویند دشمن را نکوبیم چون اگر بکوبیم دشمن عصبانی می‌شود و دست به عملیات جنون آمیز خواهد زد. اینها در واقع می‌گویند مواضع دشمن را نباید تسخیر کرد، زیرا اگر حمله کنیم دست به انتحار می‌زنند. پاسخ انقلاب به این تهدیدات فقط یک چیز می‌تواند باشد: بگذار آنها گور خود را با دست زدن به این اعمال جنون آمیز عمیق‌تر بکنند.

تجربه غنی انقلابات دموکراتیک، به ویژه در همین اواخر، تجربه انقلاب اتیوپی نشان داده است که تنها راه شکست این توطئه‌های ضدانقلابی بسیج توده‌های مردم و متشکل ساختن آنان در ارگان‌های انقلابی است. اما برای این کار یک چیز مطلقاً ضروری است. مردم تنها وقتی می‌توانند با نیروئی بیکران به دفاع از انقلاب برخیزند که انقلاب توفیق یابد تحقق خواست‌های اساسی آنان را در دستور قرار دهد. پاسخ کسانی که می‌گویند اگر بند "ج" اجرا شود فئودال‌ها برآشفته می‌شوند آن است که دهقانان را در شوراها و کمیته‌های روستائی برای اجرای بند ج و د متشکل و مجهز کنید. آنان را از خطر انتقام جوئی فئودال‌ها بی‌گناهانید. تا ببینید که چگونه قاطعانه هر توطئه تروریستی فئودال‌ها و زمین‌داران را در نطفه خفه خواهند کرد. کدام عقل سالمی باور می‌کند که مردم زیر پای سرمایه‌دار و فئودال را خالی کنند، در تعاونی‌های بازرگانی متشکل و کار بازرگانی را از دست تجار مفت‌خور و شرکت‌های تجارتي عمده خارج نمایند، اما باز هم فئودال‌ها و سرمایه‌داران قادر شوند توده‌ها را از حمایت از انقلاب منصرف سازند و یا ضدانقلاب باز هم موفق شود با اجیر کردن مزدوران و به راه انداختن عملیات تروریستی امنیت را از مردم سلب، فعالیت تولیدی (کشاورزی، صنعتی و بازرگانی) را فلج و قحطی و هرج و مرج را به جامعه تحمیل نمایند؟ مگر نه این که هر کجای جهان که این اصلاحات تحقق یافته همواره به افزایش سریع تولید صنعتی و کشاورزی انجامیده است؟

اقتضای طبیعت طبقات ارتجاعی است که وقتی می‌بینند انقلاب بساطشان را برمی‌چیند هر کجا را که توانستند با نیش خود بیازارند. آنها مسلماً می‌کوشند بقیه در صفحه ۳

ردیابی تاکتیک امپریالیسم

چگونه انقلاب

تروریسم راه...

بقیه از صفحه ۲

بیش از این به تروریسم روی آورند. آنها وقتی ببینند انقلاب انبارهای کالاها را محترک شده‌شان را بی هیچ گذشتی مصادره می‌کند آیا تلاش خواهند کرد آن را به آتش بکشند؟ اگر سران عشار ببینند مراتع و گله‌های بزرگ را مصادره می‌کنند، اگر فئودال‌ها ببینند بهترین زمین‌هایشان را می‌گیرند چه دلیلی دارد که زهر خود را نریزند و مراتع و مزارع را به آتش نکشند؟ چه دلیلی دارد که ما موران اصلاح ارضی و مصادره اموال و پرسنل نیروهای مسلح را مورد تهاجم مسلحانه قرار ندهند.

وظیفه همه نیروهای انقلابی است که برای اجرای هر چه سریع‌تر اصلاحات عمیق اجتماعی به سود طبقات محروم جامعه با تمام قدرت مبارزه کنند تا نیروی بیکران و لایزال این خلق محروم به خدمت انقلاب درآید، روند تعمیق آن متوقف نشود و با تمام قدرت هر نوع توطئه تروریستی ضدانقلابی با پشتیبانی وسیع، عملی و موثر همان توده‌های محروم جامعه (که این بار تمام نیرویشان پشتوانه تحول اجتماعی است) در هم شکسته شود. این یگانه راه مقابله مؤثر با ترور ضدانقلابی ارتجاعی‌ترین طبقات اجتماعی است. در این راه حتی یک لحظه مکث کردن هم مستقیماً به سود دشمن تمام می‌شود. تنها راه همانا راه تعمیق انقلاب است.

اکنون انقلاب ما درست در همان نقطه‌های ازگسترش خود قرار گرفته است که هر روز بیشتر از گذشته بورژوازی لیبرال مجبور می‌شود از کوشش‌های خود برای به سازش کشیدن و به تسلیم واداشتن خلق در برابر توطئه‌ها و تهاجمات امپریالیسم به دشمنی اعلان شده و آشکار با انقلاب در غلطد. با به زیر کشیده شدن بنی‌صدر و انتخاب و استقرار کابینه جدید چنانچه واقعا فاز سوم انقلاب به سود محرومان جامعه گسترش یابد، قطعاً باید منتظر بود که این نیروی اجتماعی نیز همان مواضع بزرگ مالکان و کلان سرمایه‌داران را اتخاذ کند. از این نظر هرچند همه دسته‌بندی‌های ضدانقلابی بورژوازی لیبرال در برابر گسترش انقلاب هنوز به مقاومت مسلحانه متوسل نشده‌اند اما این هم مسلم شده است که اینها "همه به بن‌بست رسیده‌اند" و از تمام توان خود برای تدارک "مقاومت" به هر شکل ممکن بهره خواهند جست. باید بی‌هیچ تردید در انتظار آن بود که (همان‌طور که تاکنون در سایر انقلابات دیده‌ایم) تعمیق انقلاب، تمام این دستجات را در کنار نیروهای سرسپرده امپریالیسم، در کنار امثال بختیارها و نزیه‌ها قرار دهد. این‌ها همه باید افشا و طرد شوند. در این‌جا در مقایسه با نیروهای بزرگ مالکی و کلان سرمایه‌داری تنها از یک تاء خیر فاز می‌توان سخن گفت و نه چیزی بیش از آن. تاء خیر فازی که تعمیق انقلاب قطعاً آن را جبران می‌کند.

نقش استقرار قانون اساسی در جلب نیروهای بینابینی

انبوه کارمندان لایه‌های میانی دستگاه اداری، صاحبان مشاغل آزاد، روشنفکران وابسته به اقشار میانی جامعه و در یک کلام خرده بورژوازی مرفه، در مرحله کنونی گسترش انقلاب، سلطه بی‌امان امپریالیسم و حکومت کلان سرمایه‌داران مورد طبع این نیروها نبوده و نیست. آنها مشخصاً تمایلات ملی و دموکراتیک از خود نشان می‌دهند. این نیرو بنا به ماهیت خود می‌تواند با گسترش‌های کنونی انقلاب موافقت داشته باشد و به نیروی فعال جبهه براندازی بدل نشود. این نیرو همین اواخر بیش از همه تحت تاءثیر آرمان‌خواهی مجاهدین و گفتارهای تسلی‌بخش بنی‌صدر قرار داشت و به گونه‌ای تقریباً وسیع از "حکومت" بنی‌صدر - رجوی حمایت می‌کرد. اما زمانی که بنی‌صدر و رهبران مجاهدین راه گسترش تروریسم و هم‌پیمانی با ارتجاعی‌ترین نیروها را

برگزیدند و در عمل به منافع و آرمان‌های این پایگاه اجتماعی خود خیانت کردند و از آن روی گردانیدند، طبعا زمینه عینی نیز برای تغییر دیدگاه‌های آنان نسبت به مجاهدین و نفی تروریسم نیز فراهم گردیده است. تروریسم در مقطع کنونی بازتاب و پاسخ‌گویی منافع واقعی این نیروها نیست. هرچند که بسیاری از آنان تحت تاءثیر تناقضات جمهوری اسلامی و تاءثیرات محافل امپریالیستی از شنیدن خبر ترور فعلا شادمان شوند. چگونه می‌توان به جدائی این اقشار از تروریسم مجاهدین و سایر باندهای تروریست یاری رسانید؟ پاسخ به این مساله از آنجا بسیار حساس است که این نیرو در بافت طبقاتی جامعه ما جایگاه وسیع و مهمی را اشغال کرده است. خیال باطلی است اگر تصور شود این لایه‌های مرفه می‌توانند رژیم ایده‌آل خود را در چهره جمهوری اسلامی و آینده آن دریابند. اینان هم از تحمیلات فرهنگی حکومت اسلامی عمیقاً ناراضی‌اند و هم از آسیب‌های جدی که انقلاب به رشد شتابان موقعیت اجتماعی‌شان وارد آورده است. رشد سرسام‌آور کمپرادوریسم که شرایط بسیار مساعدی برای رفاه مصرفی این اقشار فراهم آورده بود دیگر به آن شکل سابق ادامه نیافته است. این قشر از بسیاری از امتیازات ریز و درشت خود محروم گردید. از این محرومیت‌ها باید به عنوان یکی از عوامل رشد گرایش ضدانقلابی در میان آنان یاد کرد. و البته انقلاب نمی‌تواند و نباید جبران این مافات را برعهده گیرد. این اقشار بنا بر موقعیت طبقاتی خود بیش از دیگران تحت تاءثیر بی‌ثباتی سیاسی قرار می‌گیرند و در استواری خود نسبت به جهت‌گیری سیاسی از خود تزلزل نشان می‌دهند. برداشت ما این است که استقرار کابینه و حرکت جمهوری اسلامی به سوی ثبات و استقرار امنیت که مشخصاً حرکتی انقلابی است، این اقشار را از رو در روئی با جمهوری اسلامی منصرف می‌سازد حال آن‌که چنانچه این نیرو هم‌اکنون متوجه شود که ثبات این رژیم رو به تضعیف است آنگاه کارش از ناراضی‌گری به طغیان علیه جمهوری اسلامی کشیده خواهد شد.

خواست اساسی این اقشار تاءمین اجتماعی و امنیت قضائی و حقوقی است. این اقشار قبل از هر چیز به دنبال یک "آینده مطمئن" هستند. هرج و مرج بانحسبه و سیخ کارهای دولت در دو ساله اول انقلاب بی قانونی و خود کامگی در اکثر نهادهای حکومتی، آنارشیزم آشکار و قابل لمس که در ارگان‌های انقلابی در دو ساله اخیر وجود داشته است، بی‌ثباتی اوضاع و احساس عدم امنیت و فقدان "آینده مطمئن" و نوسیدی از این‌که جمهوری اسلامی بتواند بر این وضع غلبه کند مهم‌ترین عواملی بوده‌اند که در ناراضی این اقشار مؤثر افتاده‌اند. بی‌گمان برخورد ناهنجار و غیر قابل توجیه جمهوری اسلامی در زمینه حقوق دموکراتیک مردم و حریم زندگی شخصی نیز در گسترش این وضع دخیل بوده‌اند.

جنجال‌های بنی‌صدر در زمینه "تخصص و آزادی" مشخصاً برای بهره‌برداری از همین خصوصیت و گرایش اقشار متوسط جامعه بوده‌است. نظر به وسعت و نقش مؤثر این اقشار در جامعه انقلاب در مرحله کنونی می‌تواند و باید آنها را از کشیده شدن به سوی جبهه براندازی و تقویت نوک پیکان آن که شبکه‌های تروریستی است بازدارد. شرایط این بازگشت اکنون به میزان وسیعی فراهم آمده و می‌تواند به شکل وسیع‌تری نیز فراهم گردد. انقلاب قطعاً قادر خواهد بود از طریق اجرای کامل قانون اساسی و حفظ پایبندی به آن، از طریق تاءمین حقوق آزادی‌های فردی و اجتماعی مصرحه در قانون اساسی از طریق تاءمین امنیت قضائی، شغلی و اجتماعی برای این اقشار، ضمن اتخاذ روش منطقی و عادلانه با امتیازات خاصی که رشد سرسام‌آور کمپرادوریسم به آنان بخشیده‌بود مانع در غلطیدن آنان به آغوش ضدانقلاب گردد. و اکثر این خواست‌هایی است که خود به خود با اجرای قانون اساسی و استقرار نهادهای حکومتی جمهوری اسلامی تاءمین می‌شود. برداشت ما این است که این امر آنان را از تروریسم و از سیاست تروریستی مجاهدین خلق سریع‌تر جدا می‌سازد.

اهمیت سیاست ارشادی در برخورد با نوجوانان

ایران نیز، به‌سان تمام کشورهای در حال رشد،

کشوری است که انبوه نوجوانان و جوانان نواگاه، کم‌آگاه و ناآگاه را در خود جای داده است. مرحله رشد اقتصادی و اجتماعی ایران این ترکیب سنی را ایجاب کرده‌است. زمانی که انقلاب ایران رو به پیروزی می‌نهاد این جوانان بخش مهم و بسیار حساس را به عهده گرفته بودند. انقلاب‌ظرفیت آن را داشت. تمام این نیروی عظیم و خلایق را به خدمت گیرد، تربیت کند و سکان ایران فردا را بداندان سپارد. اما متاءسفانه انقلاب ایران از یک سو به علت ترمزکاری لیبرال‌ها، که با تمام قدرت در دو سال و نیم اخیر کوشیدند انقلاب را از سمت‌گیری به‌سوی انجام دگرگونی‌های اقتصادی و اجتماعی بازدارند و از سوی دیگر به علت قشری‌گری و تنگ‌نظری موفق نشده‌است. بخش وسیعی از این نیروی عظیم حساس‌وپر شور را به سوی خود جلب نماید. اغواگری دشمنان انقلاب و تبلیغات فریبنده جریان‌های انقلابی‌نما عملاً بخش وسیعی از این نیروها را به سوی دشمنی فعال با نیروهای مدافع انقلاب سوق داد. طیف وسیعی از محصلین مدارس، خیل دبلمه‌های بیکار، وحتی گروه‌هایی از جوانان و نوجوانان کارگر و زحمتکش شهر و روستا (به‌خصوص در مناطق شمال و غرب کشور) به این راه کج کشیده شدند. مسئولیت اصلی این کج‌روی بدون تردید برعهده نیروهای است که مسئولیت اصلی را در جمهوری اسلامی بر عهده دارند. این سخن هجو و مسخره است که بگوئیم خیانت رهبران مجاهدین برعهده جمهوری اسلامی است. لاکن این سخن بسیار درستی است هرگاه بگوئیم کج‌روی‌ها و ندانم‌کاری‌ها و اشتباهات اجتناب‌پذیر جمهوری اسلامی موجب شد که رهبران خیانت کار مجاهدین از احساسات گمراه شده این نوجوانان بیشترین بهره‌برداری را به سود خود بنمایند. آنچه ازهم اکنون قابل پیش‌بینی است آن است که با انجام یک رشته دگرگونی‌های اساسی در ساخت اجتماعی اقتصادی که انقلاب پیش‌رو دارد توهمات بسیاری از این نیروها نسبت به ماهیت جمهوری اسلامی درهم خواهد شکست. کار فعال تبلیغی و آگاه‌گرانه نیروهای انقلابی در نشان دادن انقلابی‌گری کاذب رهبری مجاهدین از یک سو و اتخاذ یک سیاست صبورانه و ارشادی توسط جمهوری اسلامی برای کمک کردن به این نیروی اجتماعی که از پیچیدگی انقلاب و شیوه اصولی مبارزه سردر آورند قطعاً طیف وسیعی از این نیروی اجتماعی در حال تقلیق را به سوی انقلاب سوق خواهد داد. اکنون با توجه به وضعیت بسیار اسفناک سازمان مجاهدین و دیگر گروه‌های همزاد وی ما امید بسیار داریم که سیاست ارشادی جمهوری اسلامی و کار آگاه‌گرانه و وسیع همه نیروهای انقلاب سرانجام موفق شود بر توهمات این نیروی اجتماعی غلبه کند و حتی آب رفته را هم به جوی بازگرداند. این سیاست و این فعالیت مطلقاً ضروری است هرگاه یک بار دیگر به‌خاطر آوریم که چگونه اکثریت قریب به اتفاق بمب‌اندازان و کوکتل‌چی‌ها و مسلسل به‌دست‌ها را امروز ضدانقلاب‌هاز میان همین نوجوانان معصوم برگزیده‌است.

اهمیت مبارزه با بیگاری و مهار کردن بحران اقتصادی

در مورد لمپن پرولتاریا و عناصر بی‌طبقه شهری وضع به گونه دیگری است. وضع نا بسامان اقتصادی و بحران بیگاری، که یکی از عارضه‌های ذاتی راه رشد سرمایه‌داری و کمپرادوریسم است، همواره بخش وسیعی از اهالی شهرها را به حاشیه نشینی و اشتغال به مشاغل موقت و یا کارهای نامشروع و غیرقانونی سوق می‌دهد. قاچاق‌چی‌گری، دلالی بازار سیاه، دزدی، فحشاء و باندهای ویژه جنایت در آمیزش با انبوهی از مشاغل‌مشروع اما موقتی و ناپایدار، (دست‌فروشی و دوره‌گردی و...) محصول طبیعی بحران بیگاری و اقتصاد نابسامان و ناهنجار سرمایه‌داری وابسته است. چهره کشورهای آمریکای لاتین به طرز فجیعی بازگو کننده این حقیقت است که هر جا امپریالیسم گام نهاده است، هر آن‌جا که رشد سرمایه‌داری، بحران‌ها و عدم توازن‌های ذاتی خود را به جامعه تحمیل کرده است این پدیده‌های ناهنجار اجتماعی نیز گسترش یافته‌اند. تروریسم سیاسی و غیرسیاسی، باندهای راهزنی و سرقت مسلحانه، آدم‌دزدی و انواع و اقسام جنایات همان بقیه در صفحه ۴

ردیابی تاکتیک امپریالیسم

چگونه انقلاب

تروریسم را ...

بقیه از صفحه ۳

سوغات مسموم و زهرآگینی است که امپریالیسم و سرمایه‌داری بر این جوامع تحمیل کرده‌اند . اکنون در جمهوری اسلامی ایران روش به کلی نادرست و غیراصولی و غیرمؤثر در برخورد با این پدیده اجتماعی در پیش گرفته شده است . برای لایه‌هایی که هیچ جای معینی در بافت طبقاتی جامعه ندارند ، آتارشیسم و در رأس همه تروریسم ، جاذبه خاصی دارد . بخش عظیمی از مجرمین جرائم عادی نیز از همین لایه اجتماعی برمی‌خیزند . دستگیری و کشتار این مجرمین تنها به صورت سطحی و گذرا از طریق ایجاد رعب می‌تواند بروز چنین جرائمی را محدودتر کند . لاکن این اصلا چاره اصلی کار نیست . لمین پرولتاریا ، که یکی از مهم‌ترین منابع تغذیه تروریسم است یک پدیده ذاتی رشد سرمایه‌داری و در حالت تشدید شده آن یک پدیده متعلق به رشد سرمایه‌داری وابسته است .

بیکاری مزمن که ذاتی و جزء لاینفک رشد سرمایه‌داری است بستر اصلی رشد این پدیده است . تصور باطلی است هرگاه کسی خیال کند محاصره اقتصادی که امپریالیسم بر ما تحمیل کرده‌است با گسترش تروریسم ، ناامنی و جنایت بی‌رابطه است . امروز امپریالیست‌ها با تحریم خرید نفت ایران تلاش می‌ورزند این جمهوری را به سازش و تسلیم کشانند آنها خرید نفت از ایران را تحریم کرده‌اند که به بحران اقتصادی ، افزایش سطح گرانی و بیکاری دامن بزنند . بر ناراضی زحمتکشان بیافزایند . این همان بستر مساعدی است که شبکه‌های ضدانقلابی تروریستی و آدم‌کشی و طبقات ارتجاعی از آن تغذیه می‌کنند . این حقیقت باید به گوش همه ما فرو رود که بدون مهار کردن بحران بیکاری که کارکرد عادی اقتصاد را ایجاب کند مهار کردن تبهکاری‌های سیاسی و اجتماعی غیر ممکن است . تجربه همه کشورها این حقیقت را تایید می‌کند و این متأسفانه همان چیزی است که دولت جمهوری اسلامی ایران هنوز موفق به درک آن نشده است . متأسفانه جمهوری اسلامی ایران برای مقابله با تروریسم و تبهکاری‌های سیاسی و اجتماعی ، مخرب‌ترین و ناهنجارترین شیوه‌ها را بکار می‌بندد . جمهوری اسلامی کمر به قلع و قمع تبهکاران و گمراهان سیاسی ، اجتماعی بسته است ، حتی یک نمونه هم در سراسر جهان دیده نشده است که این روش که در عین حال به شدت بی‌رحمانه و غیر عادلانه است ، بتواند گرهی از مشکلات اجتماعی بگشاید .

راه حل عملی و انقلابی ، کشیدن ریشه این تبهکاری‌ها (که متأسفانه در بسیاری موارد جنبه‌های سیاسی و اجتماعی آن به هم گره می‌خورد و غیرقابل تفکیک می‌شود) چاره‌اندیشی‌هایی است برای مهار کردن رشد لمین پرولتاریا و عناصر بدون طبقه . باید قاطعانه محاصره اقتصادی امپریالیسم را ، نه از طریقی که ضدانقلاب و لیبرالها می‌خواهند ، بلکه به کمک اردوی جهانی انقلاب درهم شکست و توطئه تحریم خرید نفت را در نطفه ناکام ساخت . باید با پرداختن مجدانه به تاسیس بنگاه‌های بزرگ صنعتی و کشاورزی که با هم‌پاری اقتصادی مدافعان انقلاب ایران کاملا امکان‌پذیر است ، بحران بیکاری را مهار ساخت و نیروی کار جوانی را که اکنون در سطح وسیعی سرگردان مانده‌است ، جذب کرد . باید دانشگاه‌ها را هرچه زودتر باز کرد . عواقب این تصمیم نادرست و بسیار نسنجیده جمهوری اسلامی در تعطیل دانشگاه‌ها که مشخصا بر پایه توهمات پوچی گرفته شده است تاکنون آشکار شده و در آینده نیز بیش از پیش آشکار خواهد شد .

اکنون بعد از پیروزی اخیر خط‌امام ، مدیران لیبرال چه در دستگاه دولتی و چه در واحدهای تولیدی قطعا بر اخلاص و خرابکاری خود می‌افزایند . سیاست براندازی بورژوازی لیبرال و تاکتیک‌های خاصی که آنان پیش می‌گیرند و گرفته‌اند ، کوشش در راه فلج کردن اقتصاد

و گسترش بحران اقتصادی را ایجاب می‌کنند . آنها می‌کوشند چرخ کارخانه‌ها را از حرکت بازدارند . آنها اجناس و مواد اولیه را پنهان می‌کنند در راه تهیه آن کارشکنی می‌کنند . آنها با خارج کردن پول از بانک‌ها و بی‌ثبات جلوه دادن وضع ، به رکود اقتصادی دامن می‌زنند . و تقصیر تمام عواقبی را که این خیانت‌ها به بار می‌آورند به گردن جمهوری اسلامی و انقلاب می‌اندازند . لیبرال‌ها در مرحله کنونی بی‌بربرگرد به اهرم اعمال و تشدید فشار اقتصادی امپریالیسم به حکومت بدل شده‌اند . آنها امروز دشمنان سرسخت گسترش روابط اقتصادی ایران با کشورهای هستند که از انقلاب ایران پشتیبانی می‌کنند . اقدامات قاطع در تصفیه این نیروها از راس کارها و سپردن امور به دست یاران وفادار انقلاب تقویت موثر نقش شوراهای در هدایت و کنترل تولید در واحدهای تولیدی ، کوتاه کردن دست تجار از بازرگانی ، گسترش مناسبات اقتصادی با کشورهای دوست زنجیره شناخته شده اقداماتی است که به فوریت باید برای مهار کردن توطئه لیبرالها و کاهش بیکاری باید انجام شود . این است طرق جدی و تجربه شده جلوگیری از گسترش لایه‌های لمین پرولتاریا و نیروهای بدون طبقه و در حال تعلیق ، نیروهایی که منبع مهم تغذیه تروریسم به‌شمار می‌روند .

تروریسم چگونه از سیاست جمهوری اسلامی در کردستان بهره می‌گیرد

از سوی دیگر مساله ملی و سیاست نادرست و ساده‌انگاری و حتی ول‌انگاری جمهوری اسلامی ایران نسبت به مساله ملی نیز بستر بسیار مساعدی ساخته است برای بهره‌گیری ضدانقلاب و گسترش عملیات جنایتکارانه و تروریستی در مناطق خلقی‌نشین به‌ویژه در کردستان . این حقیقتی است که بین تمام باندهای تروریست و باند قاسملو مناسبات و همکاری‌های نزدیک وجود دارد . حل مساله کردستان تامین خواست‌های عملی و به‌حق خلق کرد در چهارچوب قانون و موافق با روح پیام ۲۶ آبان ۱۳۵۸ امام خمینی زمینه استقرار جمهوری اسلامی ایران در منطقه کردستان را کاملا هموار و زمینه رشد ضدانقلاب را در کردستان تضعیف می‌کند . ما در این زمینه تاکنون هشدارهای بسیار داده‌ایم که متأسفانه تاکنون کمتر مورد توجه واقع شده‌اند . متأسفانه امروز بی‌توجهی جمهوری اسلامی به مساله ملی و انکار لجوجانه آن موجب شده است که نیروهای وابسته به امپریالیسم و در راس همه باند قاسملو در منطقه با ماسک دفاع از خلق کرد قانون فعالی شود برای ارسال سلاح ، تربیت و صدور عوامل بمب‌گذار و تروریست علیه انقلاب . انکار وجود مساله ملی در کردستان به گروه‌های تروریستی امکان داده است تا از یک پشت جبهه عملی و موثر برخوردار شوند . اینجا جای آن نیست که راه‌حل مساله ملی در چهارچوب جمهوری اسلامی ایران شکافته شود . مقصود تنها تذکر ارتباط مساله ملی با تروریسم در سراسر ایران است .

آینده تروریسم و وظایف کادرهای صادق مجاهدین

زمانی که رهبران مجاهدین می‌خواستند هواداران خود را به تروریسم بکشانند جنجال زیادی به راه انداختند که این‌طور وانمود سازند که " رژیم در حال سقوط و تلاشی است تا نتیجه بگیرند که باید وارد فاز نیمه مسلحانه شد " مسعود رجوی که با سیاستی بسیار مخرب و خیانتکارانه کاملا در بن‌بست قرار گرفته بود چاره‌ای نداشت که دروغ اول را بیافند تا راه برای توجیه جنایات تروریستی باز شود .

سازمان ما با روشن‌بینی و دقتی درخور ملاحظه همان زمان مکرر توضیح داد که این ارزیابی که رژیم در حال سقوط است تا چه پایه اشتباه و در عین حال خطرناک و توطئه‌گرانه است . ما همواره تاکید کردیم که مضمون تحولات اخیر چیزی نیست جز تحدید مواضع جریان‌های بورژوازی (بنی‌صدری‌ها و لیبرال‌ها) در حکومت و تثبیت موقعیت خط‌امام در حکومت . حال آنکه مجاهدین درست عکس این ارزیابی را داشتند آنها می‌گفتند مردم بنی‌صدری شده‌اند و خط‌امام دیگر نمی‌تواند روی پای خود بایستد . آنها به کمک این اباطیل هزاران جوان معصوم را به جنگ حکومت فرستادند . با این فکر که گویا این فشار می‌تواند حکومت را ساقط کند حال آنکه تمام شواهد نشان

می‌داد که حکومت رو به ثبات می‌رود . نمونه بارزش فرار رجوی است .

امروز نیز داشتن یک ارزیابی درست و واقع‌بینانه از آینده تروریسم برای اتخاذ شیوه‌های تاکتیکی مقابله با آن مطلقا ضروری است . تمام واقعیات اکنون حکم می‌کند که این شیوه مبارزه مجاهدین و باندهای تروریست و بمب‌گذار قطعاً در روزها و ماه‌های آتی با بن‌بست‌های جدی مواجه خواهد شد . سازمان مجاهدین مطلقا قادر نیست تروریسم را به همان شکلی که تاکنون ادامه داده است ، ادامه دهد . تجربه تمام کشورها نشان داده است که زمانی که رژیم رو به ثبات می‌رود ، روز به روز شرایط مساعدتری برای سرکوب شبکه‌های براندازی مسلح فراهم می‌گردد . ضرباتی که سازمان مجاهدین هم‌اکنون دریافت می‌کند شدیدتر از آن است که قابل جبران باشد . تروریسم هرگز قادر نبوده و نیست که حکومت را از پای درآورد . اما حکومتی که رو به تثبیت و یک‌دست شدن می‌رود ، هر روز توان بیشتری برای سرکوب تروریسم پیدا می‌کند اما این به‌هیچ‌وجه بدان معنا نیست که امپریالیسم آمریکا و طبقات ارتجاعی با تمام قوا نمی‌کوشند تروریسم را گسترش دهند . آنها از هیچ کوششی در این زمینه دریغ نخواهند کرد . پیش‌بینی می‌شود که عملیات ایدایی و پراکنده تروریستی ادامه خواهد یافت . ما این امید را نداریم که جمهوری اسلامی ایران در شرایط فعلی بتواند تروریسم را ریشه‌کن کند . این ناتوانی علاوه بر دلایل سیاسی ناشی از وضعیت خاص اجتماعی و اقتصادی جامعه و نقطه ضعف‌های حکومت در حل این مسائل است . اینکه می‌گوئیم تروریسم کلا رو به افول است به‌هیچ‌وجه از اهمیت مبارزه جدی با آن نمی‌کاهد این سخن فقط می‌تواند روی سیاستی که در برخورد با تروریسم اتخاذ می‌شود ، تاثیر گذارد . ما این سیاست را به شدت زیان‌بار می‌دانیم که هر هوادار ساده مجاهدین را بگیرند و به جوخه اعدام سپارند . ما سیاست قلع و قمع مجاهدین را به سود انقلاب ارزیابی نمی‌کنیم . کسانی این سیاست را توصیه می‌کنند که یا سخت به وحشت افتاده‌اند و دروغ‌های مجاهدین درباره بی‌ثباتی حکومت روی آنها هم اثر گذاشته است و یا کسانی هستند که می‌خواهند مجاهدین به خطای خود پی‌نبرند و انقلاب از توان آنها بهره‌نگیرد . زمانی که مطمئنا می‌بینیم که حکومت رو به ثبات می‌رود نقشه جنگ داخلی امپریالیست‌ها با ضربات جدی مواجه می‌شود ، زمانی که می‌بینیم تعادل قوا روز به روز بیشتر به سود خط‌امام در تغییر است چرا سراسیمه شویم و با این سراسیمگی هم خود را ضعیف کنیم و هم بهانه به دست دشمن بدهیم .

سازمان ما از یک سیاست ارشادی و معقولانه در برخورد با هواداران مجاهدین ، صمیمانه استقبال می‌کند . ما فکر می‌کنیم اعدام‌های بی‌رویه و زائد نه تنها کمکی به سرکوب تروریسم نمی‌کند ، بلکه عناصری را که می‌توانند مسائل خود را حل کنند ، چشم‌بکشایند و راه درست را برگزینند از این کار محروم می‌سازد . در عین حال باید قاطعانه جلوی هرگونه عملیات تروریستی را گرفت . خوش‌خیالی در این زمینه که گویا باید به تروریست‌ها فعلا فرصت داد مرتب بمب منفجر کنند تا روزی به سر عقل بیایند خطای بسیار فاحشی است وظیفه نیروهای انقلابی است که بکوشند مانع از عملیات تروریستی شوند . اما در عین حال باید از طریق بحث و گفتگو با هواداران این گروه‌ها به آنها کمک کرد تا حقایق را دریابند و به آغوش انقلاب بازگردند . احتمال آن ضعیف و زمان آن بسیار دیر است ، که در سازمان مجاهدین انشعابی سازمان‌یافته صورت پذیرد . کادرهای صادق سازمان مجاهدین که اکنون نمی‌توانند منتظر تکوین این جریان در سازمان باقی بمانند آنها باید راهی را برگزینند که وصیت‌نامه سعادت‌ی نشان می‌دهد . مبرم‌ترین وظیفه آنان دست‌کشیدن از تروریسم است . کادرها و اعضای صادق مجاهدین باید نظرات خود را صریحا اعلام کنند . آنها باید صریحا تروریسم را محکوم کنند . آنها باید هرچه سریعتر با جریان‌های لیبرالی و ضدانقلابی خط فاصل بکشند و آنان را افشاء نمایند . نسبت به فرار رجوی - بنی‌صدر و وصیت‌نامه سعادت‌ی موضع بگیرند . اینها وظایف عاجلی است که پیش روی کادرهای صادق مجاهدین قرار گرفته است . هر لحظه تردید در انجام این وظایف خطایی فاحش و جبران‌ناپذیر خواهد بود . این فکر بسیار غلطی است که اول سازمان جداگانه بسازیم بعد موضع‌گیری کنیم . شرایط موجود چنین روشی را نفی می‌کند . راه هرگونه سازماندهی جدید از درون موضع‌گیری آشکار و قاطع می‌گذرد .

از توجه نمایندگان مجلس در پاسخ گویی به مسایل اساسی زحمتکشان حمایت کنیم

انقلاب ما به مرحله‌ای قدم نهاده است که جز از طریق پاسخگویی به خواست‌های بنیادی توده‌های مردم، درهم شکستن پایگاه اقتصادی کلان سرمایه‌داران و زمین‌داران بزرگ وابسته به امپریالیسم، پاسخگویی به نیازهای زحمتکشان، قادر به پیشروی و مقابله با توطئه‌های امپریالیستی نیست. اکنون پاسخگویی به خواست‌های توده مردم در صدر وظایف انقلاب قرار دارد و امام خمینی با تاکید بر همین واقعیت است که می‌گوید: "شما باید برای این پابرهنگها و مستضعفین که در طول تاریخ به استضعاف کشیده شده بودند و آنها را به حساب نمی‌آوردند و فقط آن طبقه بالا را راضی نگاه می‌داشتند و به اصطلاح کدخدا را می‌دیدند و ده را می‌چاپیدند خدمت کنید" راه برای "خدمت به مستضعفین" بیش از همیشه باز است و با طرد نمایندگان خط سازش از حکومت، دیگر جای "هیچ عذری" باقی نمانده است. امام خمینی بر این واقعیت نیز صحنه گذارده و تأکید می‌کند: "امروز دست همه باز است ملت دستش باز است و هیچ کس آقا بالاسر او نیست. دولت هم دستش باز است و ملت تأییدش کرده‌اند، هیچ عذری برای مانیت نیست. امروز اگر چنانچه یک خرابی در مملکت بشود و دنبال اصلاحش نرویم، عذری

نداریم." بر اساس این رهنمودهای امام خمینی و با توجه به واقعیات انقلاب هر روز گروه بیشتری از پیروان خط امام در این جهت سمت‌گیری کرده و مسئولیت‌های خطیر دولت جدید و رهبران جمهوری اسلامی مبنی بر حل مسائل و مشکلات توده مردم را بدانان گوشزد می‌کنند. لزوم حل این مسائل مبرم انقلاب و توده‌های مردم هر روز بیش از پیش به مجلس شورای اسلامی نیز راه می‌یابد و برخی از نمایندگان، اهمیت اساسی آن را خاطر نشان می‌کنند. پاسخگویی به خواست‌های مردم در طول ۲ هفته اخیر بارها در مجلس عنوان شده و بدینسان در سخنان تعدادی از نمایندگان انعکاس یافته است:

ملک پور: کارهای بنیادی را از یاد نبریم. فقط به آن وسیله است که می‌توان ضدانقلاب را برای همیشه خلع سلاح کرد. بازرگانی خارجی را بدون شاید و اما ملی کنیم. اجرای بند (ج) و (د) اصلاحات ارضی را بلادرنگ آغاز کنیم. طب ملی را جدی بگیریم دانشگاه‌ها را باز بکنیم و

و در کنار اینها، در داخل و خارج مملکت دست‌های دوستی را بفشاریم و از دشمنان بی‌نقاب و با نقاب دل بکنیم. به خواست‌های اقلیت‌های مذهبی و به توقعات ملیت‌های گوناگون به سعه صدر بیشتری توجه کنیم. جلوی باندهای قاچاق و دزدی و فساد را که بسیاری ناشی از آزادی افغان‌های فراری از کشورشان است بگیریم... محمد مهدی جعفری: این دولت... بهره‌مند از پشتوانه بسیار استوار مردمی است و با این نعمت‌ها می‌تواند بی‌اعتنا به تحریکات داخلی و خارجی به اجرای برنامه‌هایی همت گمارد که شور انقلابی و امید و اطمینان و برادری را به مردمان مستضعف و محروم ولی کم‌توقع و با ایمان بازآورد، از تورم و گرانی و سوء استفاده‌های اقتصادی بکاهد، بکوشد تا سنت‌های حسنه‌ای که قبلاً وجود داشته همچون بند (ج) در زمین‌های کشاورزی و بند (ب) و (ج) در امر صنایع به طور کامل

به اجرا درآید، در زمینه مسکن و رفع بیکاری قدم‌های جدی برداشته شود... سید ابوالفضل موسوی تبریزی: امروز تورم بردوش همان جنوب شهری‌هایی است که انقلاب کردند و طاغوتیان و سرمایه‌داران وابسته و آنهایی که در زندگی غیر از عالم مادی چیزی در تصور ندارند، آنها در این دوره هم برایشان خوشگذرانی است همانطور که دوران طاغوت بوده‌اند و امیدواریم که دولت مکتبی... بتواند قدم‌های مؤثری بردارد.

حسن یوسفی اشکوری: کشاورزی و کشاورزان باید به شدت مورد توجه قرار گیرند. و برای پیشرفت امور کشاورزی و خودکفائی آن و برای تحقق این هدف لازم است که اصول زیر عملی شود:

۱- تهیه زمین به حد کافی برای کشاورزان از طریق توزیع زمین‌های موات.

۲- توزیع زمین‌های مصادره شده که بسیاری از آنها بخصوص در شمال که هنوز بلا تکلیف مانده به

کشاورزان بی‌زمین یا جوانان بی‌کار...
۴- بردن خدمات درمانی و رفاهی به روستاها، در اولویت قرار دادن راه‌های روستائی و احداث جاده‌های شبکه‌ای در مناطق پرجمعیت مانند گیلان و مازندران
۵- دولتی و انحصاری کردن برنج و گندم و توزیع آن به وسیله دولت
۶- احداث سد‌های بزرگ و کوچک برای تاءمین آب کشاورزی
۷- بخشودگی بدهی‌های گذشته کشاورزان و تاءمین وام‌های جدیدی بهره‌...
۸- خرید محصولات کشاورزی و دامی با قیمت عادلانه و توزیع آنها به وسیله دولت...
۹- بیمه کردن محصولات کشاورزی
۱۰- تهیه به موقع امکانات کشاورزی مانند ماشین‌آلات، کود، سم و غیره...
توده‌های مردم و نیروهای انقلابی به طور همه‌جانبه‌ای از طرح این مسائل در مجلس شورای اسلامی پشتیبانی می‌کنند. طرح این مسایل نباید مدت‌ها در حد "حرف" باقی بماند. اجرای این برنامه‌ها، که خواست زحمتکشان و پاسخگویی به ندای امام خمینی است بیش از همه بر عهده مجلس شورای اسلامی و دولت جدید است و امروز "هیچ عذری" نیز برای مسامحه در مورد این مسائل اساسی انقلاب وجود ندارد.

با تأمین سهم مورد نیاز دهقانان خطر نابودی محصولات را از بین ببرید!

روستای "پائین احمدکلا" با جمعیتی حدود ۹۰۰ نفر در جنوب شرقی بابلسر قرار دارد. تولید برنج در این روستا بخش عمده تولیدات اهالی آن را تشکیل می‌دهد. دهقانان روستای مزبور، مراحل مختلف داشت را با زحمات فراوان با موفقیت پشت سر گذاشته و پس از پایان "وجین دوم" با استعمال سم دفع آفت کرم

ساقه‌خوار که آن را از مراکز خدمات روستایی "باقرتنگه" واقع در شرق بابلسر تهیه نمودند، در دفع این آفت نیز موفق بوده‌اند. یکی دیگر از آفت‌های برنج "بلاست" شدن ساقه برنج است که عمدتاً موقع خوشه‌زدن ساقه برنج ظاهر می‌شود و در صورت عدم رفع این آفت محصول برنج نابود خواهد شد. دهقانان روستای

مزبور جهت دفع "بلاست" برای دریافت سم ضد بلاست به موقع به مرکز خدمات روستایی "باقرتنگه" مراجعه نمودند ولی مسئولین این مرکز به بهانه اینکه روستائیان بهای سال گذشته این سم را نپرداخته‌اند از دادن سم به آنان خودداری کرده‌اند. دهقانان با کلیه امکانات کوشش کرده‌اند سم مورد نیاز را دریافت کنند ولی موفق نشدند و این در حالی است که محصول برنج آنها مورد تهدید "سرخشک" شدن قرار گرفته و به میزان ۴۰ درصد از محصول برنج ۲۵۰ هکتار شالیزار در خطر

نابودی است. دهقانان می‌گویند: "ما الان پول نداریم بدهی سال گذشته را بدهیم ولی این امر نباید باعث نابودی محصولات و بی-نتیجه شدن زحمات ما شود. مرکز خدمات "باقرتنگه" حتی تهدید کرده است که اگر دهقانان "احمدکلا" بدهی سال قبل را نپردازند موقع برداشت برنج به آنها سوخت موتورهای کشاورزی نیز داده نخواهد شد.

برخورد غیر مسئولانه مرکز خدمات روستایی "باقرتنگه" نه تنها برای دهقانان زحمتکش بسیار نگران کننده

است، بلکه همچنین خوراک تبلیغاتی خوبی برای ضد-انقلاب جهت بی‌اعتبار کردن جمهوری اسلامی فراهم نموده است.

مسئله بازپرداخت بدهی سال قبل را مسئولین امر می‌توانند به شیوه‌ای عاقلانه‌تر حل کنند و برخوردی اینگونه به مشکلات دهقانان زحمتکش نه تنها مسائل دولت را حل نمی‌کند بلکه از آنجا که دولت خواهان افزایش تولیدات کشاورزی و دستیابی به اقتصاد خودکفا و مستقل است، به مشکلاتش افزوده می‌شود.

* * *

کسته باد همه وابستگی‌های اقتصادی، سیاسی، نظامی، و فرهنگی با امپریالیسم جهانی بسر کردگی امپریالیسم امریکا



مصونیت نمایندگان و مؤسسين شوراها از اخراج گام مثبتی در جهت قانونی کردن شوراها

سرانجام در هفته گذشته اصل " مصونیت اعضا و هیئت مؤسس شوراها اسلامی کارخانجات " به تصویب وزارت کار و امور اجتماعی رسید و به کلیه واحدها و مراکز تولیدی و خدماتی ابلاغ شد. این اقدام در کلی ترین وجوه خود گامی مثبت و موثر در جهت تثبیت قانونی شوراها بشمار می آید. شوراها از بدو تشکیل خود تا کنون همواره آماج توطئه های رنگارنگ کارفرمایان و مدیران ضدانقلابی و لیبرال بوده اند. اخراج نمایندگان شوراها به بهانه های واهی و منحل کردن و از هم پاشاندن شوراها از زمره این توطئه ها بوده است. ضدانقلابیون و لیبرالها چه در کارخانجات و مراکز خدماتی و چه در نهادها و ارگانهای دولتی کوشیده اند تا با تهمت و افترازی به نمایندگان انقلابی شوراها و غیر قانونی نمایندن شوراها از یک سو و ماده ۳۳ قانون کار از سوی دیگر، ابتدا زمینه را برای اخراج نمایندگان متعهد شوراها فراهم نموده و سپس شوراها را منحل و متلاشی سازند بنا براین تضمین قانونی مصونیت اعضا و هیئت مؤسس شوراها از اخراج، اولاً راه را برای توطئه های ضد شورایی لیبرالها سد می کند که این خود مورد تاکید سرپرست اداره سازمانهای کارگری وزارت کار و امور اجتماعی نیز بوده است.

" آنچه که مورد توجه ماست و در اطلاعیه مربوطه نیز بدان اشاره شده، این است که برخی کارفرمایان و مدیران لیبرال نتوانند علیه شورا کارشکنی کرده و به

دلایل واهی اعضای شوراها اسلامی را اخراج کنند" ثانیاً، ضربه های کاری و موثر بر ماده ۳۳ قانون کار فعلی بشمار آمده و زهر ضد کارگری این ماده را حداقل در مورد نمایندگان و مؤسسين شوراها خنثی می کند. ثالثاً و از همه مهمتر آنکه، گامی جدی جهت تامین و تثبیت حقوق شورایی کارگران محسوب می گردد.

درکنار این وجوه مثبت و درخور تایید، نکاتی چند وجود دارد که باید توجه مسئولین و مقامات وزارت کار را به آنها جلب نمود:

۱- مصونیت قانونی اعضا و هیئت مؤسس شوراها از اخراج اگرچه همانگونه که تصریح کردیم، خود گامی موثر در جهت خنثی کردن توطئه های ضد شورایی محسوب می شود، لیکن بخودی خود کافی نیست. تا زمانی که مضمون وظایف، حدود اختیارات و حقوق شوراها در زمینه مشارکت دمکراتیک کارگران در اداره امور واحدهای تولیدی از یک سو و تضمین حداقل منافع صنفی - رفاهی کارگران از سوی دیگر بطور روشن تصریح نشود راه همچنان برای توطئه های اخلاصگرانه و اقدامات کارشکنانه ضدانقلابیون و لیبرالها در حیطه فعالیت شوراها بازمانده و بدین ترتیب نمایندگان و فعالین شوراها برغم برخورداری از مصونیت قانونی از عمل موثر و سازنده به سود انقلاب و در جهت تحکیم دستاوردهای آن و همچنین دفاع از منافع اقتصادی و اجتماعی روزمره کارگران، بازخواهند ماند. از اینرو مصوبه اخیر را باید

تازمانی که مضمون وظایف، حدود اختیارات و حقوق شوراها در زمینه مشارکت دمکراتیک کارگران در اداره امور واحدهای تولیدی از یک سو و تضمین حداقل منافع صنفی - رفاهی از سوی دیگر به طور روشن تصریح نشود راه همچنان بر توطئه های اخلاصگرانه و اقدامات کارشکنانه ضدانقلابیون و لیبرالها باز خواهد ماند

بطور منطقی و به نحوی عاجل با تدوین و تصویب قانون و آئین نامه شورایی که پاسخگوی نیازهای تثبیت و گسترش انقلاب و مضمون ضد امپریالیستی و خلقی آن باشد، حقوق شورایی و سندیکایی کارگران میهنمان را بنحوی روشن تصریح کرده و از این طریق راه را بر هر گونه تشبیه و ترغیب ضد شورایی مسدود سازد، تکمیل نمود.

۲- بدیهی است که با توجه به نقائص و کاستی های جدی قانون و آئین نامه شوراها مصوبه شورای انقلاب و شورای عالی کار، مصوبه اخیر وزارت کار و امور اجتماعی در مورد مصونیت اعضا شوراها تعداد بسیاری از شوراهایی را که در واحدهای بزرگ صنعتی نظیر صنعت نفت و فولاد و یا واحدهای ساختمانی تشکیل شده اند، دربر نمی گیرد. کارفرمایان و مدیران ضدانقلابی و لیبرال که تاکنون براساس ماده ۱۴ قانون شوراها (مصوبه شورای انقلاب) و ماده ۱۸ آئین نامه شوراها (مصوبه شورای عالی کار)، شوراها را واحدها را غیر قانونی شناخته و نمایندگان آنها را اخراج می نموده اند، همچنان به تلاش های ضد شورایی خود ادامه داده و در این راه مانع جدی در مقابل خویش نمی یابند. مسئولین امور باید با تدوین قانون شورایی که حقوق شورایی و سندیکایی کارگران همه واحدهای تولیدی را مطابق اصول ۱۰۴ و ۲۶ قانون اساسی به رسمیت شناخته و آن را صراحتاً تضمین و تثبیت نماید، برخورداری از مصونیت در

مقابل اخراج را به نمایندگان شوراها و واحدهای نامبرده نیز تفویض نمایند.

۳- همانگونه که اشاره نمودیم این مصوبه در عین حال، ضربه ای موثر به ماده ۳۳ قانون کار محسوب می گردد. لیکن شایان تصریح است که برخلاف گفته بعضی دست اندرکاران مسائل کار و کارگری (از جمله نویسندگان صفحه کارگری روزنامه جمهوری اسلامی)، این مصوبه هرگز به مثابه نفی قطعی ماده ۳۳ قانون کار و لغو آن بشمار نمی آید. چرا که دامنه شمول این ماده (۳۳) تنها محدود به نمایندگان تشکلهای کارگری نبوده و نیست، بلکه کلیه کارگران کارخانجات و مراکز خدماتی (اعم از مؤسسين و نمایندگان تشکلهای و توده کارگران) را دربر می گیرد. مصوبه اخیر تنها دامنه شمول ماده ۳۳ را بطور عینی تقلیل می دهد، لیکن آن را لغو نمی نماید.

لغو این ماده ضد کارگری و تدوین و تصویب یک قانون کار مترقی همچنان از وظایف مبرم و مقدم دولت جمهوری اسلامی ایران است.

۴- ایرادی که به نحو بارزی در این مصوبه به چشم می خورد، عدم شمول آن در مورد نمایندگان و فعالین (هیئت مدیره) تشکلهای سندیکایی در واحدهای تولیدی و خدماتی است. جای تاسف و شگفتی است که مسئولین و دست اندرکاران وزارت کار، حق مصونیت در برابر خطر اخراج را برای نمایندگان شوراها قائل شده اند، لیکن همین حق را از نمایندگان و فعالین سندیکایی سلب کرده اند. آیا فعالین سندیکایی در معرض خطر اخراج از سوی " کار - فرمایان و مدیران لیبرال " (که از سوی سرپرست سازمانهای کارگری وزارت کار به خطر آنها اشاره شده است)، قرار ندارند؟ مگر جز آن است که تشکلهای سندیکایی نیز همچون تشکلهای شورایی با تامین و تحکیم اتحاد صفوف کارگران و تجهیز و بسیج سازمان یافته آنان در راستای دفاع از دستاوردهای انقلاب همچون خار در چشم سرمایه داران و دشمنان

انقلاب بوده و لذا همواره در معرض توطئه های ضد انقلابی آنان قرار داشته و دارند؟ به گمان ما، تحدید دامنه شمول این گونه مصوبات به تشکلهای شورایی، از برداشت های مخدوش و پیش - داوری های نابجای مسئولین و دست اندرکاران از حقوق و مبارزه سندیکایی کارگران ناشی می شود و لاغیر.

۵- در گفتگویی که با سرپرست سازمانهای کارگری وزارت کار و امور اجتماعی در مورد مصوبه اخیر به عمل آمده است ایشان دامنه شمول این مصوبه را محدود به شوراها می دانسته اند که با نظارت مستقیم نماینده وزارت کار تشکیل شده باشند با توجه به آنکه تعداد زیادی از شوراها موجود در مراکز تولیدی و خدماتی، زیر نظر وزارت کار تشکیل نشده و یا تثبیت قانونی نشده اند، مشروط کردن اجرای این مصوبه به تثبیت قانونی شوراها در وزارت کار اگرچه در مجموع مثبت است، اما عاری از نقص نیست. ما گمان می کنیم که می توان تا زمانی که همه شوراها در واحدهای تولیدی و خدماتی زیر نظر وزارت کار رسمیت قانونی نیافته اند، با در نظر گرفتن ضوابط و موازین لازم، دامنه شمول این مصوبه را به شوراها تثبیت نشده نیز گسترش داد. چرا که همانگونه که سرپرست سازمانهای کارگری وزارت کار در گفتگویی خود متذکر شده است " بطور کلی شوراها مورد تایید ... می باشند " و اگر هم بیم آن برود که " تعمیم این طرح به کلیه شوراها ... مورد سوء استفاده عناصر ضد انقلابی قرار گیرد " با توجه به " پیدایش جو کنونی که ضدانقلاب در سطح کارخانه ها همچون سطح جامعه منزوی و طرد شده اند، می توان و باید با اتخاذ تدابیر قاطع انقلابی و بیش از هر چیز به همت و هوشیاری کارگران و نمایندگان واقعی شان راه نفوذ عناصر ضد انقلابی و لیبرال را به درون شوراها سد نمود.

پرتوان باد جنبش طبقه کارگر

پیشتاز مبارزات ضد امپریالیستی - دمکراتیک خلقهای ایران

روستاییان در انتظار اقدامات عمرانی و

بهبودی روستاها

دولت در پیشبرد هر سیاست و برنامه‌ای در درون روستاها به همکاری صمیمانه و همه‌جانبه دهقانان زحمتکش نیازمند است.

شوراهای اسلامی روستاها بهره‌گیرند و از تجربیات سایر انقلابات و کشورهای انقلابی و مترقی جهان سود جوید تا قادر شود بر سالها فقر و محرومیت جامعه روستایی ایران غلبه کند. لازم به تذکر است که علاوه بر تامین تسهیلات و تاسیسات ضروری در هر روستا باید مراکز دهستان نیز به امکاناتی نظیر تعاونی‌های مصرف، مدارس متوسطه، درمانگاه، کشتارگاه بهداشتی مرکز پست و تلگراف و تلفن نیز تجهیز شود.

مسئله با چنین اقداماتی است که دولت قادر خواهد بود تحرکی همه‌جانبه به بخش کشاورزی کشور ببخشد و در جهت افزایش تولید و باروری، کاهش اختلاف بین شهر و روستا، کاهش مهاجرت و به‌کارگیری نیروهای فعال جامعه روستایی در درون روستاها و نتیجتاً خودکفایی

روستاها بهبود شرایط زندگی روستائیان و افزایش تولید محصولات کشاورزی و حرکت در جهت خودکفایی در این بخش بسیار مهم اقتصادی امکان‌پذیر نخواهد شد. بنابراین همراه با اجرای کامل و همه‌جانبه اصلاحات ارضی بنیادی و کوتاه کردن دست زمین‌داران بزرگ و فئودالها از روستاهای کشور و ایجاد "مراکز خدمات کشاورزی روستایی و عشایری" که ارائه خدمات مربوط به تولید کشاورزی و نیازهای رفاهی - بهداشتی را در دستور دارد، باید در جهت بهبود شرایط زیست روستائیان نیز برنامه‌ریزی شود. برنامه عمران و نوسازی روستاهای کشور باید در جهت تامین امکاناتی چون راههای روستایی، آب آشامیدنی، حمام بهداشتی مدرسه، برق، مسکن، نفت و گاز برای روستاهای کشور تدارک شود.

اقدامات انجام شده توسط جهاد سازندگی در مقایسه با نیازهای جامعه روستایی به هیچ‌وجه جوابگو نباشد. هنوز مردم روستاها باید برای درمان ساده‌ترین بیماری‌ها فرسنگ‌ها راه را با ابتدایی‌ترین وسائل حمل و نقل طی کنند. جوانان روستایی برای تحصیل باید روستاها را ترک کرده به شهرها بروند و مردم برای تامین مایحتاج اولیه‌شان و همچنین وسائل و نیازهای تولید کشاورزی به شهرها مراجعه نمایند. توسعه راههای روستایی، ایجاد حمام بهداشتی، آب آشامیدنی، درمانگاهها، مدرسه و دیگر تسهیلات رفاهی و بهداشتی امروزه به خواست مردم و مشترک دهقانان زحمتکش سراسر کشور تبدیل گردیده و زبان حال همگی آنهاست. برای ترمیم خرابی‌های حاصل از سیاست‌های مخرب رژیم

روستاهاست، در رژیم گذشته مورد توجه قرار نگرفته است. از سوی دیگر اکثر روستاهای کشور از داشتن حمام بهداشتی، مدرسه، درمانگاه، آب لوله‌کشی، برق و دیگر وسائل و امکانات رفاهی، خدماتی و بهداشتی محروم بودند. حدود ۷۷ درصد از واحدهای مسکونی از مصالح کم دوام چون چوب و خشت و گل ساخته شده‌اند. خرابی‌های حاصل از زلزله‌های اخیر که بعضی از روستاها را به کلی به تل خاکی تبدیل کرده‌است، خود گواه گویایی از این واقعیت است که از گذشته به ارث مانده و هنوز نیز ادامه دارد. تنها ۲۰ درصد از واحدهای مسکونی مناطق روستایی دارای آب لوله‌کشی بوده و ۱۴ درصد از خانواده‌های روستایی تا مقطع انقلاب دارای برق بوده‌اند. آمار و اطلاعات مربوط به دیگر وسائل و تسهیلات رفاهی و بهداشتی در مناطق روستایی بسیار ناسف‌آورتر است. این آمارها نشان دهنده این واقعیت است که علاوه بر اینکه زحمتکشان روستایی در گذشته به هیچ‌وجه از مواهب اولیه تمدن بهره‌ای نبرده‌اند بلکه با سیاست‌های خانمان - برانداز رژیم وابسته و ضد مردمی گذشته فقیرتر شده‌اند و زندگی فلاکت‌بار سالهای متعاقب آنها ادامه یافته و از افزایش سرسام‌آور درآمدهای نفت کوچکترین بهره‌ای نصیب آنها نگردیده است.

به جرات می‌توان گفت بعد از گذشت دو سال و نیم از انقلاب هنوز تغییرات محسوس و چشم‌گیری در جهت عمران و بهسازی روستاها انجام نپذیرفته است هرچند جهاد سازندگی در این مدت در زمینه مورد بحث اقداماتی انجام داده و در حد توان خویش فعالیت کرده است، ولی کارشکنی لیبرالها در تامین بودجه این نهاد، نداشتن برنامه و کارشناس، تنگناهای ناشی از تامین مصالح و نیازهای عمرانی سبب گردیده‌است که

سیاست رژیم گذشته در ایجاد صنایع وابسته و مونتاژ و تبدیل شهرها به بازار مصرف کالاهای وارداتی سبب گسترش هرچه بیشتر شهرها به عنوان مراکز مصرف و اختصاص بخش عمده امتیازات عمرانی و نوسازی به شهرها گردید. سیاست‌های اقتصادی مخرب و ضد مردمی رژیم گذشته و رفم‌ارشی شاه خائن که جهت فراهم آوردن زمین‌های رشد هرچه بیشتر سرمایه‌داری وابسته ایران و عمدتاً به قیمت تلاشی بخش کشاورزی تدارک دیده شده بود، باعث مهاجرت روستائیان بی‌زمین و کم‌زمین به شهرها و تبدیل آنان به ارتش ذخیره کار برای صنایع مونتاژ و وابسته شد. روند مهاجرت در روستاها گسترش یافته و به صورتی غیر متعارف درآمد. روی آوردن توده‌های محروم روستایی به شهرها که عمدتاً به دلیل پائین بودن سطح درآمد و امکانات زندگی، نبود اشتغال در بخش کشاورزی و نازل بودن سطح خدمات در روستاها و تمرکز نامتناسب امکانات و خدمات در شهرها به نوبه خود باعث خالی شدن روستاها و از بین رفتن منابع طبیعی و تلاشی کشاورزی کشور گردید. عقب‌بینی سیاستی در گذشته باعث آن شد که روستاهای کشور در عقب افتاده‌ترین شرایط باقی‌مانده و از ابتدایی‌ترین نیازهای زندگی برخوردار نگردند. و در مقایسه با زندگی شهری سطح زندگی روستائیان در حدی بسیار پائین قرارگیرد. در همین دوره درآمد روستائیان که بیش از نیمی از جمعیت کشور را تشکیل داده و اکثر آنها در بخش کشاورزی اشتغال داشتند، در مقایسه با درآمد شاغلین در سایر بخش‌های اقتصادی غیر قابل مقایسه بود و اختلافات فاحشی داشت. با اینکه حدود بیش از ۳۰ درصد از جمعیت شاعل کشور در بخش کشاورزی فعالیت داشتند سهم این بخش در تولید ناخالص ملی، رقمی کمتر از ۱۰ درصد بود. براساس آمارهای منتشره از سوی رژیم سابق حدود ۷۵ درصد از آبادی‌های کشور دارای راههای آسفالته و شوسه و حدود ۶۰ درصد راه جیپ‌رو و بقیه نیز دارای کوره راههای مالرو بودند. شبکه ارتباطی روستایی که اولین وسیله رساندن خدمات به

● با اجرای بند 'ج' و 'د' توطئه‌های رنگارنگ زمینداران بزرگ و فئودالها را درهم شکنیم

● تأمین آب زراعی، کود، بذر، ماشین‌آلات خواست مشترک دهقانان سراسر کشور است

بخش کشاورزی موفق گردد. لازم به یادآوری است که دولت در پیشبرد هر سیاست و برنامه‌ای در درون روستاها به همکاری صمیمانه و همه‌جانبه دهقانان زحمتکش نیازمند است. تامین چنین همکاری‌هایی که نقش قابل ملاحظه‌ای در پیشبرد اصولی برنامه‌های دولت خواهد داشت، تنها با تقویت شوراهای اسلامی روستاها، استفاده از تجربیات آنها و مردمی و دمکراتیک آنها میسر است.

مسئله هیچیک از وزارت‌خانه‌ها و نهادهای انقلابی به تنهایی قادر به انجام این وظیفه مهم نبوده و این اقدام اساسی باید با همکاری نزدیک و هماهنگ وزارت‌خانه‌های مسئول در عرصه‌های مربوط همراه با نهادهایی چون جهاد سازندگی، نهضت سوادآموزی، و غیره تحقق یابد و به پیش رود. همچنین ضروری است دولت بودجه بیشتری را به عمران و بهسازی روستاها اختصاص دهد، از تمام متخصصان و نیروی عظیم زحمتکشان و

گذشته باید آنچنان سیاستی اتخاذ گردد که در آن اولاً تامین رفاه نسبی و بهبود شرایط زیست روستائیان و در ثانی افزایش تولید بر مبنای گسترش تکنولوژی پیشرفته در تولید کشاورزی، افزایش عملکرد در واحد سطح، تعیین قیمت‌های مناسب و حذف واسطه‌ها مورد نظر و تاکید قرار گیرد. بدون برنامه‌ریزی جهت تامین حداقل درآمد روستائیان در مقایسه با شهر نشینان و ایجاد تاسیسات، امکانات و تسهیلات رفاهی، خدماتی و بهداشتی در

ترکیب کابینه

تجلی شکست خط سازش و پیروزی مهم نیروهای خط امام

در تاریخ دوشنبه بیست و ششم مردادماه، کابینه دکتر محمدجواد باهنر با تأیید اکثریت قاطع نمایندگان حاضر در مجلس رأی اعتماد گرفت و بدین سان چهارمین دولت پس از انقلاب، رسماً کار خود را آغاز کرد.

توجه به ترکیب کابینه، دقت روی وزرائی که ماندند، وزرائی که رفتند و وزرائی که به جای آنها آمدند، توجه به مواضع و سخنان نمایندگان موافق و مخالف کابینه و زوایا و علت مخالفتها و موافقتها، تعداد مخالفان و موافقان، توجه به سخنان دکتر محمد جواد باهنر و برنامه دولت او و... به خوبی نشان می‌دهد که سیر و مضمون تحولات جمهوری اسلامی در کدام جهت بوده است.

اگر معنای تحولات اخیر در اوج اختلافات نیروهای خط امام با بنی‌صدر و بنی‌صدری‌ها هنوز بر برخی معلوم نبود، اگر بورژوازی و متحدانش هم چنان با شعار "مقاومت" درصدد حفظ مواضع خود در حکومت بودند و گروه‌ها و عناصر چپ‌رو نیز در پیچیدگی حوادث چشمانشان قدرت دیدن راستای تحولات را نداشت، امروز دیگر بر همگان روشن است که ادامه تحولات به پیروزی قطعی خط امام بر بنی‌صدر و یاران لیبرال او انجامیده و امروز کابینه‌ای به کار آغاز کرده است که اکثریت وزرای آن دارای سوابق روشن مبارزاتی، و گرایش صریح ضدامپریالیستی هستند. کابینه‌ای که در اساس به خط ضدامپریالیستی و مردمی امام خمینی وفادار است. تا همین جا کافی است که تأکید کنیم چرا سیاست سازمان ما، که با مواضع صریح و روشن تمام مضمون تحولات جاری را پیش‌بینی کرد، کاملاً درست و منطبق با مصالح مردم و انقلاب بوده است.

وزرائی که در کابینه باهنر باقی ماندند.

اولین نکته درخور توجه آن است که سلامتی وزیر کشاورزی، آیت‌اله مهدوی‌کنی وزیر کشور، میرمحمدصادقی وزیر کار، حسین موسوی وزیر خارجه، بهزاد نبوی وزیر مشاور در امور اجرائی، و چند تن دیگر در پست‌های حساس خود باقی ماندند.

وقتی به حساسیت وزارت کشور که مسئولیت اداره کمیته‌ها و شهربانی و مسئولیت گماشتن صدها پست استانداری، فرمانداری و غیره را به عهده دارد و در واقع یکی از مهم‌ترین کانال‌های ارتباطی دولت با توده‌های مردم است، وقتی به حساسیت وزارت امور خارجه آنهم در این مقطع از انقلاب توجه کنیم وقتی به اهمیت پست‌های وزارت کشاورزی که با یکی از مهم‌ترین مسائل انقلاب سر و کار دارد و یا به موقعیت وزارت کار و غیره توجه کنیم و سپس سابقه کار، سیاست و شناختی را که از وزیران این وزارتخانه‌ها در دست داریم عورد توجه قرار دهیم به خوبی مشاهده می‌کنیم که در کابینه باهنر برجسته‌ترین عناصر ضدامپریالیست وفادار به خط امام کابینه رجائی ابقا شده‌اند و برخی از حساس‌ترین پست‌ها به دست همین افرادی است که به قول معروف در گذشته و نیز در کابینه رجائی به خوبی امتحان پس داده‌اند و مردم نیز از آنان راضی‌اند.

برخی از کسانی که از پست‌های وزارت معاف شده‌اند از جمله آقایان نعمت‌زاده و احمدزاده را با توجه به سیاستی که به هنگام وزارت اتخاذ کرده‌اند باید از وزرای دارای تمایلات لیبرالی و یا دست‌کم بدون تمایلات روشن ضدامپریالیستی به حساب آورد. تقریباً امروز افرادی با مشخصات

بالا در هیچ پست وزارتی قرار ندارند.

جای این وزرا و جای آن دسته از وزیران خط امامی که به دلایل مختلف در کابینه جدید حضور ندارند، نیز نیروهای شناخته شده خط امام پر کرده‌اند نیروهایی که در تحولات دو سال و نیم پس از انقلاب در مبارزه علیه خط سازش و پیشبرد مبارزات ضدامپریالیستی خط امام امتحان پس داده‌اند.

نخست‌وزیر نیز خود از رهبران طراز اول نیروهای خط امام است.

مجموعه شناختی که از شخص دکتر باهنر همراه با حجت‌الاسلام هاشمی رفسنجانی رئیس مجلس، محمدعلی رجائی رئیس جمهور، خامنه‌ای امام جمعه تهران موسوی خویی‌ها معاون اول مجلس و... در دست است نشان می‌دهد که در طول سال‌های اخیر اینان همواره جزو وفادارترین نیروهای خط امام بوده‌اند.

این شواهد همگی دال بر آن است که در تحولات جاری چرخش اوضاع بیش از پیش به سود وفادارترین نیروهای خط امام بوده است. دومین نکته درخور توجه سخنان نمایندگان مخالف ترکیب کابینه در مجلس شورای اسلامی است.

می‌دانیم که در مجلس شورای اسلامی یک اقلیت معدود وجود دارد که با سرسختی و لجاج علیه هر تصمیم درست و هر سیاست مترقی که در جهت تقویت نیروهای خط امام اتخاذ شود مبارزه می‌کند. این اقلیت در ظاهر به همان شکلی که لیبرال‌ها و بنی‌صدری‌ها به نیروهای ضدامپریالیست خط امام حمله می‌کردند، حمله نمی‌کند. اینها ظاهراً خود را در خط امام معرفی می‌کنند در حالی که ماهیت مخالفتشان با کابینه هیچ تفاوتی با مخالفت لیبرال‌ها ندارد. شباهت برخورد این اقلیت با لیبرال‌ها در

این است که هر دو تلاش دارند با علم کردن "خطر کمونیسم" و "خطر شوروی" جلوی هر اقدام مترقی و مردمی را بگیرند و بدین وسیله از شدت و حدت مبارزات ضدامپریالیستی بکاهند. همه تلاش این اقلیت آن است که هر طوری شده در عمل زیر پوشش دفاع از اسلام و دیانت جلوی تمام اقدامات مثبت و سازنده را بگیرند. اینها هم مثل لیبرال‌ها می‌کوشند هر نوع تلاش نیروهای ترقی‌خواه جمهوری اسلامی ایران را برای ترقی گذاشتن میان کشورهای سوسیالیستی و دول امپریالیستی که ضرورت حیاتی انقلاب ما است، هر نوع تلاش نیروهای ترقی‌خواه جمهوری را برای همکاری بیشتر با ممالک ترقی‌خواه عرب و منطقه و خلاصه هر نوع تلاش برای جهاد کردن نیروهای سیاسی داخلی مدافع و پشتیبان جمهوری را از نیروهای ضدجمهوری اسلامی با شکست مواجه سازند.

جوهر و ماهیت حرکت این اقلیت درست شبیه به جوهر حرکت لیبرال‌ها و بنی‌صدری‌ها است و جالب توجه است که هم این نیرو و هم لیبرال‌ها از همین موضع با حسین موسوی وزیر خارجه، با وزیر کار و امثال آنان مخالفت کرده‌اند.

ببینیم فواد کریمی نماینده این اقلیت در مخالفت با کابینه باهنر چه می‌گوید:

"اگر در انتخاب مسئول وزارت کشور دچار کمترین مسامحه شویم که دچار ضعف شود و همین خط حاکم بر وزارت کشور جریان داشته باشد، مجلس مسئول همه خون‌هایی خواهد بود که ریخته می‌شود زیرا مجلس وزیر را انتخاب می‌کند... ما چرا دوباره تجربه ناموفق را تکرار کنیم... وقتی کسی از قبول وزارت استنکاف می‌کند و شما به اصرار او رایک شبه دعوت می‌کنید این باعث بی‌ثباتی خواهد شد."

فواد کریمی حسین موسوی را نیز از این زاویه که او مصدق را روشنفکر متعهد می‌داند نیز مورد حمله قرار داد. نامبرده در مورد وزیر کار چنین گفت:

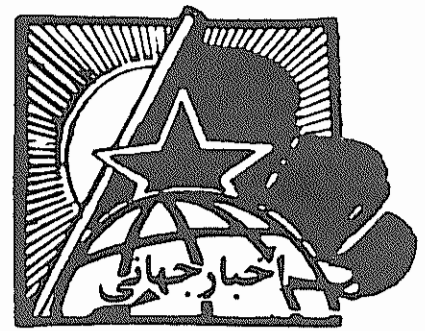
"افرادی که در دور و بر ایشان هستند ضدانقلاب هستند و این نشان می‌دهد که ایشان وزیر ضعیفی است." حملات هادی غفاری به وزیر کشور و برخی وزرای دیگر نیز با همین مضامین همراه بود.

حملات فواد کریمی‌ها و هادی غفاری‌ها به وزیر خارجه وزیر کشور و غیره در واقعیت امر حمله به سیاست روشن ضدامپریالیستی نیروهای غالب خط امام در زمینه خارجی و حمله به سیاستی است که در داخل می‌خواهد امنیت را با تکیه بر قانون اساسی و رعایت حداقل آزادی‌های سیاسی و اجتماعی تأمین کند. یعنی حمله به تنها سیاستی که لازمه تأمین امنیت در میهن ما است. یعنی حمله به کسانی که در عمل به قانون اساسی جمهوری اسلامی وفادارند.

آقایان باهنر و خامنه‌ای و برخی از نمایندگان موافق مجلس به سخنان مخالفان پاسخ دادند و از سیاست کنونی وزارت خارجه و شخص حسین موسوی و از مجموع عملکرد آیت‌اله مهدوی‌کنی و دیگر وزرا دفاع کردند و سرانجام مجلس با اکثریت آراء به کابینه دکتر باهنر و به ۲۱ تن از وزراء رأی اعتماد داد. تنها وزیری که از جانب مجلس پذیرفته نشد، تاج‌گردان وزیر پیشنهادی برای وزارت راه و ترابری بود که علل عدم پذیرش ایشان و دلایل آن را هنوز دقیقاً نمی‌دانیم.

به هر حال کابینه محمدجواد باهنر تا آنجا که به اصلاحات اقتصادی در قبال امور کشاورزی، صنعت و تجارت مربوط است، به طور بالقوه پتانسیل آن را دارد که اصول قانون اساسی را در قبال امور فوق به مرحله اجرا در آورد. در مورد افرادی مثل آقای اسکراولادی و برخی دیگر نیز زمانی می‌توان بهتر و روشن‌تر قضاوت کرد که ببینیم آیا این افراد می‌توانند خود را با نیازهای انقلاب و با سیاست مردمی و ضد امپریالیستی خط امام هماهنگ سازند؟ اگر پاسخ به این سؤال منفی باشد انقلاب زیان‌های بسیار از این انتخاب خواهد دید.

عملکرد آقای علی‌اکبر پرورش در وزارت آموزش و پرورش نیز امری است که قضاوت نسبت به آن را باید به ماه‌های آینده موکول کرد. تنها نکته قابل توجه آن است که ایشان تا کنون هیچ صحبتی در ارائه یک سیاست منطبق با نیازهای کنونی انقلاب و منطبق با قانون اساسی جمهوری اسلامی در امر آموزش و پرورش نداشته است. بقیه در صفحه ۱۹



بیانیه مشترک

به مناسبت حوادث هفته گذشته در سیتة

دانشجویان عزیز !

محکوم می‌نماید ، و آن را تجاوز به دموکراسی و عملی علیه انقلاب ایران و به نفع دشمنان آن می‌دانند . ما از کلیه گروه‌ها و سازمان‌های دانشجویی که در سیتة اونیورسیتة فعالیت دارند می‌خواهیم که از هرگونه عملی که باعث ایجاد تشنج در سیتة گردد ، پرهیز نمایند .

اتحادیه ملی دانشجویان فرانسه (U.N.E.F.)
اعضاء و هواداران حزب توده ایران در فرانسه
سازمان دانشجویان ایرانی مقیم فرانسه هوادار
سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت)
سازمان دموکراتیک جوانان افغانستان (بخش
فرانسه)

اتحادیه ملی دانشجویان سوریه در فرانسه
سازمان حزب کمونیست اردن در فرانسه
اتحادیه ملی دانشجویان لبنانی در پاریس
سازمان حزب کمونیست سوریه در فرانسه
حزب ترقی و سوسیالیست " مراکش " (بخش
پاریس)

اتحادیه ملی جوانان الجزایر (بخش
دانشگاهی پاریس)
اتحادیه دانشجویان عراقی در فرانسه
سازمان حزب بعث سوریه در فرانسه
سازمان حزب کمونیست لبنان در فرانسه
اتحادیه ملی دانشجویان اردنی در فرانسه
۹ ژوئیه ۸۱

در حالی که انقلاب شکوهمند ایران و جمهوری اسلامی ایران از هر طرف مورد حمله قرار گرفته‌اند و ناوگان جنگی آمریکا ، نیروهای واکنش سریع هر لحظه آماده‌اند تا علیه ایران انقلابی وارد عمل شوند و در حالی که این کشور مورد تجاوز نظامی قرار گرفته است ، ستون پنجم مرکب از ضدانقلابیون فعالیت خود را در درون کشور برای سرنگون ساختن رژیم ایران تشدید نموده است . در خارج از کشور نیز دشمنان انقلاب ایران بر فعالیت خود بیش از پیش افزوده‌اند .

در فرانسه ، طی هفته گذشته ، در شهرهای مختلف شاهد آن بودیم که دانشجویان و نیروهای مترقی ایرانی هوادار نظام جمهوری اسلامی ایران مورد حملات از پیش تدارک یافته قرار گرفتند .

در پاریس ، روز شنبه ۴ ژوئیه ۱۹۸۱ ، محل سیتة اونیورسیتة به صحنه برخورد میان دانشجویان ایرانی تبدیل گشت ، که طی آن دانشجویان ایرانی هوادار انقلاب ایران مورد حمله قرار گرفته و تعداد بسیاری از آنان مجروح شدند .

با توجه به این حرکات ، گروه‌ها و سازمان‌های امضاء کننده زیر ، هرگونه عملی را که باعث ایجاد جو تشنج در سیتة اونیورسیتة گردد ،

جهت ایجاد تکیه‌گاه‌ها و تاسیساتی از این قبیل برای نیروهای واکنش سریع اختصاص داده‌شود . در حال حاضر آمریکا وظیفه مداخله مسلحانه در مناطق مختلف جهان را به عهده این نیروها گذاشته است و بدین خاطر بودجه‌ای جهت ایجاد تاسیسات نظامی در مصر ، کنیا ، سومالی و عمان و جزیره دیه‌گواریا تخصیص داده است . در عین حال انگلستان موافقت خود را با توسعه پایگاه نظامی در جزیره دیه‌گواریا توسط آمریکا اعلام داشته است . این جزیره یکی از مجمع‌الجزایر واقع در بخش مرکزی اقیانوس هند است که دارای تاسیسات بسیار مهم نظامی می‌باشد . در این جزیره سلاح‌های هسته‌ای نیز مستقر شده‌اند . به قرار اطلاع امپریالیست‌های آمریکا و انگلستان همچنین موافقت کرده‌اند واحدهای نیروهای واکنش سریع مخصوص سرکوب جنبش‌های رهایی‌بخش ملی منطقه در جزیره دیه‌گواریا مستقر شوند .

شمار پزیشان اتحاد شوروی از یک میلیون تن تجاوز کرد

در مسکو اعلام شد که شمار پزیشان اتحاد شوروی از مرز یک میلیون تن فراتر رفته است . در حال حاضر در حالی که جمعیت اتحاد شوروی ۶ درصد جمعیت جهان است ۳۳ درصد پزیشان جهان در این کشور به کار مشغولند و تعداد پزیشان این کشور برای هر ده هزار نفر ۱/۵ تا ۲ بار بیش از آمریکا ، ژاپن ، فرانسه و انگلستان است .

تجاوز افریقای جنوبی به خاک آنگولا

دولت نژادپرست افریقای جنوبی با استقرار ۴۰ هزار تن از نیروهای نظامی خود در مرزهای نامیبیا و آنگولا بخشی از جنوب آنگولا را به تصرف خود درآورد . سخنگوی رسمی دولت آنگولا ضمن اعلام این مطلب متذکر شد که سربازان افریقای جنوبی که از حمایت نیروهای زمینی و هوایی برخوردارند ، درصدد حمله به اهداف اقتصادی و غیر نظامی می‌باشند .

تجاوز رژیم نژادپرست افریقای جنوبی به خاک آنگولا به بهانه سرکوب انقلابیون نامیبیایی که علیه نژادپرستان افریقای جنوبی و برای استقلال و آزادی میهنشان پیکار می‌کنند ، صورت پذیرفته است .

در زمان روی کار آمدن رونالد ریگان تجاوزات افریقای جنوبی به آنگولا و سرکوب انقلابیون نامیبیا افزایش قابل ملاحظه‌ای یافته است .

باندهای ضدانقلابی افغانستان

برای کشتار مردم متحد می‌شوند

بر اساس گزارش خبرگزاری‌ها سه تن از رهبران باندهای ضدانقلابی افغانی که در حال حاضر در پاکستان بسر می‌برند ، به نام‌های " پرفسور برهان‌الدین ربانی ، " گلبادین حکمت‌یار و مولوی یونس‌خالص " تحت رهنمودهای امپریالیسم آمریکا تصمیم گرفته‌اند " به خاطر جلوگیری از ادامه اختلافات مابین جناح‌های مختلف " اقدام به تشکیل کمیته مشترک نمایند . همچنین این باندهای ضدانقلابی اخیراً وقیحانه اعلام کرده‌اند که تمام کسانی را که از دولت قانونی و ضدامپریالیست افغانستان حمایت کنند اعدام خواهند کرد !! این اقدامات از جمله آخرین تلاش‌های مذبحخانه دشمنان انقلاب افغانستان می‌باشد که در پی شکست‌های مفتضحانه باندهای ضدانقلابی " سیا " ساخته افغانستان و در پی موفقیت‌های روزافزون سیاسی ، اجتماعی و نظامی دولت ترقی‌خواه افغانستان صورت می‌پذیرد .

استقرار نیروهای واکنش سریع

آمریکا در دیه‌گواریا

کمیسیون اعتبارات مجلس نمایندگان آمریکا لایحه قانونی ساختمان پایگاه‌های نظامی را تصویب کرد . به گزارش خبرگزاری‌ها در سال مالی ۱۹۸۱ حدود ۷ میلیارد دلار جهت ساختمان پایگاه‌های نظامی جدید و توسعه پایگاه‌های نظامی موجود در اختیار پنتاگون قرار خواهد گرفت . همچنین قرار است نزدیکه ۵۰۰ میلیون دلار

در اتحاد شوروی تمام خدمات درمانی رایگان می‌باشد و برای تمام شهروندان این کشور امکان دسترسی به سرویس‌های منظم و مجهز پزشکی رایگان موجود می‌باشد . اکنون به موازات تأمین احتیاجات درمانی مردم ، اتحاد شوروی برای دیگر کشورها و به ویژه برای کشورهای در حال توسعه پزشک تربیت می‌کند .

اخبار کوتاه

* - آمریکا تصمیم گرفت ظرف ۵ سال آینده ۱۵۰ فروند هواپیمای جنگی اف - ۱۶ به رژیم مصر تحویل دهد .

* - مقامات رسمی آمریکا اعلام کردند که حکم منع تحویل هواپیمای جنگی اف - ۱۶ به اسرائیل که پس از حمله هواپیمای رژیم صهیونیستی به مرکز تحقیقات هسته‌ای عراق اتخاذ شده بود در هفته آینده ملغی خواهد شد .

* - دولت ریگان به فشار و تضيیقات در مورد کارکنان کنترل ترافیک هوایی که در حال اعتصاب می‌باشند ، همچنان ادامه می‌دهد .

* - فدراسیون جهانی اتحادیه‌های کارگری از تمامی سازمانهای وابسته به خود دعوت کرد که با احداث پایگاه‌های نظامی آمریکا به مقابله برخیزند .

مرگ بر امپریالیسم جهانی به سرکردگی امپریالیسم آمریکا

تولید بمب نوترونی، جنایت تازه امپریالیسم امریکا

وظیفه تمام نیروهای انقلابی ترقی خواه و صلح دوست مقابله همه جانبه با سیاست‌های جنگ افروزانه امپریالیسم است .

تسلیمات طرفین در اروپا و در جهت مذاکره درباره منع تولید و آزمایش سلاح‌های هسته‌ای کوشش می‌کند. همه ما به تجربه می‌بینیم که علیرغم تبلیغات ضد کمونیستی و ضد شوروی محافل جنگ افروز وابسته به امپریالیسم، مبنی بر خطر " تجاوز شوروی " سیاست صلح دوستانه اتحاد شوروی همواره علیه سیاست‌های جنگ افروزانه اردوگاه امپریالیستی عمل کرده و همانا در عمل خویش پیوند صلح و سوسیالیسم را به ثبوت رسانده است . امروز هم اتحاد شوروی و دیگر کشورهای سوسیالیستی، در جهت منع تولید بمب نوترونی مبارزه می‌کنند. امروز صف آرایی نیروهای جهانی صلح به گونه‌ای است که قطعا در بسیاری موارد می‌توانند افسار گسیختگی‌های امپریالیسم جهانی بسرکردگی امپریالیسم امریکا را مهار کنند. موج اعتراضی که امروز علیه ساختن بمب نوترونی برخاسته است، نیز هرگاه تمام نیروهای صلح دوست جهان را دربرگیرد می‌تواند به پیروزی دست یابد و این عمل ماجراجویانه امپریالیسم امریکا را موقو گذارد . به یاری اردوگاه قدرتمند سوسیالیستی و طبقه کارگر جهانی و با اتحاد با دیگر نهضت‌های رها بیخش ملی و با مساعدت همه نیروهای صلح دوست جهان با این اقدام جنگ افروزانه و ضد بشری امپریالیسم امریکا که برای کشتار دسته جمعی انسان‌ها تدارک دیده شده است به مقابله برخیزیم . ما ضمن محکوم ساختن تلاش‌های امپریالیسم امریکا برای دامن زدن به تشنجات بین‌المللی و فرار دادن جهان در لیه پرتگاه یک جنگ هسته‌ای تمام عیار از تمام نیروهای دمکراتیک و صلح دوست جهان نیز می‌خواهیم متحداً به مقابله با این سیاست جنگ افروزانه امپریالیسم برخیزند .

دمکرات ، شورای صلح جهانی ، فدراسیون جهانی اتحادیه‌ها ، سازمانهای بین‌المللی دانشجویان ، بخشی از پارلمان آلمان فدرال ، سوسیال دموکرات‌های اسپانیا و صدها حرکت اعتراضی دیگر نخستین واکنش منطقی جهانیان علیه اقدامات میلیتاریستی و ضد بشری دولت امریکا بود . نکته قابل تعمق اینجاست که عملاً فقط دولت چین بود که آشکارا سیاست تولید بمب نوترونی را تایید نمود و آن را گام مهمی در جهت تقویت قدرت دفاعی و امنیتی اروپای غربی دانست . دولت چین با این موضع گیری یک بار دیگر نشان داد که همسندست ارتجاعی‌ترین محافل امپریالیستی جهان است .

تولید بمب نوترونی فصل جدیدی در ایجاد کانون‌های تشنج بین‌المللی ، در تحمل پایه‌های یک جنگ سرد وسیع ، در تشنج‌فزایی در مناسبات بین‌المللی ، در خطر مستقیم و عظیم برای صلح و امنیت همگانی است . اتحاد شوروی و دیگر ممالک سوسیالیستی به همراه همه نیروهای مترقی و صلح دوست جهان مبارزه‌ای پیگیر و همه جانبه علیه سیاست تحمیل یک جنگ هسته‌ای را مدت‌ها است دنبال می‌کنند . امروزه اتحاد شوروی همه مردم جهان را به مبارزه علیه سیاست‌های بی بندوبار نظامی گرایانه امپریالیسم فرا خوانده است . در موافقت نامه مارس سال ۱۹۷۸ بین اتحاد شوروی و دیگر کشورهای سوسیالیستی ، تلاشی عظیم علیه جنگ و به سود صلح و امنیت جهانی منعکس است . در ماده اول این موافقت نامه که امکان امضاء آن برای همه ممالک جهان فراهم آمده ، شرایط عملی دفاع از صلح جهانی به صراحت عنوان شده است . در برابر سیاست امپریالیستی گسترش تولید سلاح‌های هسته‌ای ، اتحاد شوروی همواره در جهت کاهش متقابل نیروها و

بمب نوترونی بر قدرت در یک مساحت ۴/۵ کیلومتر مربع از نقطه اصابت بمب، مسمومیت مرگباری تولید خواهد کرد و تا شعاع ۱۵ کیلومتر مربع بر همه انسان‌ها تاثیر گذارده و موجب بروز اختلالات ژنتیک بر آنان می‌شود. اینکه بمب نوترونی برای کشتار انسان‌ها تولید می‌شود این بمب در نقطه پرجمعیت چه تلفاتی در این باره جنایتکاران امریکایی شادمانه می‌گویند " عالی است ! همه را می‌کشد " . این بمب به مراتب از بمب‌های اتمی دیگر مرگ‌آورتر است . تشنجات بمب نوترونی باعث این می‌شود که نسل جدید، کودکان معیوب و ناقص - انسان دوستانه واشنگتن به مردم جهان است . از همان لحظه انتشار خبر تولید بمب نوترونی ، موج اعتراض عظیم محافل سیاسی اجتماعی صلح دوست ، سراسر جهان را فرا گرفت . کشورهای سوسیالیستی جهان به ویژه اتحاد شوروی پیگیرانه در ادامه سیاست صلح دوستانه خود به مقابله با تصمیم امریکا برخاستند . وزارت امور خارجه سوئد و دانمارک رسماً اعلام کردند که کشورهايشان بانقشه استراتژیهای نظامی ایالات متحده مخالف هستند . بانو گاندی تولید سلاح نوترونی را خطری جدی در عادی کردن مناسبات بین‌المللی و عامل ایجاد تشنج حاد اعلام کرد . در آلمان غربی مردم بطور خود بخودی علیه بمب نوترونی و استقرار آن در اروپای غربی دست به تظاهرات زدند . سازمان خلع سلاح هسته‌ای در انگلستان برای اعتراض به ساختن بمب نوترونی یک راهپیمایی وسیع اعلام کرد در ژاپن ، شهردار شهر ناگازاکی طی نامه‌ای به ریگان به سیاست تولید بمب نوترونی اعتراض نمود . نخست وزیر نروژ ، رهبر حزب کارگر انگلستان ، رهبران فدراسیون جهانی زنان

و پای ممالک اروپای غربی و عضو پیمان تجاوزکارانه ناتو را در پوست گردو گذارد و اراده جنگ افروزانه خویش را به آنها تحمیل کند. مضاف بر آن ، اینکه تصمیم تولید سلاح نوترونی بدون مشورت با دیگر دول عضو پیمان آتلانتیک شمالی (ناتو) اتخاذ شده است . ایدئولوگ‌های نظامی گرای امریکا پیرامون این نکته که بمب نوترونی در خاک امریکا خواهد ماند ، دست به تبلیغات گسترده‌ای زده‌اند . ولی همه می‌دانند که امریکا قصد ندارد از بمب نوترونی در خاک خویش استفاده کند . طبیعی است که نقشه استراتژیهای امریکا این است که نخست سلاح نوترونی را تولید و سپس ذخیره و انبار سازند و آنگاه متحدان خود را در پیمان ناتو و ادار سازند که با استقرار بمب‌های نوترونی در اروپا موافقت کنند. روزنامه نیویورک تایمز از این تمایل باطنی امپریالیسم امریکا پرده برداشت و آن را آن طوری که بود عریان ساخت . استراتژیهای امریکا درصدد هستند که سلاح نوترونی را در سال ۱۹۸۲ همزمان با استقرار موشک‌های هسته‌ای میان برد در اروپای غربی ، به این قاره حمل کنند . و از همه اینها گذشته هیچ دلیلی وجود ندارد که امریکا این سلاح را در جاهای دیگر از جمله خلیج فارس بکار نگیرد از همه جالبتر اینکه محافل حاکمه امریکا سلاح نوترونی را " وسیله بشر - دوستانه ! جنگ " نامیده‌اند انسان دوستی امریکایی بی شک نوع جدیدی از " انسان - دوستی " است که از فرط علاقه شدید به انسان‌ها ، قصد کشتار دسته جمعی انسان‌ها را کرده است . بمب نوترونی سلاح کشتار جمعی انسان‌هاست و مستقیماً بر ارگانسیم موجودات زنده تاثیر گذاشته و باعث نابودی آنها می‌شود . و مهم تر اینکه هیچ پناهگاهی ولو پناهگاه بتونی ، قادر به حفظ انسان‌ها از تشنجات این بمب نیست . تشنج یک

تصمیم انحصارات حاکم امریکا مبنی بر تولید بمب نوترونی که بر بستر تمایل به بازگرداندن چرخ تاریخ به عقب ، بازگشت به دوران جنگ سرد و کشتادن جهان شده بود ، موج خشم و اعتراض جهانیان را برانگیخت . بی‌اعتنایی مقامات واشنگتن نسبت به عواقب شوم و دهشتناک تولید بمب‌های نوترونی ، یک بار دیگر و به عینه به همه مردم جهان ثابت کرد که چون امپریالیسم وجود دارد خطر جنگ به هیچ وجه از بین نرفته است . اگر اقدامات سالهای اخیر دولت امریکا را بنحوی پیوسته مورد ارزیابی قرار دهیم ، این گرایش جنگ - افروزانه حاکم بر سیاست امپریالیسم امریکا به سادگی آشکار می‌شود . افزایش شدید مخارج نظامی ، عقیم گذاردن تصمیمات راجع به قرارداد ۲ ساله ، تهیه و تدارک مقدمات لازم برای استقرار موشک‌های جدید هسته‌ای و سرانجام تصمیم تولید سلاح نوترونی ، به موازات سیاست تولید تشنج در کانون‌های بحرانی جهان ، استقرار نیروهای واکنش سریع در سینا و طرح استقرار آنها در دیه گوگاریا و بسیاری اقدامات دیگر همگی مبین این گرایش جنگ افروزانه و ضد بشری محافل حاکمه امریکا می‌باشد . سیاست دولت امریکا ، به خوبی نشان می‌دهد که امریکا علیرغم جار و جنجال پیرامون موافقت درباره مذاکره در راه کاهش سلاح‌های هسته‌ای ، کماکان سیاست تشنج‌فزایی بی بند و بار را دنبال می‌کند . رونالد ریگان در سخنرانی اخیر خویش در مجلس شورای امنیت ملی (بخوان شورای تهدید امنیت دیگر ملت‌ها) گفت : " من دیگر اجازه نخواهم داد که تصمیمات نظامی امریکا به پشتیبانی متحدانش وابسته باشد . " این سخنان ریگان بدان معناست که امریکا قصد دارد حتی دست

امپریالیسم و متحدان آن نمی‌خواهند قانون اساسی اجرا شود

و " دال " و با ملی کردن تجارت خارجی و تحقق آزادی‌های سیاسی آگاهانه و با هدف تضعیف انقلاب و تپی کردن جمهوری اسلامی از محتوای مردمی و ضد امپریالیستی آن مخالفند .

۲ - آنهایی که ندانسته و تنه‌بانه‌خاطری‌نبردن به‌کنو مسائل و عدم اطلاع از اوضاع و احوال و مسائل امروز جهان و انقلاب ما در دام گروه اول افتاده‌اند . افراد این دسته معمولاً تحت رهبری دسته اول به اقدامات خشونت بار علیه نیروهای انقلابی مدافع جمهوری اسلامی که تفکری غیر از خود آنان دارند و حتی به اقدامات خشونت‌بار و ضد قانونی علیه نیروهای مترقی خط امام متوسل می‌شوند . برخی از افراد این دسته بارها با اقدامات ضد قانونی خود به حیثیت و اعتبار جمهوری آسیب‌رسانده‌اند .

امروز جمهوری اسلامی ایران و نیروهای ضد امپریالیست خط امام در ادامه رهبری انقلاب به طور جدی با گرایشی که مخالف رعایت و اجرای همه‌جانبه قانون اساسی است رو به رو هستند . نیروهای دسته اول هم اینک آگاهانه می‌کوشند با بهره‌گیری از برخی محافل روحانی همراه‌باخود ، با اتکاء به برخی محافل وابسته بازار و با نفوذ در ارگان‌ها و تبلیغات و اقدامات گمراه کننده و استفاده از نیروهای دسته دوم مانع اجرای قانون اساسی و تقویت پایه‌های انقلاب و حکومت جمهوری اسلامی گردند . امروز این دسته اول عملاً در خط آمریکا و در راستای هدف‌ها و منافع آن گام بر می‌دارد . پیروزی قاطع نیروهای خط امام بر این‌گرایش شرط تداوم انقلاب و تحکیم و تثبیت پایه‌های حکومت جمهوری اسلامی ایران است . بکوشیم تا با حمایت کامل از اجرای همه‌جانبه قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران ، امپریالیسم آمریکا و متحدان داخلی آن را نومید و صفوف انقلاب را هرچه نیرومندتر کنیم

در جمهوری اسلامی ، در کار اجرای قانون اساسی کارشکنی می‌کند . این گرایش صرفنظر از نیت حاملین آن عملاً آب به آسیاب امپریالیسم می‌ریزد و تیشه به ریشه جمهوری اسلامی و انقلاب می‌زند . این گرایش تاکنون ضربات جدی به انقلاب وارد ساخته و چهره‌های جدا از چهره واقعی جمهوری اسلامی در انظار جهانیان از جمهوری ترسیم کرده است . این گرایش همان‌است که مرز نیروهای انقلاب و ضدانقلاب را در هم می‌ریزد ، خشک و تر را با هم می‌سوزاند ، در کار آزادی‌های سیاسی ، قانونی ، در کار امنیت شغلی و قضائی مردم که همگی در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران بر آن تاکید شده است کارشکنی می‌کند و با اجرای اصلاحات اقتصادی اجرای بند " ج " و " دال " ، اصلاحات مربوط به مسکن و ملی‌کردن تجارت خارجی به مخالفت برخاسته است . با این همه مخالفان اجرای قانون اساسی را در جمهوری اسلامی باید به دو دسته تقسیم کرد :

۱ - آنهایی که آگاهانه از منافع تجار و زمین‌داران حمایت می‌کنند ، آنهایی که آگاهانه با آزادی‌های سیاسی و امنیت فردی و قضائی مردم که طبعاً نیروهای خط امام را تقویت می‌کند مخالفت می‌کنند و زیر پوشش خط امام در پی تپی کردن خط امام از محتوای انقلابی و ضدامپریالیستی آن‌اند . اینها همانهایی هستند که هم اکنون در مجلس به صورت یک اقلیت ، در کمیته‌ها ، در دادگاه‌های انقلاب و در سایر نهادهای جمهوری اسلامی حضور دارند و آگاهانه و با ظاهر طرفداری از امام و خط امام در صدد تضعیف امام و نیروهای ضد امپریالیست‌وفادار به جمهوری اسلامی هستند ، اینها همانهایی هستند که با انتصاب مهندس موسوی به وزارت خارجه آگاهانه مخالف بودند ، با اجرای " بندج "

قرین باشند تا بر بستری از این احساس نامطبوع توده‌های مردم از انقلاب سرخورده شوند و ضدانقلاب نیرومند گردد قطعاً از اجرای همه‌جانبه قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران که توده‌های میلیونی را متشکل‌تر و مصمم‌تر در پشت جمهوری به حالت بسیج انقلابی نگاه می‌دارد ، که میلیون‌ها کارگر ، دهقان ، زحمتکش ، روشنفکر ، کسبه و کارمند را به مدافعان پیگیر و جان بر کف انقلاب تبدیل می‌کند می‌هراسند . و خلاصه در رأس همه‌کسانی که از اجرای کامل قانون اساسی ایران می‌هراسند ، که اجرای آن را به مفهوم تقویت انقلاب و انزوای ضدانقلاب می‌دانند و از آن وحشت دارند ، شیطان بزرگ ، دشمن اصلی ما امپریالیسم آمریکا قرار دارد که به تجربه طولانی خود خوب می‌داند که اجرای قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران تاچه حد عرصه را بر پیشبرد مقاصد شوم او تنگ می‌سازد و تا چه حد مشت جمهوری اسلامی و انقلاب که بر فرق امپریالیسم و نوکرانش فرود می‌آید ، با اجرای قانون اساسی نیرومندتر و تحمل‌ناپذیر می‌گردد .

کافی است به تاکتیک کنونی امپریالیسم آمریکا که ایجاد نا امنی و تشنج و بی‌ثباتی در میهن ما است توجه کنیم ، کافی است توجه کنیم که امپریالیسم آمریکا در اجرای هدف استراتژیک خود که براندازی جمهوری اسلامی و شکست انقلاب است تا چه حد به ایجاد عدم امنیت در مردم به ایجاد نارضایتی در کارگران و دهقانان ، به گسترش‌گرانی و بیکاری نیازمند است تا دریابیم که امپریالیسم تا چه حد نگران اجرای همه‌جانبه قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران است .

هنوز گرایش مخالف قانون اساسی در جمهوری اسلامی ایران نیرومند است . هنوز یک گرایش نیرومند

رشته حیات امپریالیسم و متحدان آن در میهن ما قطع می‌شود ، موفق‌نبوده‌است . امام خمینی امسال را سال قانون اعلام کرده‌اند . بسیاری از رهبران طراز اول جمهوری اسلامی نیز به ضرورت اجرای قانون اساسی اشاره کرده‌اند . امروز شرایط برای اجرای قانون اساسی بیش از هر زمان دیگری مهیا است و از این گذشته امروز انقلاب بیش از هر زمان دیگر به اجرای جدی ، همه‌جانبه و صادقانه قانون اساسی نیازمند است .

چه کسانی از اجرای کامل قانون می‌ترسند ؟

سرمایه‌داران بزرگ ، تجار بزرگ ، زمینداران بزرگ ، همه کسانی که خون توده‌های محروم و مدافع انقلاب و جمهوری اسلامی را به شیشه می‌کنند از اجرای قانون اساسی وحشت دارند . از این گذشته همه آنهایی که از تثبیت و تحکیم جمهوری اسلامی ایران می‌ترسند ، همه آنهایی که ناآرامی ، بی‌ثباتی و هرج‌ومرج اقتصادی اجتماعی و سیاسی را بهترین زمینه پیشبرد هدف‌های ضدانقلابی خود یافته‌اند تلاش دارند کاری کنند که قانون اساسی اجرا نشود . همه آنهایی که مطابق تحلیل‌های ضد علمی و بیمارگونه‌شان خط مشی آنارشیستی و تروریستی را در قبال جمهوری اسلامی ایران در پیش گرفته‌اند ، اجرای همه‌جانبه قانون اساسی را مغایر تحلیل‌های بیمارگونه خود می‌دانند ، مغایر شرایطی می‌دانند که برای پیشبرد سیاست‌های ضد انقلابی خود و برای فریب توده‌ها بدان نیازمندند و از همین رو است که سخت از اجرای قانون اساسی بیمناکند . همه رژیم‌های مرتجع منطقه که می‌خواهند ایران و مرزهای آن قانون تشنج باشد ، که می‌خواهند در ایران ناامنی باشد ، که می‌خواهند توده‌های مردم با احساس عدم امنیت فردی ، اجتماعی ، قضائی و شغلی

رعایت همه‌جانبه قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران ، شرط اساسی تحکیم و تثبیت انقلاب و جمهوری برآمده از متن انقلاب است . تنها وقتی همه مردم خود را ملزم به رعایت قانون اساسی می‌بینند که حکومت جمهوری اسلامی ایران خود در پاسداری و رعایت همه جانبه آن پیشگام باشد .

قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران دارای محتوای ضدامپریالیستی ، استقلال طلبانه و دموکراتیک است . این قانون با همه ضعف‌ها و نارسائی‌هایی که دارد هرگاه به درستی اجرا گردد ، هرگاه اجرای آن را مجریانی که مخالف جوهر و روح قانون اساسی نبوده بلکه مدافع آن باشند به عهده گیرند ، در اساس و عمدتاً با نیازهای مبرم انقلاب منطبق است .

اصول ۲۴ ، ۲۳ ، ۲۲ ، ۲۰ ، ۲۵ ، ۲۶ ، ۲۷ ، ۲۸ ، ۲۹ ، ۳۰ ، ۳۱ ، ۳۲ ، ۳۵ ، ۳۸ ، ۴۴ و برخی اصول دیگر قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران هرگاه به درستی اجرا شوند چه در زمینه‌های اصلاحات ضروری اقتصادی - اجتماعی و چه در زمینه‌های تأمین آزادی‌های سیاسی و فردی و امنیت شغلی و قضائی مردم ایران می‌توانند پاسخگوی نیازهای انقلاب مردم ایران باشند .

متأسفانه تا به امروز بسیاری از جنبه‌های حیاتی قانون اساسی به مرحله اجرا در نیامده است . طبعاً مسئولیت عدم اجرای همه‌جانبه قانون اساسی قبل از همه به خود حکومت جمهوری اسلامی باز می‌گردد .

حکومت جمهوری اسلامی به خاطر اختلافات درونی آن که خوشبختانه امروز به میزان وسیعی اما نه بطور کامل رفع شده و نیز به خاطر مشکلات و دشواری‌های وسیعی که در مبارزه علیه امپریالیسم آمریکا و ایادی داخلی با آن رو به رو است تاکنون به اجرای بسیاری از مواد مهم قانون اساسی که در صورت اجرای هر یک از آن‌ها یک

پیروزی مبارزات ضد امپریالیستی - دمکراتیک خلق‌های ایران

سیا، رهبر عملیات سرقت ناوچه ایران

وزارت امور خارجه اعلام کرد :

"رئیس دزدان دریایی خائنی به نام حبیب الهی است که شخص سایروسونس وزیر امور خارجه دولت گارت در فرار او نقش داشته است و اسناد مربوط به این مسئله در حدود یک سال پیش از سوی دانشجویان پیرو خط امام افشاء گردید ."

دولت فرانسه حمایت آشکار خود را از ضدانقلابیون نظیر دزدان دریایی کناوچه ایران را بر بودند، ادامه می دهد

در هفته گذشته یک ناوچه موشک انداز جمهوری اسلامی ایران در آبهای اسپانیا (خلیج کالیس) به رهبری سیا و توسط ضدانقلابیون سلطنت طلب وابسته به امپریالیسم ربهوده شد . ناوچه ربهوده شده یکی از سه ناوچه های است که مدت ها قبل از دولت فرانسه خریداری شده بود ، ولی این دولت به واسطه محاصره اقتصادی ایران توسط امپریالیسم جهانی از واگذاری آنها به ایران خودداری کرده بود . این دزدی دریایی که به کمک سازمان جاسوسی اطلاعاتی آمریکا (سیا) و به رهبری عنصر خائنی به نام حبیب الهی انجام گرفت بلافاصله مورد حمایت رژیم وابسته و آمریکایی مراکش قرار گرفت . به دنبال این دزدی دریایی رسانه های خبری امپریالیستی دست به تهاجم تبلیغاتی وسیعی علیه جمهوری اسلامی ایران زدند رادیوهای آمریکا ، بی بی سی اسرائیل ، آلمان ، عراق و ... کوشیدند از چند نفر دزد دریایی که رهبری آنها را یکی از مهره های سرسپرده سیا برعهده دارد قهرمانان افسانه ای بسازند و با پر و بال دادن به این واقعه افکار عمومی جهان را علیه انقلاب ایران برانگیزند . امپریالیسم خبری می خواست وانمود کند که این دزدان دریایی بدون همکاری و حمایت هیچ کشوری با یک قایق کوچک طی عملیات متهورانه ، ناو جنگی ایران را ربهوده و گام دیگری برای " آزادی ایران " برداشته اند . تمامی رسانه های خبری امپریالیستی با آب و تاب از زبان ارتشبد فراری بهرام آریانا رهبر به اصطلاح " نهضت آزادگان " اعلام داشتند که این ناوچه " نخستین مقر دولت ملی ایران " است . جای هیچ گونه تعجبی نیست که این

" نخستین مقر دولت ملی ایران " !! با کمک سیا ، به رهبری عناصر خود فروخته و مزدوری چون آریانا و حبیب الهی و در پناه کشتی های جنگی دولت ضد خلقی مراکش تشکیل و اعلام شود . این توطئه ها و تمام توطئه هایی که طی دو سال و نیم بعد از انقلاب علیه جمهوری اسلامی ایران انجام گرفته برای مردم ما روشن ساخته است که امپریالیسم آمریکا در راس تمام اقداماتی که برای به شکست کشاندن انقلاب ما صورت می گیرد قرار دارد و از هیچ اقدامی برای نابود کردن دستاوردهای خونبار انقلاب پرشکوه ما فروگذار نیست . حمایت آشکار و بی دریغ تمامی کشورهای مرتجع جهان و منطقه از این دزدی دریایی و تبلیغات گسترده ای که در این زمینه از جانب آنان به کار گرفته شد بار دیگر نشان داد که تا چه میزانی امپریالیسم جهانی رژیم های مرتجع و وابسته منطقه و ضدانقلابیون فراری در دشمنی با انقلاب ایران اشتراک نظر و وحدت عمل دارند . به گونه ای که از هیچ ترفندی برای حمله به انقلاب شکوهمند خلق ما فروگذار نیستند . در همین رابطه کافی است که تحویل این سه ناوچه از طرف دولت فرانسه به ایران را بعد از مدت ها که از خریداری آنها می گذرد مورد توجه قرار دهیم . دولت فرانسه در شرایطی که مداوماً حمایت بی دریغ خود را به دولت تجاوزگر صدام ادامه می داد و جنگ افزارهای مورد نیاز این کشور را بدون فوت وقت به این کشور تحویل می داد مدت ها از تحویل این ناوچه هایی که قانوناً به دولت ایران تعلق داشت خودداری ورزید . هم اکنون

نیز دولت فرانسه حمایت آشکار خود را از ضد انقلابیون نظیر دزدان دریایی که ناوچه ایران را ربهودند ، ادامه می دهد . وزارت امور خارجه جمهوری اسلامی ایران طی اطلاعیه ای ضمن محکوم نمودن این توطئه خائنه چهره حبیب الهی رئیس دزدان دریایی را افشاء نمود و اعلام کرد که : " این دزدی دریایی با همکاری سازمان جاسوسی آمریکا (سیا) انجام گرفته است " وزارت امور خارجه در این اطلاعیه تصریح نموده است که : " رئیس دزدان دریایی ، خائنی به نام حبیب الهی است که شخص سایروسونس وزیر امور خارجه دولت گارت در فرار او از ایران نقش داشته است و اسناد مربوط به این مسئله در حدود یک سال پیش از سوی دانشجویان پیرو خط امام افشاء گردید " ما ضمن محکوم کردن و ابراز انزجار از این عملیات امپریالیستی حمایت کامل خود را از موضع صریح و قاطع وزارت امور خارجه جمهوری اسلامی ایران اعلام می کنیم . ما بار دیگر توجه هواداران گروه های منحرف را به تاکتیک ها و حرکات امپریالیسم که جملگی در جهت گسترش تروریسم و اعمال فشار و جنگ تبلیغاتی علیه جمهوری اسلامی ایران و انقلاب میهنمان است ، جلب می کنیم . همسویی حرکات تروریستی این گروه های منحرف با عملکرد سلطنت طلبان فراری ، ساواکی ها و ایادی مزدور امپریالیسم ، می بایستی بیش از پیش چشمان هواداران این گروه های منحرف را بر واقعیت مسائلی که پیرامون آنها می گذرد ، باز نماید .

اعتصاب کارکنان ترافیک هوایی آمریکا ضعف وزیونی طبقه حاکم آمریکا را عریان تر ساخت

● ریگان اعلام نمود :

اگر اعتصابیون ظرف سه روز سر کارشان حاضر نشوند سیزده هزار نفر را یکجا اخراج خواهد کرد .

اعتصاب کارکنان ترافیک هوایی آمریکا در هفته گذشته و اعلام حمایت اتحادیه های کارکنان ترافیک هوایی کشورهای اروپایی از خواسته های همکارانشان در آمریکا و همچنین تهدید ریگان مبنی بر اخراج هزاران مامور کنترل هوایی آمریکا در صورت عدم بازگشت آنها به سر کار توجه جهانیان را به خود جلب نمود . برخورد دولت آمریکا و شخص ریگان به اعتصابیون بخصوص در شرایطی قابل توجه است که امپریالیسم آمریکا تبلیغاتی همه جانبه ای را علیه اردوگاه سوسیالیستی برافراشته و کوشش دارد تا با تحریف واقعیات لهستان و تقویت عناصر ضد سوسیالیست در این کشور خود را مدافع آزادی و حقوق کارگران جلوه داده ، نظام منحط سرمایه داری را تطهیر کرده و هجوم تبلیغاتی خود را علیه سوسیالیسم گسترش دهد . اما اعتصاب کارکنان هوایی تمام آرزوهای امپریالیسم آمریکا را درهم ریخت . ریگان که تا دیروز از عناصر ضد سوسیالیست در لهستان و اعتصاب بخشی از کارگران لهستانی دفاع می کرد یکباره ماسک ها را کناری زد و اعلام نمود اگر اعتصابیون در آمریکا ظرف سه روز سر کارشان حاضر نشوند ، سیزده هزار نفر را یکجا از کار اخراج خواهد کرد . پافشاری کارکنان و آغاز اخراج دسته جمعی آنها به وسیله ریگان دیگر هیچ نقطه ابهامی برای جهانیان باقی نگذاشت تا درک کنند که امپریالیسم آمریکا در حالی که حاضر نیست کوچکترین خواسته ها و تقاضایی را تحمل کند تا چه حد به شیعه بازی های تبلیغاتی خود پای بند است و این واقعیت را که در پیس زست های انسان دوستانه

امپریالیسم چه ازدهایی پنهان است را آشکارا رویت نمایند . اعتصاب کارکنان ترافیک هوایی یکبار دیگر ماهیت " بهشت ایده آل " سرمایه داران را عریان ساخت و نشان داد که در حالی که بحران اجتماعی و اقتصادی سرمایه داری ، جامعه آمریکا را هر روز بیش از پیش به کام خود فرو می برد در سیستم سیاسی نیز اثرات خود را باقی گذاشته و زوال محتوم امپریالیسم هر روز نزدیکتر می شود . اعتصاب کارکنان ترافیک هوایی آمریکا و حمایت همکارانشان در دیگر کشورها که در برخی نقاط تا سطح تحریم انجام امور کنترلی لازم برای هواپیماهایی که عازم آمریکا بودند گسترش یافت شکنندگی سیستم امپریالیسم را عریان تر ساخت . در نتیجه اعتصابات میلیاردها دلار خسارت به انحصارات امپریالیستی وارد آمد و سیستم اقتصادی - سیاسی آمریکا متحمل ضربات نسبتاً قابل توجهی گردید . این امر ضعف وزیونی طبقه حاکمه آمریکا را بیش از پیش عیان کرد . ضعف وزیونی ای که در حرکات هیستریک سردمداران کاخ سفید متبلور شد و به جهانیان نشان داد که مبارزه پیگیر ، یکپارچه و متحد زحمتکشان جهان می تواند ضربات نابوده کننده ای بر پیکر امپریالیسم وارد نماید . واقعیات بطور ملموسی این حکم را به اثبات می رسانند که جامعه سرمایه داری محکوم به نابودی است و جامعه ایده آل زحمتکشان بر ویرانه های آن در آینده ای نه چندان دور بنا خواهد شد

از انریکو پاستورینو دبیرکل سندیکایی جهانی

همواره در خدمت کارگران

به تناسبت سی و پنجمین سالگرد تأسیس فدراسیون سندیکایی جهانی

آنچه در زیر می‌آید مقاله‌ای است تحت عنوان "همواره در خدمت کارگران" که توسط انریکو پاستورینو دبیرکل فدراسیون سندیکایی جهانی (I.C.F.T.O) به مناسبت سی و پنجمین سالگرد تأسیس فدراسیون (۳ اکتبر ۱۹۸۵) در مجله "جنبش سندیکایی جهانی" نگاشته شده است. به لحاظ ضرورت آشنایی هرچه بیشتر کارگران میهنمان با خدمات تاریخی و سهم مبارزاتی این کانون بین‌المللی کارگری (که از جمله موثرترین مولفه‌های روند انقلاب جهانی بوده و توده‌های تیره‌ترین اهرم این مبارزه پرولتاریای جهان در راه تحقق صلح و سوسیالیسم است) و همچنین به منظور تقویت رشته‌های مودت میان جنبش کارگری میهنمان و جنبش کارگری - سندیکایی جهانی، اقدام به درج این مقاله می‌نمائیم.

جهت تامین همبستگی بین‌المللی کارگران در تمام کشورها و نظام‌های اجتماعی گوناگون باشد.

کنفرانس اخیر اتحادیه‌ای جهانی در بلگراد. برغم خلایی که توسط (I.C.F.T.O) و برخی تضادهای سیاسی ایجاد شد - نشان داد که امکاناتی برای تامین بیشترین همبستگی به نفع صلح، توسعه آزادی، اشتغال و دستمزد بطور کلی رفاه عمومی و ترقی اجتماعی وجود دارد.

کل تجربه فدراسیون سندیکایی جهانی نشان می‌دهد که تمام این هدف‌ها همواره در صحنه عمل دارای الویت‌هایی هستند، زیرا همبستگی در فدراسیون سندیکایی جهانی همیشه از سرشتی جهانی برخوردار بوده است. همه به دور هم جمع شویم برای همه فدراسیون سندیکایی جهانی امروز تنها مرکز سندیکایی برجسته‌ای است که کلیه سازمان‌های سندیکایی می‌توانند در آن مشارکت داشته باشند و حرف خود را به گوش دیگران برسانند.

منظور از طرح این واقعیت نه آن است که به بحث با کسانی که تاکنون طرز فکرها گوناگونی داشته‌اند بپردازیم، بلکه هدف آن است که تاکید کنیم که جستجوی راه‌های نیل به اتحاد عمل و همبستگی واقعی بین‌المللی و گشودن چشم‌اندازهای جنبش سندیکایی جهانی در دهه ۸۰، بهبود و تحول آن به یک ابزار موثر در مبارزات کارگران، همه و همه گویای سمت‌گیری معینی است که ما می‌خواهیم در کنار یکدیگر و به همراه دیگر عناصر جنبش سندیکایی جهانی دنبال کنیم.

از ماهنامه "جنبش سندیکایی" ارگان فدراسیون سندیکایی جهانی

است، طبقه کارگر نقش تعیین‌کننده‌ای ایفاء نموده است. تمام این کامیابی‌ها نمایانگر پیروزی‌های بشریت مترقی است. در ایران، نیکاراگوئه، کامبوجیا، زیمبابوه و افغانستان مردم با کمک و همبستگی متحدانشان نقشه‌های امپریالیستی را که با هدف نابودی انقلاب، طرح‌ریزی شده بود عقیم گذاشتند.

دقیقا در چارچوب چنین شرایطی که به هیچ‌وجه مساعد به حال امپریالیسم نمی‌باشد است که امپریالیسم کوشش‌های تجاوزکارانه خود را برای کاهش سرعت روند تشرزدایی، شتاب بخشیدن به مسابقه تسلیحاتی، اجرای سیاست ماجراجویی نظامی و تهدید صلح و امنیت خلقها تشدید می‌کند.

امتناع ایالات متحده از امضاء قرارداد سالت ۲، نقشه‌ای که هدف از آن استقرار بازهم بیشتر موشک‌های آمریکایی در اروپای غربی است و درحالی که لبه تیز آن متوجه اتحاد شوروی و دیگر کشورهای سوسیالیستی است، خطر تجاوز علیه کوبا و دیگر کشورهای منطقه کارائیب و توسعه‌طلبی صهیونیست‌ها در خاورمیانه تنها عملکردهای نمونه‌وار، مشخص و چشمگیر تهاجم امپریالیسم علیه صلح و استقلال خلقهاست.

بنابراین، خطرناک مطلقا واقعی هستند و مقابله با آنها مستلزم بسیج کلیه نیروهای دوستدار صلح و درجه اول کارگران است. زیرا مبارزه به خاطر صلح و خلع سلاح، معنایش دفاع از زندگی است، معنایش تامین شرایطی است که در پرتو آن مبارزه برای تمام مطالباتی که توسط کارگران مطرح شده است مجال پیدا می‌کند. امروزه با شرایطی مواجهیم که ضرورت بیشترین اتحاد عمل در گستره جنبش اتحادیه‌ای را ایجاب می‌کند تحولی که در

ناشناخته است. کارگران اکنون این منطق تقدیرگرایانه را که بحران رو به وخامت در کشورهای سرمایه‌داری، یک روند پایدار است، نمی‌پذیرند. در کل دنیای سرمایه‌داری حتی در کشورهایی که اخیرا به وسیله تبلیغات سرمایه‌داری به عنوان نمونه‌هایی از "صلح اجتماعی" معرفی می‌شوند کارگران و اتحادیه‌هایشان مبارزات خود را در راه دفاع از حقوق داشتن کار، دستاوردهای اجتماعی و گسترش حقوق اتحادیه‌ای و توسعه یک نظم اقتصادی نوین و علیه تمام اشکال سرکوب و تبعیض نژادی شدت می‌دهند. مبارزاتی که هم اینک انجام می‌گیرد با یک جستجوی دائمی در بیشتر مواقع مشکل، برای تامین وحدت عمل میان سازمانهای اتحادیه‌ای دارای وابستگی‌ها و سمت‌گیری‌های مختلف بین‌المللی همراه است. باید توجه داشته باشیم که مسلما این مبارزات به هیچ‌وجه بهبوده نیستند زیرا غالبا منجر به تسلیم شدن روسا و دولت‌ها شده و در این رابطه موجب مطرح شدن مطالبات جدیدی از سوی کارگران می‌شوند.

فدراسیون سندیکایی جهانی که طی ۳۵ سال حیات خود همواره در راه دفاع از منافع کارگران مبارزه کرده و به این دستاوردها نیز مباحثات می‌کند، نمایانگر پیروزی‌های مهم مردم در مبارزات رهاییبخش است که اخیرا شاهد آن بوده‌ایم. در تمام این پیروزی‌ها که به نحوی جدی دامنه عمل امپریالیسم را در برخی از مناطق جهان تقلیل داده

می‌کند. در حال حاضر، بشریت بیش از یک میلیون دلار در دقیقه، یک میلیارد و چهارصد و چهل میلیون دلار در روز، صرف هزینه‌های نظامی می‌کند، در حالی که در همان حال بیش از ۵۰۰ میلیون نفر به نحوی سیستماتیک از گرسنگی، فقر و بیماری در بخش اعظم مناطق قابل سکونت جهان رنج می‌برند. آیا این سرنوشت اجتناب‌ناپذیر بشریت است؟ نمونه کشورهای سوسیالیستی آلترناتیو دیگری را ارائه می‌دهد که کاملا با شرایط ذکر شده فوق متفاوت است. برغم کارزار تبلیغاتی‌ای که توسط امپریالیست‌ها دامن زده می‌شود اعتبار کشورهای سوسیالیستی و همچنین نقش آنها در مبارزه برای صلح و همبستگی بین‌المللی در حال افزایش است. طی هفت سال آخر دهه گذشته تولید صنعتی کشورهای عضو شورای کمک‌های متقابل اقتصادی (C.M.E.A.) به میزان ۶۵ درصد افزایش داشت، در حالی که این شاخص در مورد کشورهای عضو جامعه اقتصادی اروپا، تنها ۱۷ درصد بود. درآمد ملی در کشورهای گروه اول طی همان دوره، رشدی معادل ۵۱ درصد داشت در حالی که رشد درآمد علی در کشورهای گروه دوم تنها ۲۰ درصد بود. کشورهای عضو بازار مشترک جامعه اقتصادی اروپا در مقایسه با کشورهای عضو کومکن با داشتن ۶ میلیون نفر بیکار طبق آمار رسمی وضعی فاجعه‌بار دارند، در حالی که بیکاری در کشورهای عضو شورای کمک‌های متقابل اقتصادی پدیده‌ای کاملا

هیجده ماه از برگزاری آخرین اجلاس شورای عمومی گذشته است. در تحلیل این روز به دو مساله اساسی برمی‌خوریم. در حالی که از یک سو شاهد چگونگی پیروزی‌های مهم در مبارزات حاد کارگران و مردم مناطق مختلف جهان بوده‌ایم، از سوی دیگر تناظر وخیم‌تر شدن اوضاع اقتصادی و اجتماعی دهها میلیون کارگر چه در کشورهای سرمایه‌داری پیشرفته و چه در کشورهایی که سمت‌گیری عمده اقتصاد آنان، سرمایه‌داری است، بوده‌ایم. از این گذشته خطرات جدی، صلح جهان را که از سالهای جنگ سرد خطرات غم‌انگیزی دارد تهدید می‌نماید. سیاست شتاب بخشیدن به تجدید بنای صنایع در سطح بین‌المللی توسط شرکت‌های انحصارگر چند ملیتی، به منظور افزایش حداکثر سود، شرایط کار و زندگی مزد - بگیران را چه در کشورهای سرمایه‌داری و چه در کشورهای دارای اهرم‌های اجرایی سرمایه‌داری، تنزل داده است. آنها (مزد - بگیران) در جنگال بیکاری، تورم و غارت منابع طبیعی که جزئی از سیاست چند ملیتی‌هاست، گرفتارند. این یک تهاجم واقعی از سوی انحصارات علیه کارگران و دیگر بخش‌های جمعیت بشمار می‌رود.

در چنین شرایطی مسابقه دیوانه‌وار تسلیحاتی که از سوی محافل امپریالیستی - تحمیل شده است، بار فوق‌العاده سنگینی بر دوش همه مردم و در درجه اول کارگران قرار می‌دهد، و این در حالی است که خطر فاجعه هسته‌ای، جهان را تهدید

اخبار شهرستانها

گروهی از هم میهنان روستایی که به عراق رفته بودند به خانه وکاشانه خوبش بازگشتند

کرمانشاه - گروهی از هم میهنان زحمتکش روستاهای مناطق مرزی غرب کشور که بر اثر تبلیغات فریبکارانه و دسیسه‌های عوامل باند پالیزبان - بختیار خانه و کاشانه خود را ترک کرده و به عراق رفته بودند، به میهن بازگشتند آنها ضمن اینکه از بازگشت به میهن خود بسیار شادمان بودند می‌گفتند "در عراق روز به روز به نارضایتی مردم افزوده می‌شود و رژیم صدام برای ادامه سلطه خویش فشار زیادی بر زحمتکشان وارد می‌آورد. همچنین رزمندگان کرد عراق و کمونیست‌ها در کنار دیگر مبارزین عراقی برای نابودی رژیم صدام تلاش می‌کنند" هم میهنانی که اخیراً از عراق بازگشته‌اند از توطئه‌های سلطنت‌طلبان و ضدانقلابیون و ارتباط آنان با رژیم صدام نیر مطالبی بیان داشتند و در پایان اظهار امیدواری کردند که تا پای جان از انقلاب و مرزهای میهن پاسداری نمایند.

با اجرای بندج و ایجاد مراکز تولید و کشاورزی از مهاجرت زحمتکشان چهارمحال و بختیاری جلوگیری کنید

شهرکرد - مهاجرت زحمتکشان استان چهارمحال بختیاری به کویت و شیخ‌نشین‌های خلیج فارس سابقه‌ای طولانی دارد. اگرچه پس از انقلاب از میزان این مهاجرت‌ها کاسته شد، ولی متأسفانه به دلیل نبودن کار و مراکز تولیدی و کشاورزی کافی در منطقه، آهنگ مهاجرت دوباره بالا گرفته است. حدود دو ماه پیش ۶ نفر از زحمتکشان "جونقان" (از بخش‌های شهرکرد) که عازم کویت بودند در دریا غرق شدند. بر اساس اخبار رسیده چند نفر از اهالی شهرکرد و بخشهای تابعه نیز در زندان کویت بسر می‌برند. بیشتر کسانی که به کویت و شیخ‌نشین‌ها می‌روند با سختی‌ها و مخاطراتی روبرو می‌شوند؟ تا سالها نمی‌توانند به شهر و دیار خود بازگردند. اینگونه مهاجرت‌ها مشکلات زیادی نیز برای خانواده‌های محروم این افراد بوجود می‌آورد. از طرفی عناصر سلطنت‌طلب و ضدانقلابی که در کویت فعالیت می‌کنند افراد زحمتکش را که برای پیدا کردن کار و تامین معاش خانواده خود دست به مهاجرت می‌زنند، به دام می‌اندازند. از جمله گروهک سلطنت‌طلب "ابومسلم خراسانی" که به وسیله ایادی پسر شاه معدوم رهبری می‌شود در به انحراف کشاندن افراد ناآگاه و محروم نقش دارد با توجه به مشکلات و نابسامانی‌هایی که مختصراً اشاره شد، زحمتکشان و روستائیان این مناطق از دولت جدید انتظار دارند که با اجرای سریع

بندج، ایجاد و توسعه مراکز تولیدی و کشاورزی و رسیدگی فوری به مسائل و مشکلات آنان، از نیرو و توان‌شان در جهت بازسازی میهن انقلابی استفاده کنند و در عمل مانع مهاجرت آنان به کویت و شیخ‌نشین‌های خلیج فارس گردند.

مزدوران مسلح خوانین، امنیت جاده‌ها را به خطر انداخته‌اند

فیروزآباد - راهزنان وابسته به خوانین فارس با مسدود کردن جاده‌های کوهستانی و سرقت اموال مسافران و مجروح کردن مردم، سعی در به آشوب کشاندن منطقه دارند. گروهی از این راهزنان از تاریخ دهم مردادماه ۶۰، در محل "گودکنارو" واقع در جاده خنج - فیروزآباد بیش از ۲۰ دستگاه از اتوموبیل‌های عبوری را متوقف کرده و پس از ضرب و شتم مسافرین اموال آنان را به غارت بردند. همچنین گروه دیگری از وابستگان به خوانین در مسیر کوار - قنات دهدار، بالاتر از سد بند بهمن کمین کردند و بیش از یکصد هزار تومان از اموال و اشیاء قیمتی روستائیان و عشایر را به سرقت بردند. در اوایل مرداد ماه نیز در جنوب جاده "خنج" سه نفر مسلح، به اتوموبیل‌ها حمله کردند و پول و اشیاء مسافرین را ربودند. این اقدامات که مورد تأیید خوانین قشقایی و سایر گردنکشان مسلح ضدانقلابی قرار می‌گیرد، خشم عشایر و زحمتکشان منطقه را برانگیخته است. این هم میهنان حوهران مبارزه پیگیر و همه‌جانبه نیروهای انقلابی علیه خوانین و وابستگان مسلح آنان هستند.

برای رفاه کشاورزان و قطع دست واسطه‌ها دولت باید مستقیم‌آه محصول را از کشاورزان خریداری نماید

دشتستان - هواداران سازمان دشتستان بوشهر با توجه به شروع فصل لیموچینی و مشکلات و خواسته‌های کشاورزان آن منطقه اعلامیه‌ای منتشر نموده و طی آن از دولت و ارگان‌های مسئول خواسته‌اند که با خرید محصول لیموی کشاورزان دست محتکران و واسطه‌ها را از حاصل ماهها تلاش شبانه‌روزی کشاورزان و خانواده‌های آنها کوتاه نمایند.

در بخشی از اعلامیه می‌خوانیم:
"یکی از مشکلات اساسی و فوری کشاورزان در آتیه نزدیک مسئله حمل لیمو به بازار و فروش آن است. با توجه به اینکه در سالهای گذشته محصول به شهرهای خوزستان (اهواز و آبادان و...) حمل می‌شد و در شرایط کنونی بر اثر جنگ تحمیلی رژیم صدام این کار صورت نمی‌گیرد کشاورزان منطقه دشتستان از دولت انتظار دارند که: لیموی تولیدی آنها را از طریق نهادهای انقلابی از جمله جهادسازندگی و یا شرکت‌های تعاونی بطور مستقیم و با قیمت عادلانه خریداری و بدین وسیله دست تجار بزرگ، دلالان و واسطه‌ها را از دسترنج تولید کنندگان زحمتکش کوتاه نماید."

و در خاتمه شوراها اسلامی منطقه آن بخش خصوصاً شوراها اسلامی روستاهای "درواهی" و "چم‌درواهی" را دعوت نموده‌اند که از طریق مراجعه به مسئولین دولتی و طرح مشکلات و نیازهای کشاورزان منطقه دشتستان خواسته‌ها و کشاورزان زحمتکش و انقلابی آن منطقه را مبنی بر خریداری و حمل محصول لیموی آنها توسط دولت تحقق بخشد.

عوامل خوانین در بعضی از شرکت‌های تعاونی ارزاق عمومی را احتکار یادر اختیار خوانین قرار می‌دهند

هواداران سازمان در سیستان و بلوچستان طی اعلامیه‌ای نفوذ عناصر وابسته به خوانین در شرکت‌های تعاونی روستایی را افشاء نموده و خواستار کنترل توزیع ارزاق عمومی توسط نهادهای انقلابی شده‌اند. در اعلامیه می‌خوانیم:

"در پاره‌ای از روستاهای استان علی‌الخصوص حومه ایرانشهر چون "لاشار" فنوج و... ایادی خوانین در شرکت‌های تعاونی، کانال تامین تدارکات خوانین شده‌اند.

این عناصر همچنین با عدم توزیع ارزاق عمومی در تعاونی‌ها، اجناس را در بازار سیاه به چندین برابر قیمت به روستائیان می‌فروشند. ایادی خوانین با این کار قصد دارند علاوه بر تامین مایحتاج ضدانقلابیون فراری و آواره، گرانی کاذب ایجاد نموده و بدین وسیله نیت شوم تبلیغ علیه انقلاب و حاکمیت جمهوری اسلامی را به اجرا درآورند. بسیار ضروری است مقامات استان و مسئولین نهادهای انقلابی هرچه فعالتر و جدی‌تر دست این عناصر را از ارزاق عمومی مردم که باید عادلانه و به نرخ رسمی توزیع شود کوتاه‌کنند و با همکاری مردم تعاونی‌ها را زیر نظر نهادهای انقلابی (جهادسازندگی و...) سازمان دهند"

کرمانشاهان

به دنبال عملیات جنایتکارانه حمله مسلحانه و ترور شخصیت‌ها و افراد منتسب به نهادهای انقلابی و بمب‌گذاری اخیر میدان آزادی کرمانشاه که منجر به کشته و زخمی شدن ده‌ها تن از زنان و کودکان زحمتکش گردید، هواداران سازمان در کرمانشاهان طی اعلامیه‌ای ضمن محکوم نمودن حرکات مذبحانه و ددمنشانه مزدوران امپریالیسم، از تمامی مردم و نیروهای انقلابی خواستند که ضمن حفظ خونسردی و آرامش، هوشیاری خود را در جهت کشف توطئه‌های خائنه بالا ببرند. در بخشی از اعلامیه چنین آمده است:

"انگیزه و عاملین این جنایات از دید مردم آگاه ما ناشناخته نیستند. به دنبال ضربات کوبنده‌ای که از سوی مردم انقلابی به منافع امپریالیسم و متحدین آن وارد گردید و به دنبال خنثی شدن توطئه‌های پی در پی و در پایان برکناری بنی‌صدر، امید دشمنان انقلاب تبدیل به یاس گردید و از آن پس ایادی و مزدوران و شبکه‌های وابسته به جبهه متحد ضدانقلاب دامنه ترور و تخریب و آدمکشی را گسترش داده‌اند تا از درون جبهه جنگ دیگری را علیه مردم و انقلاب ما بگشایند، ناامنی و هرج‌ومرج و رعب و وحشت ایجاد کنند و آتش جنگ داخلی را شعله‌ور سازند."

در ادامه اعلامیه ضمن تأکید بر لزوم اتحاد تمامی نیروهای ضدامپریالیست و مدافع انقلاب و جمهوری اسلامی و ضرورت تامین امنیت و ایجاد آرامش از طرف ارگان‌های مسئول اعلام می‌دارد:

"سرنوشت انقلاب در گرو تامین و حفظ وحدت و یکپارچگی است." و بر این اساس خطاب به مسئولین چنین می‌نویسد:
"برای فراهم ساختن و تقویت زمینه‌های چنین اتحادی، همه احزاب و نیروها و بیش از همه مسئولین مملکتی ملزم‌اند که قانون اساسی را در عمل رعایت نمایند، در این شرایط قانون - بقیه در صفحه ۱۵

بقیه از صفحه ۱۴

◆◆◆ اخبار شهرستانها

شکنی ، اقدامات نسنجیده و خودسرانه و عجولانه ، ایجاد ناامنی و هرج و مرج و ترور و تخریب از جانب هر نیرو و تحت هر عنوانی که باشد قبل از هر چیز به نفع دشمنان انقلاب است . در این زمینه باید از اقدامات خودسرانه و قانون شکنانه محافل و دستجات مشکوک در کرمانشاه اشاره نمائیم که پس از رانده شدن آنها از سپاه پاسداران اکنون در " ستاد تامین مقاومت شهری کرمانشاه " لانه کرده و تحت پوشش " حزباله " در خیابانها و محلات اقدام به بازداشت ، بازرسی و چاقوزنی هواداران جریانات سیاسی می نمایند. این اقدامات غیر مسئولانه و قانون شکنانه می بایستی با واکنش صریح و قاطع نهادهای انقلابی روبرو گردد که متأسفانه تاکنون چنین امری مشاهده نشده است "

اخبار کوهنوا

● در هفته های گذشته مردم شهرهای مختلف ایران با ابراز انزجار از اعمال خرابکارانه و تروریستی ضدانقلابیون ، مشت محکمی بر دهان آنان (که به گمان خود می خواستند توده ها را به حرکت در آورند !) کوبیدند ، مردم با شرکت در تظاهرات و راهپیمایی ها و مراسم تشییع جنازه شهدای این فجایع ، مخالفت خود را با اینگونه اعمال ضد مردمی اعلام داشتند .

● عوامل خوانین فشقایی و دیگر خوانین ضدانقلابی فارس در تدارک توطئه های تازه علیه جمهوری اسلامی هستند . در جریان رای گیری انتخابات میان دوره ای مجلس و ریاست جمهوری این مزدوران کوشیدند با ربودن صندوق های رای (در کوهمره سرخی و روستاهای اطراف آن) منطقه را به آشوب بکشند که با مقاومت مردم و شعارهای " مرگ بر خان ، مرگ بر زورگو " روبرو شدند . متأسفانه اخباری از حمایت بعضی مسئولان استان و خبر مذاکره استنادار با این خوانین به گوش می رسد که نگران کننده است زحمتکشان و عشایر فارس اقدام انقلابی و قاطع علیه خوانین را تنها راه درست می دانند .

● یکی از " مادران " مجاهدین در گرگان که پس از انقلاب با تمام نیرو از سازمان مجاهدین حمایت می کرد و تا چندی پیش نیز هوادار سازمان بود ، پس از دیدن تصویر مسعود رجوی و بنی صدر از تلویزیون که تحت حمایت پلیس فرانسه مصاحبه می کردند ، گفت :
" من دیگر از امروز طرفدار سازمان مجاهدین نیستم . من نمی توانم قبول کنم رهبر یک سازمان که خود را انقلابی می داند این چنین عده ای را به کشتن بدهد و خودش در کنار خلبان شاه به آغوش امپریالیست ها برود "

ضدانقلاب را افشاء کنیم ۱۶

رد پای ضد انقلابیون

در انفجار میدان آزادی

صبح روز سیزدهم مرداد ۶۰ (روزی که ضدانقلاب در میدان آزادی کرمانشاه با انفجار بمب ۱۳ تن را شهید و تعدادی را مجروح کرد) " اعظم دانیالی " یکی از افراد وابسته به باند پالیزبان و " علی اصغر خسروی " استوار دوم ژاندارمری که متواری است ، در محله ده جنون در داخل یک کمپرسی و یک تاکسی دیده شده اند این دو نفر در یکی از پایگاه های پالیزبان بسر می برند .

حضور این دو عنصر ضدانقلابی در کرمانشاه می تواند ردپایی برای شناسایی و دستگیری بمب گذاران باشد

ضمناً اطلاعاتی در دست است که نشان می دهد در پیکان زرد رنگ متعلق به پسر " جمشید فاضلی (جمشید کوالی) ضدانقلابی معروف منطقه در حمل و نقل سلاح و مواد منفجره مورد استفاده باند پالیزبان - بختیار قرار گرفته است .

عوامل خوانین

از پادگان ابودر اسلحه سرقت کردند

در تاریخ بیستم تیر ۶۰ از اتوموبیلی به سرنشینی " احسن امجدی " فتودال منطقه ولدبگی و رئیس بسیج عشایر ولدبگی مقداری فشنگ که جاسازی شده بود کشف گردید . تحقیقات بعدی نشان داد که این فشنگها از پادگان ابودر در سرپل ذهاب به سرقت رفته بوده است . ماشین مذکور متعلق به شخصی به نام " جانبخش سعیدی " یکی از مسئولین بسیج عشایری می باشد . قابل توجه است که بعضی از سران ستاد بسیج عشایری در شرایط ادامه جنگ تجاوزکارانه رژیم صدام علیه جمهوری اسلامی و ضرورت تدارک دفاع همه جانبه از انقلاب و جمهوری اسلامی دست به این کار می زنند .

یادآور شویم که سرگرد " نصراله پور " رئیس رکن ۲ پادگان ابودر که پس از انقلاب پاکسازی شد و به مدت شش ماه متواری بود مجدداً به کار گمارده شده است . وی رابطه نزدیکی با سید قاسم افضلی ساواکی معروف و معاون پالیزبان دارد و با فتودالهای بیونج در تماس دائم می باشد .

مسامحه و تعلل مدیریت لیبرال کارخانه روغن کشتی ورامین

مسبب اصلی آتش سوزی کارخانه است

کارگران (منجمه اشکالات فوق الذکر) هیچ گونه اقدام جدی صورت نداده بلکه کارخانه را نیز (در شرایطی که افزایش تولید، نیاز انقلاب است) به کمترین حد ممکن کاهش داده است . مضافاً بر این که طرح کارخانه جدید ۶۰ تنی را که سه سال پیش باید به اتمام می رسید هنوز به اتمام نرسانده است .

کارگران کارخانه روغن کشتی شماره ۲ ورامین ، با توجه به موارد فوق الذکر ، بیش از هر چیز تعلل و مسامحه کاری های اخلاص گرانه مدیران لیبرال کارخانه و همفکران آنها در شرکت سهامی کارخانجات اتکا را مسبب اصلی مشکلات کارخانه و آتش سوزی اخیر می دانند و نظر مسئولین امر (به ویژه مدیر عامل جدید سازمان اتکا) را جهت پاسخگویی مسئولانه به مشکلات و مسائل کارخانه و کارگران جلب می نمایند .

حریق ندارد .
۳ - وضع نگهبانی و سیستم حفاظتی کارخانه و انتظامات داخلی و خارجی کارخانه نامنظم و بی برنامه است ، و در مواردی چنین سیستمی وجود ندارد .

به مسائل فوق باید خرابی دیوار ضلع غربی کارخانه (که مدت ها است نیاز به ترمیم دارد ولی هیچ اقدامی از جانب مدیریت کارخانه صورت نگرفته است) و همچنین فقدان چراغ برای روشنایی راهروها ، انبار و ... را نیز باید اضافه نمود (بسیاری از قسمت های کارخانه منجمه انباری که آتش گرفت فاقد روشنایی است) . مدیریت کارخانه (بخصوص رئیس هیئت مدیره) که همواره در مقابل مطالبات انقلابی و برحق کارگران خودسرانه مقاومت نموده و هر حرکت مبارزاتی را با تهدید و اخراج پاسخ گفته و می گوید تا کنون نه تنها نسبت به برطرف کردن مشکلات و مسائل کارخانه و

در اثر آتش سوزی در کارخانه شماره ۲ روغن کشتی ورامین ، یکی از انبارهای مواد اولیه محتوی کارتن ، عدل های گونی ، الوار ، ورق حلب ، دو عدد لیفت تراک و ... به کلی سوخت و به قسمتی از روغن کشتی و قوطی سازی خسارت هنگفتی (بالغ بر ۵۰ میلیون ریال) وارد آمد . در اثر تلاش و کوشش قابل تقدیر کارگران کارخانه ، پاسداران کمیته پل سیمان و امدادگران آتش نشانی از گسترش حریق به مخازن روغن جلوگیری شد . این آتش سوزی در شرایطی اتفاق افتاد که :

۱- جعبه های آتش نشانی از شیلینگ و سرشلینگ خالی بوده و امکان اقدام سریع و استفاده از شیرهای آب قسمت های مختلف کارخانه غیرممکن بود .

۲- کپسول های آتش نشانی کارخانه حدود ۳ سال است که بازدید نشده و کارخانه نیز مسئول آتش نشانی و یا کارگر آشنا به فنون اطفای

مردم میهن ما تا قطع کامل

سلطه امپریالیسم امریکا به مبارزات خود ادامه خواهند داد

ترکمن صحرا

گزارشی از برداشت محصول در روستاهای غرب گنبد

زمینه‌ای می‌شود برای تبلیغات سوء عوامل فئودالها و ضدانقلابیون، ولی اعضای آگاه و انقلابی شورا انتقاد روستائیان را پذیرفته و به اشتباه خود اعتراف می‌کنند در هنگام برداشت محصول، زحمتکشان سیستانی با همکاری و زحمات شبانه‌روزی خود تقدیر و احترام همه مردم را برانگیختند.

یلمه‌سالیان:

تقسیم محصول در شرق و غرب روستای یلمه‌سالیان بدون تحویل ۲۰ درصد جهت عمران روستا انجام گرفت که پس از احضار شورا توسط هیات ۷ نفره و سیاه پاسداران آق‌قلا، قرار شد از محصول تقسیم شده بین روستائیان به ازاء هر سهم، یک کیسه گندم و یک کیسه جو پس گرفته شود که تاکنون حدود ۲۰۰ نفر به این قرار عمل کردند.

بی‌بی شیروان:

برداشت محصول در این روستا پایان پذیرفت و یک کامیون گندم که حدود ۱۴۰ کیسه بود به عنوان کمک به زلزله‌زدگان تحویل هلال‌احمر شد و بقیه محصول نیز بین روستائیان به تعداد سهم‌بران تقسیم گردید بعد از تقسیم محصول هیات هفت نفره خواستار ۲۰ درصد آن جهت عمران روستا می‌گردد که متاسفانه شورا از تحویل آن سرباز می‌زند و در نتیجه یکی از اعضای شورا توسط سپاه پاسداران بازداشت می‌شود.

یاسی دغه و یارتی قایه:

در این دو روستا نیز مشکلاتی در رابطه با برداشت محصول و تقسیم آن از قبیل خودداری از دادن سهم به خرده‌مالکان و نتیجتاً بروز اختلاف بین شورا و ارگانهای انقلابی بوجود آمده‌است که ارگانهای انقلابی باید به شیوه‌ای منطقی در رفع این مشکلات بکوشند.

مالکان همچنین عدم رسیدگی ارگان‌های انقلابی به خواست‌ها و انتظارات روستائیان تا حدودی موجب دلسردی مردم از شورا و ارگانهای انقلابی گشته‌است که باید با آن برخوردی جدی نمود.

زیتونلی - موارد مشابه فوق در روستای زیتونلی نیز جریان داشت که با برخورد مسئولان جوانان مومن و متعهد به انقلاب در این روستا مساله به نحو رضایت‌بخشی حل گردید.

بهلکه‌شیخ‌موسی - در این روستا هنگام تقسیم محصول یکی از افراد مرفه روستا با شورا به مقابله و درگیری برخاست که پاسداران انقلاب دخالت کرده و ضمن پشتیبانی از شورا شخص مزبور را دستگیر ساختند.

بدراق‌نوری - تقسیم محصول در روستای بدراق نوری براساس هر سهم ۲۰۰ کیلوگرم گندم انجام گردید و ترکمن‌ها و سیستانی‌ها سهم برابر دریافت داشتند. در ضمن طبق طرح هیات برداشت محصول، ۱۰ درصد از محصول جهت عمران و آبادی روستا به حساب شورا و حاکم شرع ریخته شد و نیز از فئودال‌هایی که در اطراف روستا زمین داشتند به همین منظور ۱۰ درصد محصول گرفته شد.

تاتار علیا - در این روستا به دلیل همزمانی برداشت با امتحانات درسی جوانان روستا و نیز نبودن برنامه‌ریزی درست امر برداشت محصول با مشکلاتی همراه بوده‌است. شورای روستا بدون اطلاع مردم به استخدام چند کارگر مزد - بگیر برای برداشت اقدام می‌کند که این مساله مورد اعتراض و انتقاد روستائیان قرار گرفته و همچنین

برداشت شورایی محصول در منطقه ترکمن‌صحرا ادامه دارد، و روستائیان علیرغم مشکلات و موانع متعدد نقش خویش را در افزایش تولید و خودکفایی در شرایط حساس کنونی بخوبی درک کرده و متعهدانه به حفظ و حراست از محصولات، تحویل مازاد غلات به سیلوها و جلوگیری از حیف و میل آن مشغولند به‌گزارشی که به‌خوبی نحوه عمل و مسائل و مشکلات روستائیان ترکمن‌صحرا را نشان می‌دهد توجه کنید!

قره‌سو - برداشت شورایی گندم در روستای قره‌سو توسط یک کمباین و در عرض ۲۰ روز به پایان رسید. شورای روستا که به تبعیت محض از ضوابط آئین‌نامه برداشت و بدون توجه به واقعیت موجود و ذهنیت مردم قصد داشت عده‌ای از ساکنین خرده‌مالک و یا کارمند روستا را از سهم‌بری محروم نماید با اعتراض مردم مواجه گردید و سرانجام قرار شد با تغییراتی در ضوابط آئین‌نامه به افراد مذکور نیز سهمی از برداشت محصول داده شود. شکل سهم‌بری به ترتیب زیر انجام گرفت:

افراد مجرد بالای ۱۸ سال هر نفر ۱۰ کیسه، افراد متأهل ۲ یا ۳ نفره ۱۵ کیسه، متأهلین بیش از ۳ نفر ۲۰ کیسه، زنان و کودکان بی سرپرست ۱۰ کیسه و بقیه نیز به سیلو تحویل داده شود که البته خرده‌مالکان و کارمندان دولت از گندم تحویل شده به سیلو سهمی نخواهند برد در این طرح تقسیم برای سیستانی‌ها، بلوچ‌ها و ترکمن‌ها سهم یکسان در نظر گرفته شد.

کاکا - بی‌توجهی شورای روستای کاکا به تعداد کثیر خرده‌مالکان روستا و دنباله‌روی صرف از ضوابط آئین‌نامه برداشت دایر بر عدم واگذاری سهمی از محصول شورایی به خرده -

خبرهایی از روستاهای کشور

به خواست برحق اهالی «هفشجان» شهرگرد رسیدگی کنید

شهرگرد - اهالی هفشجان از توابع شهرگرد با ارسال طومار بلندی برای مقامات مسئول جمهوری اسلامی ایران ضمن برشمردن توطئه مالکینی که با همدستی جهان‌بین فئودال معروف و از عوامل مزدور رژیم گذشته بخشی از زمین‌های خالصه دولتی را در دوران قبل از انقلاب غصب کرده و پس از انقلاب نیز با عنوان کردن اینکه اینها زمین کشاورزی است قصد ادامه تصرف آن را دارند، متذکر شدند که این زمین‌ها غصبی بوده و ۲۰ سال است که کشت نشده است و خواستار مصادره این زمین‌ها توسط دولت جهت مصارف عام‌المنفعه از قبیل مراکز تربیتی و تفریحات سالم و غیره گردیدند.

دولت باید خود مستقیماً محصول را از کشاورزان خریداری کند

هم‌اکنون موقع برداشت لیمو در منطقه دشتستان فرا رسیده‌است. زحمتکشان این منطقه طی مدت یک سال با حفاظت و آبیاری باغ‌های لیمو انتظار دارند که بتوانند با فروش محصول قسمتی از احتیاجات زندگی خود را تامین نمایند. یکی از مشکلات اساسی و فوری این زحمتکشان در حال حاضر مسئله حمل و نقل آن به بازار است. با توجه به اینکه در سالهای قبل آنها محصول خود را به شهرهای خوزستان

دست تو شکفت و ضرب بردشمن زد
با هر طش قلب تو، قلب من زد
در خوشه هر بربخ، ریخ تو شکفت
تا گترش بهار را در من زد

زمین از آن کسانی است که روی آن کار می‌کنند

سرنوشت قرارداد تالبوت همچنان بر مردم پوشیده مانده است

۱۱۶ ابعاد اسارت بار قرارداد "تالبوت" را مورد تجزیه و تحلیل قرار داد و مطالعه آن را به نمایندگان مجلس شورای اسلامی نیز توصیه کرد، ما مطالعه این بررسی را به وزیر جدید صنایع و معادن پیشنهاد می‌کنیم. به شهادت اخبار ضدونقیض تاکنون وضع چنین قراردادهای اسارت‌باری پوشیده مانده است. مردم میهن ما انتظار دارند در جریان عقد قراردادهای اقتصادی قرار گیرند و سیاست دولت را در قبال انحصارات امپریالیستی بدانند.

مردم از وزیر جدید صنایع و معادن می‌خواهند که موضع جمهوری اسلامی ایران را در مقابل چنین قراردادهایی روشن کند.

خبرگزاری پارس به نقل یکی از روزنامه‌ها اعلام کرد "ایران ناسیونال برای ساخت اتومبیل با کمپانی‌های مرسدس بنز آلمان و تالبوت انگلستان قرارداد بسته است" (اطلاعات ۱۹ مرداد ماه ۶۰). روزنامه‌ن کیهان (۲۱ مرداد) استناد خبرگزاری پارس را به خود نسبت داد و انتشار اشتباه خبر مذکور را به عهده گرفت.

عضو هیئت مدیره کارخانجات ایران ناسیونال نیز در این مورد گفت "ایران ناسیونال طی دهه گذشته قراردادی با تالبوت انگلستان منعقد کرده بود که این قرارداد ظرف چند ماه آینده به اتمام خواهد رسید و..." (کیهان ۲۱ مرداد)

سازمان ما در کار شماره

طرح «تمرکز صنایع سیمان» به سود انقلاب است

صنعت سیمان که منجر به کاهش تولید شده است پایان می‌بخشد. (صنایع سیمان با وجود تاءمین کلیه مواد اولیه از داخل بیش از ۷۰٪ ظرفیت، تولید ندارد). چنین تمرکری بنا بر رشته‌های مختلف صنعت مانند نساجی، اتومبیل‌سازی، داروئی، شیمیائی و... می‌تواند کنترل موثر بر این صنایع را در برداشته باشد و می‌باید تعمیم داده شود.

طرح "تمرکز صنایع سیمان" کشور در روزنامه جمهوری اسلامی (۲۱ مرداد) به چاپ رسید. بر طبق این طرح برنامه‌ریزی صنایع سیمان کشور از مسائل مربوط به کار و کارگری گرفته تا تولید و توزیع به صورت متمرکز در خواهد آمد. اجرای چنین طرحی در صورتی که مدیریت و سیاست لیبرالی بر آن حاکم نباشد به بسیاری از نابسامانی‌ها در

بخش خصوصی است. ثانیاً: با این عمل تعداد زیادی از کارکنان این شرکت‌ها که از تخصص‌ها و تجربیات ارزشمندی برخوردارند و بعد از انقلاب ثابت کرده‌اند که اهداف انقلاب کمک‌کنند، به خیل بیکاران خواهند پیوست.

ثالثاً: طرح‌ها و پروژه‌های زیادی که توسط این شرکت‌ها در دست اجرا بود، حداقل برای مدت قابل ملاحظه‌ای عملاً بلا تکلیف خواهند ماند و هنوز معلوم نیست چگونه به اجرا در خواهند آمد.

در جهت سر و سامان دادن به این شرکت‌ها که اینک دولتی شده‌بودند بردارد و از مهارت، تخصص و تجربیات آنان بهره‌برداری کند، اما بخشنامه فوق‌نہ تنها پاسخ مثبتی به تلاش این ارگان‌های ارزنده نیست بلکه:

اولاً: معایر روح قانون اساسی است زیرا در قانون اساسی بر تقویت بخش دولتی تأکید شده و از بخش خصوصی به عنوان بخش مکمل و فرعی بخش دولتی یاد شده است. در صورتی که این بخشنامه عملاً به معنای تضعیف بخش دولتی و تقویت

با تقویت تعاونی‌های محلات به مقابله گران‌بش‌تایم

نیازهای اهالی محل برای ارزاق مایحتاج عمومی ایفا کنند، باید در شبکه‌ای منظم، تحت نظارت دولت قرار گیرند که کالاهای وارداتی و محصولات داخلی را به دست تعاونی‌های محلات برساند. این شبکه باید بخشی از شبکه عمومی توزیع باشد که از طریق تعاونی‌های کسبه خرده‌پا، تعاونی کارگاه‌های صنعتی، محصولات مصرفی و مواد، لوازم و ماشین‌آلات را به دست کسبه و صنعتگران برساند. مراکز توزیع دولتی نیز که برای جوابگویی بر نیازهای مردم و مقابله با گرانی لازم است هرچه سریع‌تر رشد یابد، جزئی از این شبکه عمومی باید باشد.

فراهم کنند. این کوشش، علیرغم نیت خیر و تلاش‌های پی‌گیر مسئولان تعاونی‌ها به جایی نمی‌رسد که تعاونی بتواند نیازهای مبرم اعضای آن را برای این کالاها تاءمین کند.

مساله در این است که این تعاونی‌ها در شبکه‌ای منظم برای توزیع کالا که تحت نظارت مستقیم دولت باشد قرار ندارند. این تعاونی‌ها نیز هرکدام باید همچون کسبه محل با عمده‌فروشان انحصاری، محتکران سودجوی، هر کدام به تنهایی گلاویز شوند و اجناس مورد نیاز تعاونی را تهیه کنند. از این رو است که مقدار و تنوع جنس در این تعاونی‌ها محدود و قیمت‌های آن چندان کمتر از قیمت بازار نیست. جنبه استثنائی آن در مورد کالاهائی است که توزیع آن در دست دولت است. کالاهای سهمیه‌بندی شده و نیز کالاهائی چون سیگار، مرغ و تخم مرغ که تحت نظارت مستقیم دولت، یا حتی توسط دولت، توزیع می‌شود در این تعاونی‌ها به نسبت فراوان است و به قیمت رسمی به فروش می‌رسد.

بدین ترتیب می‌بینیم، برای آن که تعاونی‌های مصرف محلات بتوانند نقش ارزنده خود را در تاءمین

در ماه‌های اخیر شاهد رشد فعالیت تعاونی‌های مصرف محلات بوده‌ایم. کمیابی و گرانی روزافزون بسیاری از کالاها انگیزه تشکیل این تعاونی‌ها را در محلات به وجود آورده است و تعاونی‌هایی که فعالیت داشته‌اند با استقبال فزاینده اعضا روبرو شده‌اند. تعاونی‌های مصرف محلات با ابتکار معتمدین و اعضای شورای محل تاءسیس می‌شود و اهالی محل نیز با خریدن سهام به ایجاد تعاونی یاری می‌رسانند و در آن عضویت می‌یابند. مشکل این تعاونی‌ها نه در تاءسیس که در گرداندن آنها است، به نحوی که بتوانند جوابگوی بخش قابل‌توجهی از نیاز مردم برای ارزاق عمومی و دیگر مایحتاج منزل باشند.

مساله در این است که این تعاونی‌ها، هرکدام با سرمایه‌ای اندک و اعضای بسیار، در پی آنند تا در بازار پرتلاطم و اختلال‌کنونی، که امیرالیم جهانی و سرمایه‌داران وابسته در پی مختل کردن هرچه بیشتر آنند، و سودجویان و محتکران در پی کسب سودهای کلان و چپاول هر چه بیشتر مردم زحمتکش میهن‌اند، مایحتاج اهالی محل را به قیمتی ارزان

انحلال شرکت‌های وابسته به دولت مخالف قانون اساسی و مغایر مصالح انقلاب است

۵۸ کارکنان متعهد اکثر آنان با توجه به نیازهای انقلاب در جهت سازندگی و به خاطر بهره‌جویی از کارآئی و ظرفیت فنی قابل ملاحظه‌شان، با کمک مدیران دولتی به احیاء این شرکت‌ها پرداختند و با تلاش بسیار، پروژه‌های نیمه‌کاره و معوقه را مجدداً راه انداختند و حتی تلاش نمودند که از امکانات خود برای اجرای دیگر پروژه‌های دولت استفاده کنند و در این زمینه نیز پیشنهاداتی ارائه نمودند و طی این مدت با اشتیاق تمام در جهت پیشبرد اهداف انقلاب نهایت سعی خود را به کار بستند و متقابلاً نیز انتظار داشتند که دولت گام‌هایی

که همه از وابستگه دربار و ایادی رژیم بودند سالهای سال از نیروی کارکنان زحمتکش این شرکت‌ها در جهت پر کردن جیب‌های خود سود می‌جستند و به هر شکلی که منافعشان اقتضا می‌کرد آنان را استثمار می‌کردند. پس از پیروزی قیام شکوهمند خلق و تحولاتی که منجر به سرنوینی رژیم منحوس پهلوی شد، صاحبان این شرکت‌ها که عرصه را بر خود تنگ دیده بودند آبه تبعیت از ارباب خود یعنی شاه خونخوار، فرار را بر قرار ترجیح داده و از ایران گریختند.

پس از فرار صاحبان شرکت‌ها یعنی از اوائل سال

طبق بخشنامه‌ای که در تاریخ ۲۱ مردادماه ۶۰ از طرف سازمان برنامه و بودجه صادر شد، ۳۰ شرکت بزرگ مقاطعه‌کاری و مهندسی مشاور که در رشته‌های معماری، شهرسازی، تاءسیسات و راهسازی فعالیت داشته و توسط مدیران دولتی اداره می‌شدند منحل گردیدند.

این شرکت‌ها از نظر پرسنل، تجربه کاری و مهارت و کارآمدگی در ایران از مجهزترین و پرباقه‌ترین آنها محسوب گردیده که قبل از انقلاب توسط بخش خصوصی اداره می‌شدند و مایملک آنان بود. صاحبان این شرکت‌ها

از ۲۸ مرداد بیاموزیم

تحریف حقایق ۲۸ مرداد، حلقه‌ای از جنگ روانی

امپریالیسم علیه انقلاب ایران و به منظور دامن

زدن به تفرقه در صفوف مردم .

از این دام پرهیز کنید!

درباره نهضت ملی کردن نفت و به‌ویژه نقطه پایانی و خونبار آن ۲۸ مرداد انبوهی از مطالب نوشته و گفته شده است بخش عظیمی از این مطالب، تفسیرها و تحلیل‌های غیر واقعی، غرض‌آلود و با هدف دشمنی علیه نهضت ملی مردم ایران با هدف مخدوش کردن ماهیت دکتر مصدق، با هدف تحریف حقایق درباره نقش و عملکرد حزب توده ایران توسط دستگاه‌های تبلیغاتی امپریالیست‌ها، خودفروختگان دربار پهلوی و عناصر مرتد و واخورده منتشر یافته و اذهان بخش‌های وسیعی از مردم و نیروهای ملی و ضد - امپریالیست را نیز مسموم ساخته است . نویسندگان و مجیزگویان آریامهری از همان فردای شکست نهضت ملی ایران قلم به دست گرفته تا چهره کریه و جنایتکارانه کودتاگران و دشمنان خلق را که به زور سرنیزه و بر دریایی از رنج و اندوه بر سرنوشته مردم ما چیره شده بودند، در میان کوهی از تحریفات و دروغ‌های بی‌شرمانه پنهان کرده و در میان نیروهای ملی تخم تفرقه و پراکندگی افشانند . به مدت ۲۵ سال رژیم کودتا هرآنچه خواست گفت و تاریخ را مغرضانه به سود خود تحریف کرد تا خشم فروخته مردم را که علیه آن رژیم منفور و اربابان امپریالیستش انباشته می‌شد، از مسیر اصلی خویش منحرف سازد .

متأسفانه انقلاب ما هنوز نتوانسته است اثرات شوم این تحریف ردیلانه را زایل سازد و حقیقت را در برابر چشمان مردم به نمایش گذارد رسوبات مسموم تبلیغات امپریالیستی و دربار پهلوی هنوز کمابیش به قوت خود باقی است و نقش منفی و مخربی در جهت نزدیکی نیروهای جبهه انقلاب به یکدیگر بازی می‌کند . نمونه بارز چنین رسوباتی را می‌توان در صفحات روزنامه‌ها و برنامه‌های رادیو و

تلویزیون جمهوری اسلامی ایران دید که علیرغم ضدیت با امپریالیسم و دیکتاتوری شاه درباره حوادث ۲۸ مرداد بازهم بسیاری از ساخته‌های دشمنان مردم را تکرار می‌کنند .

امروز مبارزه برای روشن ساختن حقایق این سالهای خروشان و به‌ویژه ۲۸ مرداد تنها بازنویسی صحیح تاریخ نیست ، بلکه جزئی از نبرد سرنوشت‌ساز مردم ما علیه امپریالیسم آمریکا و عمال رنگارنگ آن است در این نبرد سرنوشت‌ساز اتحاد همه نیروهای مدافع انقلاب یگانه راه مطمئن است .

تحریف حقایق نهضت ملی کردن نفت و ۲۸ مرداد و به‌ویژه لجن‌پراکنی علیه جنبش کمونیستی میهنان در آن سالها که به منظور رو در رو قرار دادن جبهه انقلاب انجام می‌گیرد ، حلقه مهم و بسیار اساسی این جنگ روانی را تشکیل می‌دهد . برای مقابله با این فریب‌کاری ضد مردمی ، روشن ساختن علل واقعی شکست نهضت در ۲۸ مرداد ، تلاش مستقیمی است در جهت نزدیکی نیروهای انقلابی و درس گرفتن از تجاربی که خلق ما پشت سر نهاده است .

مسئولیت مستقیم سرنوشت هر نهضت یا هر انقلابی بیش از همه برعهده رهبران آن نهضت یا انقلاب است که چگونه ضروریات زمان را دریابند ، شعارهای صحیح را کشف کنند ، خواسته‌های مردم را پاسخ گویند و همه نیروی عظیم خلق را علیه دشمن اصلی بسیج سازند . اگر با توجه به چنین حقیقتی به بررسی نهضت ملی کردن نفت بنشینیم ، آنگاه بی‌هیچ تردید باید مسئولیت اصلی سرنوشت نهضت ملی کردن صنعت نفت را بر عهده ماهیت رهبری آن نهضت بشماریم . بی‌آنکه این شیوه برخورد با مسأله موجب شود که ارزیابی عملکرد نیروها به فراموشی سپرده شود .

ملی کردن نفت بدون ریشه‌کن کردن سلطه همه

جانبه امپریالیسم جهانی به‌ویژه انگلستان ، بدون درهم شکستن مقاومت دربار و طبقات ارتجاعی که به هزاران طریق از جانب امپریالیسم انگلستان و آمریکا حمایت می‌شدند ، امکان نداشت . از همین رو جنبشی که تحت شعار ملی کردن نفت آغاز شد برای آنکه به هدف خود دست یابد می‌بایست تا حد نابودی سلطه امپریالیسم و طبقات ارتجاعی ارتقاء یابد . این به معنی یک انقلاب ضد امپریالیستی و دمکراتیک می‌بود که طبعاً می‌بایست با شرکت تمامی اقشار و طبقات خلق تحقق یابد . این ضرورت گریزناپذیر با طبیعت رهبران جنبش از جمله دکتر محمد مصدق که مخالفتش با غارتگری امپریالیسم انگلیس از موضع منافع سرمایه‌داران ملی صورت می‌گرفت ، سازگار نبود مصدق سیاستمدار بزرگی بود و در مانورهای سیاسی توانایی‌های زیادی نشان می‌داد و از همین طریق توانست از تضاد میان آمریکا و انگلستان ماهرانه بهره گرفته ، پیروزی‌های معینی را هم برای نهضت به‌دست آورد . با این همه همواره باید این مزیت او را در کنار این واقعیت دید که او به جای اتکاء به محروم‌ترین توده‌های مردم و سازماندهی و رهبری مبارزه انقلابی آنان مطابق همه کسانی که به بورژوازی دل بسته‌اند ، به مبارزه در چهارچوب قانون و بهره‌گیری از تضادهای درون جبهه خصم دل خوش می‌کرد . دهها تجربه دیگر نیز تاکنون نشان داده‌اند که این سیاست به محض اینکه امپریالیست‌ها اختلاف خود را با یکدیگر حل کنند عاجز می‌ماند و شکست می‌خورد . چنانکه عاجز ماند و شکست خورد و مسئولیت این شکست تاریخی را هم ، تاریخ به پای رهبری آن ، جبهه ملی و در راس آن مصدق نوشته است .

مصدق توانست نزدیک به ۳ سال با دنبال کردن سیاست بهره‌برداری از تضاد میان امپریالیست‌ها جنبش را به سود مردم رهبری کرده و گام‌هایی به جلو بردارد زیرا تضادهایی که میان دو امپریالیسم خونخوار انگلیس و آمریکا بر سر چگونگی غارت نفت ایران وجود داشت ، مانع توافق آنان برای سرکوب نهضت می‌شد . اما سرانجام

امپریالیسم آمریکا پس از آنکه از توافق با مصدق که علیرغم استراتژی سازشکارانه خود حاضر نبود از شعار ملی کردن نفت دست بکشد ، ناامید شد ، با همکاری مستقیم و فعالانه امپریالیسم حیل‌گر انگلستان تصمیم گرفت که دولت مصدق را سرنگون و نهضت را سرکوب کند .

این روند از فردای سی‌ام تیر ۳۱ که قیام ملی مردم امپریالیست‌ها رابه‌هراس‌مرگ افکند ، آغاز شد و پس از توطئه ناموفق کودتای نهم اسفند به اوج رسید . حلقه مرکزی اعمال توطئه‌گرانسه امپریالیست‌ها ، دربار و عمال آنان برای سرکوب نهضت این بود که مصدق را از سایر نیروهای ضد - امپریالیستی جدا سازند . آن را تا می‌توانند تضعیف کنند و زمینه سرنگونی آن را هموار گردانند . آنها می‌کوشیدند از ترس و واهمه مصدق از نزدیکی با اتحاد شوروی و از این طریق شکست توطئه تحریم خرید نفت (که از جانب همه امپریالیست‌ها به ایران تحمیل شده بود) حداکثر بهره‌برداری را نمایند مصدق و هواداران او عملاً تسلیم این سیاست توطئه‌گرانه گردیدند (تنها دکتر فاطمی را آن هم با تاخیر جدی می‌توان مستثنی کرد) حزب توده ایران که جنبش کمونیستی و کارگری ایران را نمایندگی می‌کرد هر چند با تاخیر ، اما سرانجام و قبل از آنکه فرصت‌ها از دست برود این توطئه را بازساخت و گام به گام به مصدق نزدیک شد . اما حزب توده ایران نیز علیرغم این سیاست در پیسپردن مشی اتحاد دچار تعلل‌ها و اشکالات جدی شد که عمدتاً از ارزیابی غیر دقیق نسبت به حکومت مصدق و وجود اختلافات و تضادهای جدی در درون حزب ناشی شده بود . جوانی و کم‌تجربگی جنبش کمونیستی ایران و ضعف رهبری حزب در درک پیچیدگی‌های شرایط مانع از آن شد که رهبری حزب توده ایران بتواند بر تمامی مشکلات و تاخیرهای جدی و تعلل‌های بعدی خویش بطور کامل غلبه کند . از سوی دیگر هرچه حزب توده به مصدق نزدیک‌تر می‌شد نیز هراس امپریالیست‌ها و مزدوران داخلی آن از تقویت جدی و غیرقابل بازگشت جنبش نیز بیشتر می‌شد .

برجسته‌ترین نقش را در این زمینه بی‌تردید حزب آمریکایی زحمتکشان به سرکردگی بقایی جاسوس "سیا" و روزنامه ارگان آن "شاهد" برعهده داشت . حزب زحمتکشان به پیشنهاد خلیل ملکی ، توسط بقایی و با موافقت و توصیه جاسوسان آمریکایی تشکیل شد و از همان ابتدا مبارزه علیه حزب توده ایران و کشورهای سوسیالیستی را برعهده گرفت . احمد ملکی یکی از مجریان سیاست آمریکا در جبهه ملی و مدیر روزنامه "ستاره" در این زمینه در خاطرات خود می‌نویسد :

فکر تاسیس حزب زحمتکشان ملت ایران بنا به پیشنهاد خلیل ملکی تیریزی توجه دکتر بقایی را جلب کرد و او از توجه آمریکاها به لزوم تشکیل این حزب و تقویت آن در مقابل تبلیغات شدید کمونیست‌ها و توده‌های حداکثر استفاده را نمود" او سپس اضافه می‌کند که گروهی از رهبران خیانت‌پیشه جبهه ملی ، تعدادی از جاسوسان آمریکایی که با آنان در تماس مداوم بودند ، سرانجام به این نتیجه رسیدند که :

چه ضروری دارد که آقای دکتر بقایی را از همه جهت یاری نمائیم که اقدام به تاسیس حزب نموده و هم ملت را از دست یک مشت توده‌های بیگانه‌پرست نجات دهند"

! (احمد ملکی ، تاریخچه جبهه ملی ، انتشارات روزنامه یومیه ، "ستاره" آذرماه ۳۲)

این توضیحات بخوبی ماهیت و هدف این حزب آمریکایی را روشن ساخته و نشان می‌دهد که حزب زحمتکشان بقایی با هدف سرکوب نهضت ملی از طریق دامن زدن به اختلافات و برافراشتن بیرق "خطر کمونیسم" برای انحراف از دشمن اصلی به دست جاسوسان آمریکا تشکیل شد . بقایی از یک سو مصدق را همکار حزب توده معرفی کرده و می‌نوشت : "اسرار پشتیبانی حزب توده از مصدق و مصدق از حزب توده" چرا مصدق قبل از اینکه دست‌گدایی به سوی آمریکا دراز کند با حزب توده نزدیک شد" (شاهد ۲۱ مرداد ۳۲)

چقدر جالب و در عین

در صفحه ۱۹

بقیه از صفحه ۸

ترکیب کابینه

جبهه ضدانقلاب است گام برخواید داشت امری است که ما قضاوت روی آن را تا اندازه زیادی به عملکرد دولت باهنر و اقدامات آتی آن واگذار می‌کنیم. اما ذکر این نکته بسیار ضروری است که رعایت حقوق و آزادی‌های سیاسی و اجتماعی، تضمین امنیت اجتماعی برای توده‌های مردم زحمتکش ایران از شرایط مهم پیروزی در پیشبرد اصلاحات اقتصادی و انزوا و انفراد جبهه ضدانقلاب است. سازمان ما هم دوش با همه نیروهای وفادار به انقلاب و جمهوری اسلامی و همراه با همه مردم آگاه میهن پیروزی‌های اخیر، پیروزی خط امام، انتخاب رئیس جمهور، تشکیل کابینه باهنر و اعتماد قاطع مجلس را نسبت به کابینه و وزرای آن ارج می‌نهد و همچنان به حمایت قاطع خود از مبارزات خط امام علیه خط سازس و طرد عناصر فرصت طلبی که پوشش خط امام را وسیله مخالفت با اقدامات مردمی ساخته‌اند و در راه پیشبرد انقلاب، پیگیرانه ادامه خواهد داد.

به هرحال از آنجا که اجرای قانون اساسی جمهوری اسلامی هرگاه به طور همه‌جانبه صورت نگیرد موجب اختلال جدی در پیشبرد مسائل انقلاب خواهد شد و از آنجا که تحولات اقتصادی و اجتماعی بدون تاکید بر آزادی‌های سیاسی و فردی، بدون تاکید بر امنیت قضایی و شغلی مصرحه در قانون اساسی جمهوری به‌درستی و همه‌جانبه پیش نخواهد رفت ما ذکر یک نکته را بسیار ضروری می‌دانیم و آن این است که می‌توان امیدوار بود که کابینه دکتر محمد جواد باهنر بتواند انجام اصلاحات و دگرگونی‌های بنیادین اقتصادی مصرحه در قانون اساسی را آغاز کند. اما هنوز زوداست که در باره اصول مربوط به آزادی‌های سیاسی، و حقوق دموکراتیک توده‌های وسیع مردم به صراحت اظهار نظر کرد. این که کابینه باهنر و به طور کلی حکومت جمهوری اسلامی تا چه حد در راستای تحقق همه‌جانبه قانون اساسی جمهوری که امروز ضامن پیشبرد انقلاب و انزوا

بقیه از صفحه ۱۸

از ۲۸ مرداد بیاموزیم

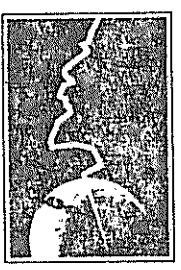
اقدامات خرابکارانه امپریالیسم آمریکا و ضد - انقلاب داخلی در مقابل انقلاب کنونی مردم میهنمان در درجه معینی، شباهت به اعمال توطئه‌گرانه آنها در جریان نهضت ملی مردم ایران در سال‌های ۳۰ تا ۳۲ دارد. هرچند به علت قدرتمندی انقلاب (چه به لحاظ عوامل خارجی و چه داخلی) امکانات جبهه براندازی به‌سرکردگی امپریالیسم آمریکا در توطئه‌گری علیه مردم میهنمان با گذشته قابل قیاس نیست، اما این اقدامات با تمام حدت و شدت خود جاری است. حلقه مرکزی این تلاش‌های توطئه‌گرانه امروز هم چون گذشته ایجاد فاصله و برانگیختن دشمنی میان نیروهای انقلابی به‌ویژه پیروان امام خمینی و هواداران سوسیالیسم علمی است. امپریالیست‌ها، کلان سرمایه‌داران، مالکین بزرگ، ساواکی‌ها و سلطنت‌طلبان، لیبرال‌ها، مائوئیست‌ها و رهبران خیانتکار سازمان مجاهدین خلق برای این هدف مشترک ره می‌سپارند. در دوران جمهوری اسلامی نیز جناح ناسالم و مشکوکی عملاً با آنها همراهی می‌کند. این جناح بازمانده و ادامه دهنده راه بقایی‌هاست که با استفاده از گرایش‌های نادرست جمهوری اسلامی نسبت به سایر نیروهای انقلابی تا امروز هم در ارگان‌ها و نهادهای خط امام دوام آورده و امکان یافته تا تجارب تاریخ را واژگون سازد و یک بار دیگر در راه نزدیکی نیروهای ضد امپریالیست به یکدیگر سنگ‌اندازی کند. در سالروز کودتای امپریالیستی ۲۸ مرداد، بکوشیم تا از تجارب ارزشمند آن بیاموزیم و آموخته‌ها را توشه مبارزه‌ای هرچه قاطع‌تر هوشیارانه‌تر و بنیادی‌تر علیه امپریالیسم و پایگاه داخلی آن قرار دهیم.

پیشرفت‌های نهضت در گام‌های بعدی نیروهای جبهه ملی را نیز تا حدودی تصفیه کرد. چهره‌های سرشناس آمریکایی همچون سرلشکر زاهدی و علی‌امینی از حمایت جبهه ملی دست کشیدند. مظفر بقایی و حسین مکی نیز در بست به ارتجاع پیوستند بخشی از جناح مذهبی جنبش به رهبری آیت‌اله‌کاشانی نیز بر اثر ادامه ضدیت با مصدق از صف نیروهای ملی دور شده و در عمل در کنار و در خدمت نیروهای جبهه متحد ارتجاع بسرکردگی دربار قرار گرفت. در خرداد ماه ۳۲ جبهه متحد ارتجاع با تمام حدود و ثغورش تشکیل شده بود و تمامی نیروهای ذخیره ارتجاع نیز بدان پیوسته بودند طیف بسیار وسیعی از مرتجع‌ترین نیروهای جامعه تا عناصر میانه‌ای که تا دیروز درباره ملی کردن نفت داد سخن می‌دادند در کنار هم قرار گرفتند. امپریالیسم آمریکا با توافق انگلیس سرلشکر زاهدی را برای جانشینی مصدق برگزید و بطور همه‌جانبه از واحدهای ارتش، ژاندارمری و شهرستانی در خدمت توطئه‌گری‌های خود سود جست. در چنین شرایطی بود که امکان اجرا و پیروزی کودتا تامین گشت. کودتاگران موفق شده بودند در ۲۸ مرداد مستی اوباش را به خیابان‌ها فرستاده و با حمایت گسترده نیروهای نظامی دولت مصدق را سرنگون و جنبش توده‌ای را سرکوب سازند. به این ترتیب سازشکاری و مماشات رهبران نهضت و محروم ماندن نهضت از یک سیاست قاطع ضد ارتجاعی، کار را بدانجا کشاند که امپریالیست‌ها دربار و بطور کلی ارتجاع داخلی در ۲۸ مرداد ۳۲ که همگی زیر پرچم کودتا متشکل گردیده بودند، توانستند نهضت ضد - امپریالیستی مردم ایران را سرکوب سازند.

حال عبرت‌انگیز است که "شاهد" نویسان پس از ۲۸ مرداد، همواره علل شکست نهضت را عدم همکاری حزب توده با مصدق اعلام کردند!! و از سوی دیگر درست در روز ۲۵ مرداد هنگامی که حزب توده ایران کودتای خائنانه امپریالیست‌ها را افشاء ساخت، شاهد برای انحراف افکار عمومی می‌نوشت: "یک خبر بسیار موثق: توده‌های ما قصد کودتا دارند و نظرشان از انتشار کودتای جعلی دربار انحراف افکار عمومی است!!" (شاهد ۲۵ مرداد) و سرانجام در ۲۹ مرداد کودتای ارتجاعی را چنین تفسیر کردند: "قیام مردم حکومت مصدق را سرنگون ساخت!!" "قیام خونین ملت" و... متأسفانه این تلاش‌های خائنانه توانست نقش ارتجاعی خود را در وقوع کودتای امپریالیستی به انجام رساند. بقایی‌ها در دادگاه خود این واقعیت را به بهترین نحوی بیان کرد و گفت: "هیچ کس در ایران به اندازه من و دوستانم بر ضد انقلاب مبارزه نکرده است" اطلاعات هفتم دی ۱۳۴۰) پا به پای این اقدامات خائنانه، روند دیگری شروع به شکل‌گیری کرد که کودتای ۲۸ مرداد را ممکن ساخت. این روند نزدیکی نیروهای ارتجاعی به یکدیگر و تشکیل جبهه متحد، ارتجاع بود که پس از سی‌ام تیر شتاب گرفته بود. بر اثر این قیام امپریالیست‌های انگلیسی و آمریکایی که از رشد جنبش به وحشت افتاده بودند، برای سرنگونی دولت مصدق به توافق رسیدند. این توافق عمال آنان در دربار و نیروهای انتظامی و جریانات سیاسی وابسته به آنها را به هم نزدیک ساخت و از همان فریاد سی‌ام تیر، تدارک کودتا به وسیله آنها در دستور قرار گرفت. از سوی دیگر سی‌ام تیر،

منتشر شد:

نویسنده: انقلاب و سوسیالیسم



۲

شورا و سدیکا

اقتصاد سیاسی

۲۰۱

شورا و سدیکا

مسلح کردن توده‌ها ضامن پیروزی خلق‌های ماست



در راه خلق مداکار و در برابر دشمنان مردم تسلیم ناپذیر باشیم .
گرامی باد خاطره
رفقای شهید مرداد ماه

- ★ عبدالله سعیدی بیدختی
- ★ عباس جمشیدی رودباری
- ★ محمد صفاری آشتیانی
- ★ فرخ سپهری
- ★ جهانبخش پایداری
- ★ محمدرسول عزیزیان
- ★ هالی هالی زاده
- ★ قربان علی پورنوروز
- ★ زین العابدین رشتچی
- ★ هرمز گرجی بیانی
- ★ مرتضی (امیر) فاطمی
- ★ مهدی فضیلت کلام
- ★ یوسف کشی زاده
- ★ غلامرضا بانزاد
- ★ حسین الهیاری
- ★ فریدون شافعی
- ★ ونداد ایمانی
- ★ سعید میرشکاری
- ★ فرامرز شریقی
- ★ فیروز شکری
- ★ فیروز صدیقی
- ★ احمد زیبرم
- ★ عبدالله قزل

فدائیان خلق، رفقای شهید سنگرهای بیگانه با نجا و زگران

- | | | |
|---------------------|---------------------------|------------------|
| اکبر بدلی | عالم عباس بحد | کاتم عدی |
| اکبر فخور | عابد الله رنسی | علیرضا کاظمی |
| امیر آفانی | محمدرضا آذران | علی خام راده |
| علی مصاف | سپهلا مسحان زاده | ابرح حسینا |
| جواد تنجی | حسینا فرحجی | لطیف علیراده |
| البرور بوسی | ابراهیم شکرچی | برور کریمان |
| فریم ریشی | عبدالحسین شاه میر | اسحاق بابازاده |
| رحیم بقیلی | محمود اثری آبادی | مرتضی دارابی |
| سعید کونش | فریدون مرتضی زاده | زهره موسویون |
| بهرام ورامینی | محمد فاسم فاتح بیکی | وحید نیک سیر |
| محمود اخو | محمد مهدی بنک اندام | شیرداد باقرزاده |
| حسرو کریمی | محمد اسدالله نژاد رودینه | کورس پاک بین |
| حسین شریعی | محمد حسین صدر آبادی | حسیند ولادوست |
| عبدالله مرادی | رحم الله (اسر) انصاری پور | غلامرضا صفر نژاد |
| محمد بازر دار | نوری نساگان | محمد رضا جعفری |
| قی اسکویی | سعید (عباس) آفایور | منصور دهمانی |
| حسن صالحی | علیرضا خلیلی | یدالله اسماعیلی |
| عباس ده دار | افراسیاب زوبین سلیمانی | حسن دهن دار |
| اکرم غفاری | سیدرضا طالب موسوی | محمد رضا و صاف |
| محمد رضا اکبری اسبق | | |

پیروز باد آرمان انقلابی رفقای شهید ★

سیا، رهبر عملیات سرقت ناوچه ایران

در صفحه ۱۲

● وزارت امور خارجه اعلام کرد :
" رئیس دزدان دریائی خائنی به نام حبیب الهی است که شخص سایروسونس وزیر امور خارجه دولت کارتر در فرار او نقش داشته است و اسناد مربوط به این مسئله حدود یک سال پیش از سوی دانشجویان پیرو خط امام افشا گردید . "

● این توطئه ها و تمام توطئه هایی که طی دو سال و نیم بعد از انقلاب علیه جمهوری اسلامی ایران انجام گرفته برای مردم ما روشن ساخته است که امپریالیزم آمریکا در رأس تمام اقداماتی که برای به شکست کشاندن انقلاب ما صورت می گیرد قرار دارد و از هیچ اقدامی برای نابود کردن دست آوردهای خونبار انقلاب پرشکوه ما فروگذار نیست .

همراه در خدمت کارگران

به مناسبت سی و پنجمین سالگرد تأسیس فدراسیون سندیکائی جهانی

در صفحه ۱۳

● از انریکو باستورینو دبیرکل سندیکائی جهانی

از توجه نمایندگان مجلس در پاسخ گوئی به مسائل اساسی زحمتکشان حمایت کنیم

● انقلاب ما به مرحله ای قدم نهاده است که جز از طریق پاسخ گوئی به خواست های بنیادی توده های مردم ، درهم شکستن پایگاه اقتصادی کلان سرمایه داران و زمین داران بزرگ و وابسته به امپریالیسم ، پاسخ گوئی به نیازهای زحمتکشان ، قادر به پیشروی و مقابله با توطئه های امپریالیستی نیست . اکنون پاسخ گوئی به خواست های توده های مردم در صدر وظایف انقلاب قرار دارد . در صفحه ۵

● توده های مردم و نیروهای انقلابی به طور همه جانبه از طرح مسائل زحمتکشان در مجلس شورای اسلامی پشتیبانی می کنند . طرح این مسائل نباید مدت ها در حد " حرف " باقی بماند . اجرای این برنامه ها ، که خواست زحمتکشان و پاسخ گوئی به ندای امام خمینی است بیش از همه بر عهده مجلس شورای اسلامی و دولت جدید است و امروز " هیچ عذری " نیز برای مسامحه در مورد این مسائل اساسی انقلاب وجود ندارد .

استقبال از رهنمود سازمان

در باره تحویل سلاح و وسایل نظامی به سپاه پاسداران

همان گونه که قبلا اعلام کرده ایم پیرو سیاست اصولی سازمان در باره حمایت از جمع آوری اسلحه و مهمات و تحویل آن به سپاه پاسداران انقلاب اسلامی ، برخی از هواداران سازمان نیز که تاکنون اسلحه غیرمجاز نزد خود نگاهداری کرده اند ، با راهنمایی مسئولین تشکیلات به مراکز سپاه پاسداران مراجعه کرده و اسلحه خود را تحویل داده اند . این اقدام هواداران در تمام موارد با استقبال مسئولین سپاه مواجه شده است .

سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) نیز ضمن استقبال از این اقدام منطقی و اصولی هواداران و همچنین ضمن استقبال از برخورد معقول و منطقی مسئولین سپاه از همه کسانی که اسلحه غیرمجاز نزد خود نگاهداری می کنند ، نیز می خواهد که با مراجعه به سپاه ، اسلحه ، مهمات و دیگر ملزومات نظامی غیرمجاز را به سپاه تحویل دهند و رسید دریافت دارند .

انحلال شرکت های وابسته به دولت

مخالف قانون اساسی

و مغایر مصالح انقلاب است

● تعداد زیادی از کارکنان این شرکت ها که از تخصص ها و تجربیات ارزنده ای برخوردارند و بعد از انقلاب ثابت کرده اند که آماده اند با تمام قوا به اهداف انقلاب کمک کنند ، به خیل بیگاران خواهند پیوست .

در صفحه ۱۷

پیش بسوی تشکیل حزب طبقه کارگر